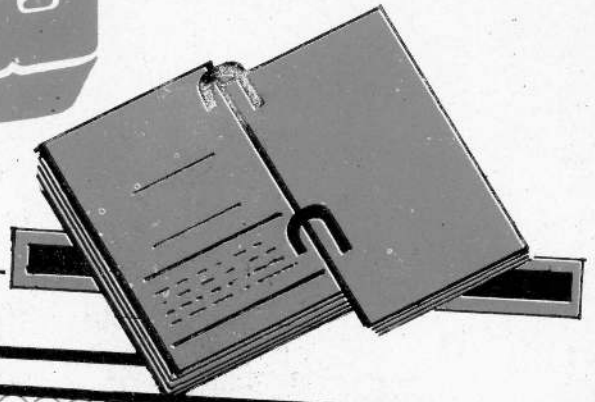


سپاوون

شماره پنجم - آبان ۱۳۶۲
قیمت ۱۰۰۰ ریال

Ketabton.com

سپاه ویران



شماره پنجم ماه اسد ۱۳۲۰ سال چهارم شماره مسلسل ۳۹



منار سپاهی کتنام - واقع جاده میوند

روی جلد: گلناره هنرمند تا جهك .
مصاحبه: اوراد رشماره آينسده بخوانيد .

میا میکل

صفحو ۵۰



روپياد هادر سکو

صفحو ۱۴ - ۱۷



هنرمندان ما میک

صفحو ۲۲ - ۲۵



ایاچی دشتید؟

صفحو ۲۹ - ۳۱



گل زمان دستارونو

صفحو ۴۶ - ۴۷

هنرمت رو شنگران در ساکها آزادی

صفحو ۶ - ۷

امتیاط کنید! تقلب در بهم جاو در بهم چیز

صفحو ۳۰ - ۳۱

صدارت به کی تعلق گرفت؟

صفحو ۴۰ - ۴۱

مدیق مخترع و اختراعات جدید

صفحو ۷۴ - ۷۵

هویت تحریر
در ویرایش
مضامین دست
باز دارد.

اندیشه و عقاید
مضامین به
نویسندگان
تعلق دارد.

SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of
Afghanistan
Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin
Assistant
M. A. Maroof
Add:
Block 106, 3rd Microrian
Kabul — Afghanistan

مدیرمسؤول: دکتور ظهیر زین
تلفون: ۲۵۱۰
معاون: محمد آصف مروف
تلفون: ۶۲۷۲
سیکرترمسؤول: ضیاء میانی
نشریه انتحاره ژود نالستان
خطاب: کیرامیر و محمدنیم
نیکزاد
گسرامیک: نورمحمد ورفیبه
عکاس: شچین گل
نایب: محمدجمعه، خواججه
مرزا محمد و زلی بیوی.
همکاران چاپ: محمد ظاهر
(ظفوری)، عبدالله و عبدالله
آدرس: مکروریان سوم،
بلاک (۱۰۶) ۸ هافانستان
پانک
۱۳۰۰ - افغانستان



دکستهای آزادی

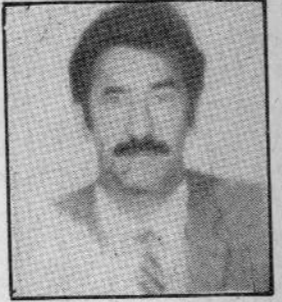
مردم در قیام



دانشمند کاندید اکادمیسین
محمد اعظم حسینی
لطفاً در مورد بزرگترین درس
های تاریخ نبرد استرداد
استقلال کشور در سال ۱۹۱۹
به خواننده گان مجله نظر خود
را ابراز دارید
سال ۱۹۱۹ میلادی یکی
از سالهای پر خاطره و افتخار
برانگیز در تاریخ کشور ماست.
در این سال است که ملت غرور
و شایسته افغانستان به قیام
دست ظاهر و دلبر شاه امان
الله خان برای استرداد
استقلال کشور مردم را بجهت
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد
و با استقلال پر شور تمام افشار
و طبقات و اقوام و قبایل ساکن
کشور قرار گرفت. بزودی ممکن
دسته های مجاهد و پیکار
جوی در شهرها و مراکز عمده
کشور آماده گوی خود را برای
جنگ با استعمار انگلیس اعلام
داشتند و در اوایل ماه می
چنگ مقدس میهنی برای استر-
داد استقلال کشور در سه جبهه
شرق، جنوب و جنوب غرب
آغاز یافت و پس از یکماه دشمن
مجبور به مذاکره و قبولی استر-
داد استقلال کشور گردید.
مجاهد صلح را ولیندی میهن

نمایندگان مختار و کشور در
هشتم اگست ۱۹۱۹ میلادی
به امضاء رسید. غازی شاه
امان الله با آنکه با برخی موا
این معاهده موافقت نداشت
سرانجام آنرا بتاريخ ۱۸ اگست
مطابق ۲۸ اسد توشیح نمود و
از آن تاریخ به بعد هر سال در
۲۸ اسد جشن استرداد
استقلال کشور مورد گرامی داشت
قلمبه مردم افغانستان قرار
میگیرد.
بزرگترین درس های کس
میتوان از نبرد سوم افغان
و انگلیس آموخت:
اول: اتحاد و همبستگی و هم-
لی مردم افغانستان در لحظات
دشوار تاریخ است که بدون
تعصبات قومی و نژادی و لسانی
و دینی و چون تن واحد به
دور شاه امان الله جمع شدند
و سلطه بیگانه را از گردن میدور
انداخته اند.
دومین درس این رخداد
قطع مداخله بیگانگان در امور
کشور یعنی قطع مداخله در
سیاست داخلی و خارجی است
افغانستان است.
سومین درس بزرگ نبرد
استقلال، برصمیمت شناختن
افغانستان بحدت یک کشور
مستقل و آزاد در نقشه جغرافی-
فهای آسیای جنوب غربی است.

چهارمین درس تاریخ
این است که به پیروی از جنبش
استقلال طلبی افغانان
آزادی طلبی و مبارزه در رهبران
سایر مستعمرات انگلیسی و از
جمله هند برتانوی بیدار شد و از
آنجا به جزایر شرق الهند نیز
سرایت نمود. اتحادی از کشور
های منطقه به آزادی و استقلال
خویش زایل آمدند.
پنجمین درس نبرد استقلال
این است که به مردمان جهان
و استعمارگران ثابت ساخت که
مردم افغانستان مردمانی
آزادی دوست اند و این مردم
به هر قیمتی که باشد آزادی
و هویت خود را حفظ کرده
و میکنند و از هیچگونه قدرت
بیگانه بیم وایستی ندارند.
ششمین درس هم اینست
است که مردم افغانستان
دارای حس سلحشوری و غرور
افغانی اند و هرگاه غرور افغانی
وحیثیت آنان از طرف کسی مورد
توهین و تحقیر قرار گیرد، آنرا
نمی بخشند. و تا پای جان
از شرف و حیثیت و وقار افغانی
خویش دفاع مینمایند. حتی
از این روحمه و خصلت آزادی
دوستی و استقلال طلبی
افغانان دانشندان و فلاسفه
نامدار اروپایی نیز توشیح و
تعریف کرده اند.



سند محترم عبداللهمریسان
لحقاً توضیح بفرمایید که:
رهبران قیام های مردم
در سالهای حصول استقلال در
کدام عناصر به خاطر تشکيل
ساختن ملت های ساکن
در کشور غرض قابله با بیگانه گان
حساب میکردند؟
در رابطه به نقش رهبر-
ان قیام های مردم در سالهای
حصول استقلال و عناصری که
ایشان در بسج نیروهای ملی
از آنها علیه اشغالگران خا-
رجی استفاده مینمودند یا-
ید گفت که در طول تاریخ با-
مدت زمان نفوذ استعمار
گران و عناصر و ظنیرست در
هر گوشه و کنار سلطنت درین افشار
طبقات و گروه های مختلفی اعم
از ملیتی، مذهبی و منطقه ای
دست به اقداماتی زدند که
زمینه را برای حصول استقلال
کشور و طرد استعمارگران
از کشور ما مساعد مینمود.
پنجمین در رابطه به مبارزه نیرو
های ملی و ویژه رهبران قیام
های ملی و طرق عملکرد ایشان
باید خاطر نشان ساخت
که از آغاز سلطنت اول امیر
دوست محمد خان در سال
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر-
حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹
انگلیس مابصورت مستقیم یا غیر

مستقیم در امور داخلی و خارجی
کشور مداخله نموده به سر
حاکمیت سیاسی اثر وارد
میکردند، که این وضع اسباب
نگرانی و نارضایتی مردم ما را
هرچه بیشتر فراهم ساخت.
چنانچه در طول دوره امام-
رت امیر حبیب الله خان دست
از روشنفکران کشور بنام مشر-
وطه خواهان غلبه استعمار
گران خارجی و استبداد دا-
خلی و دست مبارزه زدند
و گام های درجهت تنویر افکار
عامه و روشن ساختن از هسان
مردم برداشتند تا جایکه عده
زیاد ازین مبارزین را ما استقلال
و وطن جان های شورین خود را
از دست دادند، اما هیچگاه
این فریاد ایشان فرو نه نشست
زیرا آتش را که ایشان افروخته
بودند، گروه مشروطه خواهان
دوم فرزندان ساختند و قیام
ملی و جنبش آزادی طلبی را
هرچه بیشتر قوام بخشیدند.
از آنجاییکه وجود امیر-
حبیب الله خان بحدت پادشاه
افغانستان یکی از موانع عمده
اراده حصول استقلال کشور
بحساب معرفت لذا عده
از آزادی خواهان در آن مهان
مدت میان تاج و تخت سلطنت
نیز شامل بودند در عهد قتل
وی برآمدند و این برنامه

کلیق پلان طرح شده، قبلی
عملی گردید و شاهزاده امان
الله در راس جنبش جدید
قرار گرفت و حکومت جدید
بر رهبری امیر امان الله خان
در همان لحظات نخستین
اعلامیه راهی بر جلب حما-
یت مردم و تأمین و تحکیم وحدت
و همبستگی اقشار و طبقات
مختلف مردم افغانستان به
نشر رسانید. در رهن ایمن
اعلامیه کت مردم برای تحقق
اندیشه ها و آرمانهای دیر-
ینه شان مبنی بر استقلال
کامل سیاسی افغانستان که
یکی از وظایف نخستین ملت
افغانستان را تشکیل میداد.
این اعلامیه که با خواست
و آرمانهای مردم ما مطابقت
داشت مورد استقبال و پشتیبانی
مردم قرار گرفت و در نتیجه قیام
مسلحانه ملی و جنگ رویارویی
با استعمار پیون غارتگر و مستعمر
انگلیس آغاز گردید که مبارزین
ملی و رهبران قیام های مردم
با شعارهای اتحاد و همبستگی
چون مشت واحد در برابر
تجاوزگران انگلیس قیام نمودند
و مردم را به اتحاد و همبستگی
و درجهت و تحکیم وحدت ملی
فراخواندند که این پیرو سدر
جبهه قندهار تحت رهبری
بقیه در صفحه (۸۷)

نهضت روشنفکری

نوشته داود سیاروش

اگر به اوراق پریشان تاریخ بدون افتادن به دام اسطوره و یا درک افراطی از مفهوم صادی تاریخ نگاه کنیم و در آن جستارهای از نهضت روشنفکری را در اواخر قرن (۱۹) مطالعه نماییم به وضاحت دیدیم میشود که این موج تاریخی از دوران امیرشهرعلی خان به تلاطم آمده است.

اگر در باره امیر دوست محمد خان استعداد استفاد از مفکوره های روشنفکرانه سید جمال الدین افغانی را در پی بگیریم پسندیدن ترقیات عصر و آوردن تحولات و پیروم های متناهی سبب به زمان نداشت، انهرشود علی خان از لحاظ ذهنی - آماد بود پذیرش چنین پیروم ها بود، ولی چون سید جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خورد امیر را در صباوت تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا سید به پستگاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که سید بدین ملاقات با محمد اعظم خان در استمران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حصار سید جمال الدین افغانی تمام نظریات و پروگرام های اصلاحی خود را به امیر تقدیم کرد و او وعده داد که آنها را در عمل تحقیق میکند سید چه نظریاتی داشت: او - در افغانستان دولت قوی مرکزی میخواسته در ایران ترکیه که دولت مرکزی موجود بود رژیم دیوکرات طلب میکرد. . . . در هندوستان و مصر مبارزه ضد استعمار را مشتعل میخواست و در کشور های اسلامی آسیا و آفریقا غرض تمرکز قوا در مقابل اروپای مستعزیزین ترقیات عصر و آوردن تحولات و پیروم های متناهی سبب به زمان نداشت، انهرشود علی خان از لحاظ ذهنی - آماد بود پذیرش چنین پیروم ها بود، ولی چون سید جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خورد امیر را در صباوت تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا سید به پستگاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که سید بدین ملاقات با محمد اعظم خان در استمران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حبيب الله با رشد نسبي شعور سياسي بلاثر يك رشته تحولات معين، چون بوجود آمدن فابريكات، تاسيس مكاتب، منجمله مكتب حبيبيه آمدن يك تعداد معلمين هندي به كابل، چون داکتر عبدالعنى و برادرانش، عودت محمود بيك خان طرزي با مفكوره هاي تحول طلبانه و برداشت عميق مصلحتي از وضع جهان روزند - تحولات و نهضت هاي دنيا، زمين اذهان جوانان را آماده بذر اندیشه هاي جوان سپاس نمود. در اين وقت نشرات جمال المتين و بيك تعداد نشرات ديگر از هندوستان به كشور سي آمد و تحولات سياسي تركيه و انگلستان به افكار روشنفكران اثر ميگذاشت. در همان قشر جوانان دلچسپي به مطالعه و درك مسايل و رویدادهاي بين المللي افزايش مييافت. به قول ميرغلام محمد تاج سوس گردید، مطبوعه با لاد حصار بوجود آمد، جريده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسيد، كارخانه توپ تفنگ و باروت سازي تاسيس گردید، ولی با حلات پنهانه - جويانه انگليسيها و فرار امير سلسله اين تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امير -

خان مامور بار چالاني امير - پار بيك خان دروازي و غمزه جواناني كه در داخل در - باره به مطالعات كتب و جرائد خارجي ميپرداختند و به مسايل سياسي و اجتماعي داخلي و خارجي دلچسپي ميگرفتند.

۲- حزب جمعيت سري ملي - كه مركز عمده آن مكتب حبيبيه بود. اعضاي اين حزب علاوه بر ريفر مهاجرت پيل رژيم مطلق العنان را به رژيم ديكرات ميخواستند.

۳- روشنفكران منفردی كه خارج حلقه دربار و خارج شتند. مكتب حبيبيه از سال (۱۹۰۳) يعني سال تاسيس انستان به كشور سي آمد و فعالتهای سياسي حزب - جمعيت سري ملي در كشور بود در بين اين حزب يك حلقه همان قشر جوانان دلچسپي به مطالعه و درك مسايل و رویدادهاي بين المللي افزايش مييافت. به قول ميرغلام محمد تاج سوس گردید، مطبوعه با لاد حصار بوجود آمد، جريده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسيد، كارخانه توپ تفنگ و باروت سازي تاسيس گردید، ولی با حلات پنهانه - جويانه انگليسيها و فرار امير سلسله اين تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امير -

نهضت افغانی

داشت . با افشای یکر از تصاویر حزب "جمعیت سری ملی" یعنی برای ننگه "مصلح باید بسود" و افتادن لست فعالین جمعیت سری ملی به دست امیر حبيب الله اعضا این سازمان - تصميم گرفتند عرضه ترتیب - نموده به امير تقديم كنند و عرضه را غلام محمد سري ملي از فعالين اين حزب به ناساسي لامل محمد خان غلام بچه جوهر شاه خان غلام بچه محمد عثمان خان سري ملي و محمد ايوب خان سري ملي قرار داد به امير سپردند. اثرات غلبه امير حبيب الله در حصار حاكمان آنانرا اعدام نمود و سري ملي را زندان بايد علاوه نمود كه در روند جاری این وقایع جمعی از روشنفکران و دانشندان کشور از مدرسه شاهی و مكتب حبيبيه كه در واقعيت همان روشنفكران ترقی خواه بودند به دربار پیشنهاد نمودند كه انجمن دانشندان افغانی بوجود آید تا يك جريده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانی - نستان در كابل نشر نمایند. در راه این انجمن مولوي عبدالروف خان كند هاری - متخلص به "خاكي" سردرس مدرسه شاهی و ملاي حضور

بود . اولین شماره سراج الاخبار افغانستان در جنوري ۱۹۰۱ (۳۱) صفحه چاپ سنگی به نشر رسيد، ولی بعد از نشر شماره اول به خاطر مخالفت امير انگليس ها متوقف شد . با كشته شدن مولوي محمد سرور خان وعده ديگر از فعالين حزب جمعيت سري ملي و توقف نشرات سراج الاخبار افغانستان شعله نهضت استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ظاهر گردید . ولی در حال بعد امير بار ديگر به تقاضای عصر و اجبار زمان سر فرو آورد . اجازه - نشر سراج الاخبار را به محمود بيك طرزي داده ، محمود طرزي كه با افكار تازه و مشيوع از استقلال طلبی، مشروطه خواهی و ما درك عالی از روسه های جهانی به وطن برگشته بود سراج الاخبار را به مدرسه رسته تربيت جوانان باروحيه استقلال طلبی و مشروطه خواهي پيدل ساخت . جريده كه از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ به نشرات پرداخت با جرئت تام از هيچ وجه دستنگاه دولت انتقاد نموده از استقلال افغانستان سخن ميگفت . این نشریه كه سري فكري روشنفكران

منجمله شهزاده امان الله - خان بشمار معرفت تعداد مشتركين آن در همان زمان به (۱۴۰۰) نفر بالغ ميشد . نشرات سراج الاخبار، دولت هند بریتانوی و روسيه تزاری را به لرزه آورده انگليس ها در ابتدا تلاش ورزیدند نشرات آنرا قطع كنند، ولی بعد از صلاح كار را در آن دانستند كه نوعی با نشرات آن عادت كنند . اما جنرال كورا پاتكنين حكومار روسيه تزاری در - تركستان تلگرامی به نماینده روسيه تومسكي كه در هند بود فرستاد ، خاطر نشان نمود كه شماره های سراج الاخبار در بخارا و بلاد ديگر تركستان منتشر ميگردد و از مقالات آن احساسات قدر روسيه و بریتانوی در مردم به جو شریکيد، بنا بر آن دولت هند بریتانوی باید بر امير افغانستان فشار آورد تا این جريده خط مشی تبليغي خود را تغيير دهد . استاد عبدالحي حبيبي در كتاب جنبش مشروطيت مينويسد كه صدر الدین عيني به او گفته بود آنها سراج الاخبار را در شرایطی كه این نشریه تحت تعقيب پوليس روسيه بود بدست مي آوردند و مخفيانه مطالعه ميگرددند . سراج الاخبار كه در واقعيت امر بنياد گذار مرحله دوم استقلال طلبی و مشروطه فواهي در افغانستان بود تا تحت اثرات بزرگی در همه حكومتي های روشنفكران منجمله دربار بگذارد . ميرغلام محمد غبار مورخ شهپر کشور در افغانستان در رساله تاريخ مينويسد: به علاوه این جنبش های فكري سري و علنی هسته تحول در نفس دربار نشو و نما ميگردد. اصلاح طلبان از روش امير منجز بودند، و چون خود قدرتش نداشتند باید دوروي از اعضای خاندان شاهی جمع ميشدند. این فرد سردار

نصرا الله بزرگترین فرد خا - نواده شاه نبود، زیرا آنها آنکه مرد خداستعمار و غمزه ها ان استقلال کشور بود . ر اداره دولت دلستگی به نظام قرون وسطاين داشت پس يگانه شخصی كه در دربار خاندان مورد توجه نهبالهای دربار قرار گرفت . عين الدوله امان الله خان بود او ناست نایب السلطنه را بحيث رهس این انجمن سري شامل نقشه کودتا نماید كه امير را در جلال آباد بكشند و جایش نایب السلطنه را بنشانند . دستور اجرای این عمل روانه امير دوازده نفر از اعضای جمعيت سري ملي در قرآن تحریر و امضاء نموده به سردار سپردند، ولی روز مهمن سردار از خانه تنهبر آمد و با كشتن برادر مخالف فكرده نسخه قرآن شريف نزد او ماند . امير حبيب الله كشته شد و امان الله خان به حمايت بالقوه و بالفعل مشروطه خواهان به قدرت رسيد . شاه تاج پادشاه هي را به شرط اعلان استقلال افغانستان بر سر گذاشت و این همان خط اول برنا روشنفكران بود . روشنفكران مشروطه خواه در جهاد كيو رملي عليه انگليس سپس فعال گرفته این افراد با ایمان و صاحب اندیشه در خط مقدم پيكار ضد انگليس مردانه زميندند و بعد از اعلان متار كه در اضا سند استرداد استقلال وطن، كه با خون غايزان و مجاهدین سر به كراه وطن نوشته شد بود ، سهم فعال گرفتند . شاه غازی در ابتدا با روشنفكران صيحاته برخورد نموده ، محبوبين سياسي مشروطه خواهان را از زندان ها آزاد ساخت و يك تعداد آنان را در پستهای مهم - اداره امور کشور گماشت، ولی شاه كه حاضر نبود گام در راه جهت تحقق اهداف برناميه روشنفكران بردارد، به تدبير باعكس العمل های روشنفكران بجهت دفعه (۸۹)

بر فرق کدامین تانک -

کدامین بوته -

و کدامین سنگه تاج میگذاشت؟

و گریبان تنگه کدامین را -

کفشهای کهنه ات را -

هدیه میگرفت؟

خدا میداند؟

شبهای بی ماهستاب

وقتی در سپیدهای کوچک چشمان خود

ستاره میسپردی

و نگاه های پریشانیت -

سینه آسمان را شیار میکرد -

تووز عشق کدامین عزیز

در چهره زده هنت

میوه یاد میبخت؟

خدا میداند؟

وقتی سفید شین - در زبان شیطین

در بگوشهایت را

با رخوت میگرفت

خون در رگهایت -

با چه لپهیی جوش میزد؟

وانگاه -

عاشقانه تکبیر میزدی - جنگه را

تا ممر کمره فتح میکردی -

●●●

آهای سپاهی آزادی!

در کدامین روز بی آفتاب -

شهبان -

از دم مرکب تاریکی -

جان جادو بی میبخت؟

که آهوی روحت -

یکبارها از چشمه سار آتشمن تن

رو کرد -

و دیگر خنجره های مزه گانت

به قیام بر نداشتند -

دیگر -

شبان هانامدی

و مادرت هر گز -

سید پرگل تنها پیش را

روی طاقچه دیدارت نگذاشت -

پوچاره -

دیگر مسافری نداشت

که جام لبریز چشمانش را

در بی او فرو بهاشد -

- ۳ -

آهای سپاهی کاکلسی!

ده شب مسافری -

از دیار پریشانی آمد -

با یک مشت نشانی

از گیسوان خونین است -

گفتم:

آه همد پسته خداست -

این ریشه های جنسی -

زود است - زود است

کز این ریشه های جنسی

در دشت یاد های دهکده -

جنگلی بکارم -

که اگر روزی -

میوه وحشی آن را -

زاغها بخورند - کیوتر کردند -

مسافر نهایی -

گفتش باش -

باش تا باری دامن رنگمده ات را

به دیده بمالم -

آخر چهار دشتی دارد -

و - دود گویی

و عطر خوشی -

مسافر پیهم لب میزند -

مسافر - هیچ نیگفت -

باری آبله عقده

در گلپوش ترکمید

و فقط اینقدر رگت:

((رضای خداست))

مسافر برگشت -

به جانب ناپیدا -

به سوی سرگردانی -

آی مرد خدا!

مسافر بوی ترا داشت -

کاکلس -

کاکل مست ترا میبند

کفشهایش - پینه پینه بود و کامهایش

کامهای بی شکست ترا میبند -

●●●

هان - عزیز من!

وقتی عزیز همگسرت

گلناره های نهمسخته بیکرت را -

تکسه تکه به دا من میچسبد -

باد ها آنگاه دریافتند -

که بهد خونین بهشتی -

چه عطری دارد!

●●●

های دیوانه آ زادی!

من نیز آبله پاییستم

در سحاری دیوانه گان

من به ز بارت لاله ها میروم -

تا معنی سنارت سخن کامیابیت را

لصکم

و خنک عقل مسخره نرود -

من خویشتن را -

با کل خواهم شوخاند -

با گیاه خواهم روپاند -

با برکه خواهم آویخت -

جاری خواهم شد -

همخط رود خانه

و خواب خواهم رفت -

همسر کوره -

تا یافت کم

لالایی را

که در شبهای بی مادر

با آن میخفتی -

و هایبوی را

کز کوتاهترین خواب زمان

بیدارت میساخت -

●●●

آ زاده مرد اسنوره قامت!

مردا نه گیت را!

در قلمرو تعریف

گنجایشی نیست -

کسوه -

نامت را پس میدهد -

دشت -

شهادت را تنگی میکند

و رود خانه -

راهی شدنت را -

چه آرام است و چه کم امتداد!

و من -

جوانم ترا -

چه قد زکودکم!

●●●

عزیز ملت من - سپاهی آزادی!

سوادت -

در سه واژه تمام بود:

خدا - مادر - آ زادی

و از نام خویش -

هیچ حرفی به یادت نبود -

با نهنوشتی!

اگر هنگام تو بودم

از افتخای تو -

شعر بلند روزگار را -

به ودیعه میگرفتم -

خبر باشد -

نامت با زمین -

نامت با ستاره -

نامت با خدا -

گره خورد - است -

●●●

های غریب زاده

مرد رفته در بی گنای نامی!

نامت - نورواژه بیست -

در قاموس بی ردیف شبگرد های خرابان -

که تجلی حروفش،

جاد و کران مشرق و مغرب را -

کور میبکشد -

باکی نیست

اگر خلیفه های نا خلف -

مفتیان بی طهارت را -

به سود خویش خریدند -

و سپاهد اران ساسانیان

پیمان یاری - پیمان خونت را

با فرا بن بی مهر

بپردند -

همین بیست -

که فرزانه گان زمین -

دیدند:

تو بر سجاده سخن مشرق

عاشقانه ترین نیاز را -

نماز آزادی را -

به آذان برخاستی - به تکبیر ایستادی و ادایش کردی -

عزیز شعر من عزیز زندگی من!

من -

شهادت را

با کدامین قصیده خونین

به آمین بر خیزم?

■

تصویرهای از



ملا عبدالله مشعوره ملای لنگه که تمام سمت جنویسی را در سال ۱۹۲۳ در زمان زمام داری امان الله خان رهبری میکرد.



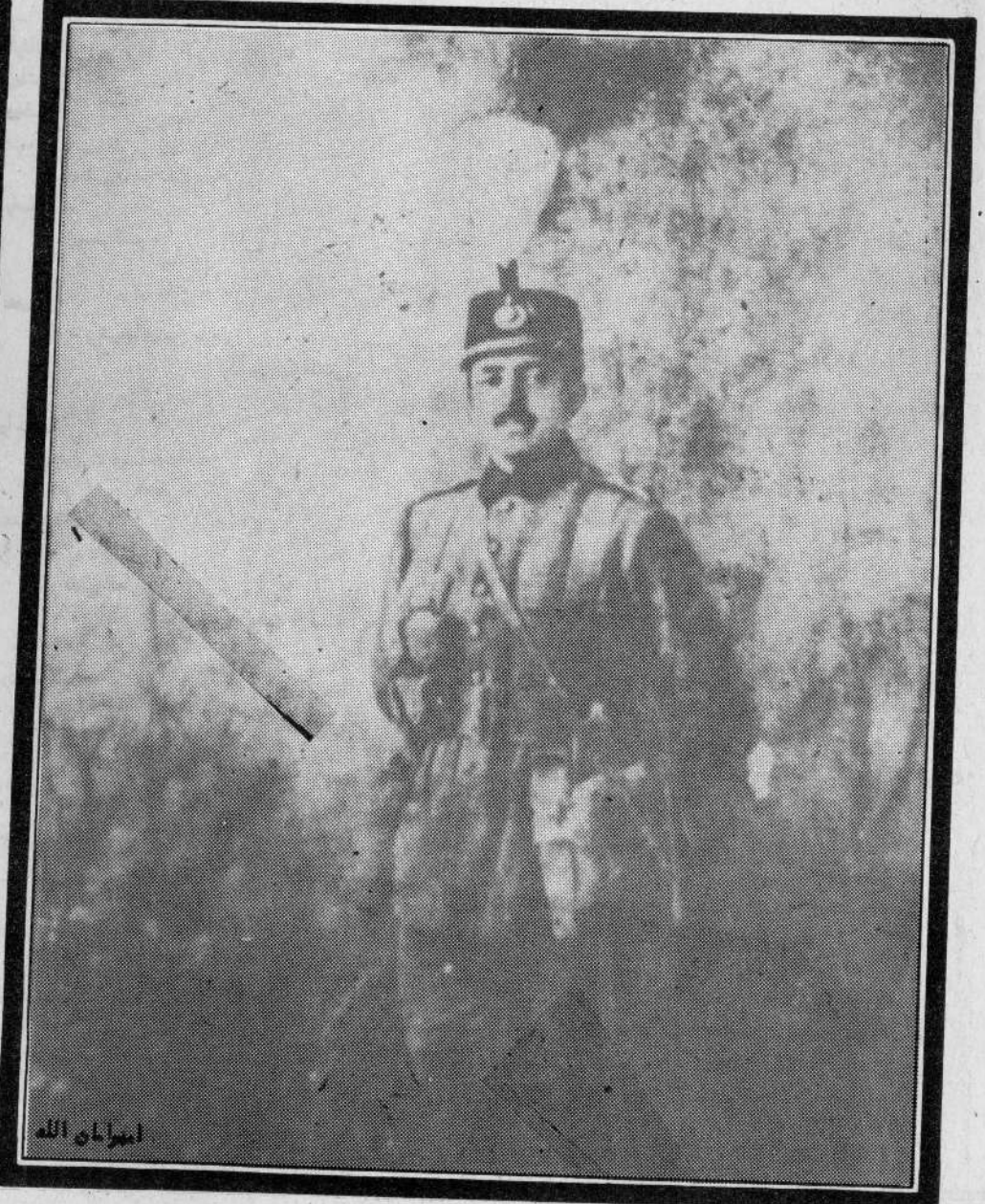
— امیرامان الله
حین وداع با سپاهان گارد شاهی در انتهای ترک
وطن.



— یکتن ازجا سوسان انگلیسی بهنام لا رنس که در تحویل
یک و ایجاد دسایس علیه نهضت امانی سهم فعال
داشت.



— طلاب و نهضات رهبری مکتب جوییه در زمان
امیرامان الله



امیرامان الله

کله جهان درنگه

و کالینین که به عمارت پارلمان روسیه یا قصر سپید روسیه می انجامد از تانک‌ها، ماشین‌های محاربه‌ای و موتورهای نفر بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اختلال شده بود. مابقی بیرون هتل رتیم. تانک‌ها پارلمان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراً اسب کودتاچیان بد و نامنسی به پیش می‌تاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پارلمان روسیه از عمارت لطفاً صفحه برگردانید

و ترجمان راه اقامتگاه را در هتل از کرایین که در یکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتیم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌های رنگ پریده مردم از شوک خبر میداد که هنوز پایان نواخته بود. مغازه‌ها باز بود و از تانک‌ها اثری دیده نمی‌شد. با جابجایی در هتل غرض تانک‌ها در جاده‌ها آرامش و بی تفاوتی مردم را. اختلال کود. حوالی ساعت ۳:۱۱ دیگر دوجاده بزرگ کوتسوز ف.

وانها برای آن که قدرت را نگه دارند به کودتا متوسل شدند. بسیاری از مقررات در دهلوز هلهبه دود کردن سگرتاقت نمودند. مثل هر حادثه، بسد مردمان نا آشنا از یکدیگر سوال نموده و با ابراز نظری می‌کردند. در دوطرف خط ریل عابری ساده نیز مشغول گشت و گذار بودند. مثلیکه آنها هنوز از حادثه اطلاعی نداشتند. ترن حامل مسافر ساعت ده و نیم صبح به ایستگاه ماسکورسید. ما همرا باهمانند ار

کمیته فوق العاده قدرت را دست گرفت. گریاچف به خاطر دلایل صحت بر کارشده، یا نایف معاون اول رئیس جمهور رهبری کشور را به عهده گرفته بود. یگونسه مارینا سور کف ترجمان ما در حالی که صدایش می‌لرزید و خشم از چشمانش فوران می‌کرد، در کوبه ترن از حادثه اطلاع داد. او سخنانش را با این جمله ختم کرد که: خونتا (محافظة کاران وحشی می‌خواهند دموکراسی را بکنند). ساعت ۱۰:۲۵ صبح بود. ترن تا یک ساعت دیگر باید به ماسکو می‌رسید. مسافری ۱۲ ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودند. راه‌پوی سراسری شوروی در اتساق های ترن خطاب کمیته فوق العاده را بختر می‌کرد. فکر میشد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۱۱ بلکه سال‌های ۶۰ هجری است که رهبران شوروی زیر نام شمارهای مانند "زند" باد کونیزم زند باد مردم" بمساط یک دیکتاتوری جدید را بر پا می‌دارند.

در دهلوز واگون ترن مردم با سه‌های تکیه و مضطرب با یکدیگر صحبت می‌نمودند. یک خانم گریه میکرد و می‌خندید به من نگاه نموده و گفت: "فردا باید قرارداد اتحاد در میان جمهوری های شوروی امضا می‌شد، در آنصورت محافظه کاران و کونیست ها قدرت را از دست می‌دادند"

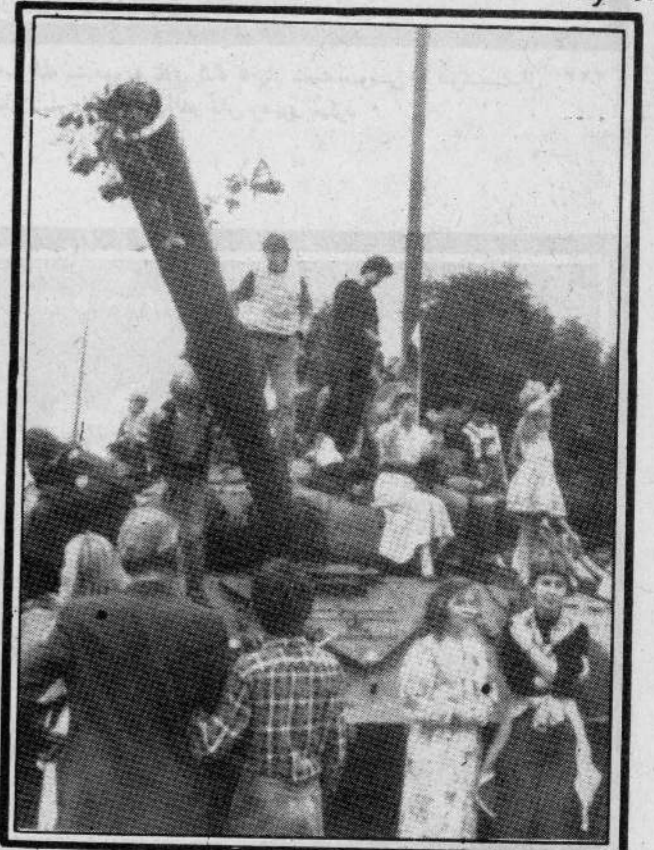


پلتن جسونانه رهبری مقاومت در برابر یوچوست ها راه عمده گرفت.

بیرنده اصلی مبارزه برای دموکراسی ملیت است

نوشته دوکتور خف هر طین

همزمان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بران (۱۹ تا ۲۵ اگست - ۱۹۹۱) بدیر مسوون مجله سیارون همراه با یک عده ژورنالستان افغانی، در ماسکو اقامت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزارشی و تحلیل جریبان کودتا و انقلاب ۲۲ اگست را که به پیروزی دموکراسی شوروی انجامید، نام به نام از راه اخبار گفته به نشر سپرد. از آن جا که مجله سیارون خواننده کان و یژه خود را دارد و نیز به خاطر آن که این مطلب جالب و مهم به وسعت و فراخنای بیشتر بدسترس خواننده کان و علاقه مندان فرار گرفته باشد، این متن گزارشهای مذکور را بدون هیچ تزئید و تصرفی به نشر میسپارد.



توانست های کودتاچی ها در جاده های ماسکو

۷۲ ساعتی که جهان را تکوان داد

پارلمان پایین آمده و راه صحبت با تانکیست ها را در پیش گرفتند. هنگام صحبت گروهها چند صد نفری مردم به دور آنها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشد و بدینگونه مقاومت در برابر کودتا آغاز شد.

«قصر سپید روسیه» یا عمارت پارلمان جمهوری روسیه بنه مرکز ایستاده گن در برابر کودتا چنان کمونیت مبدل شد. بنا افزایش جمعیت مردم تانک ها را مجبور شدند از نزدیکی پارلمان دور تر بروند. مردم عادی که مزه آزادی را بعد از هفتاد سال ترهتاریانیزم و استبداد یک حزبی چشیده بودند، خود به کار سنگر بندی ها در اطراف «قصر سپید» آغاز نمودند.

علی الرغم دستور کودتاچیان در مورد منع تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان در کف نه تنها در برابر پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عمده ماسکو گرد همایی های چند هزار نفری را آغاز نمودند.

این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتنگ ها مبدل شد.

کودتاچیان اعلامیه هایی را که متن کامل آن ها (المجب) در روزنامه «پیام ما بطور کامل نشده شده از اردیو و تلویزیون پخش میشوند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداشت. جامعه در بحران است، دسهلین وجود ندارد، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی تعمیق یافته از اتوریته شوروی در خارج کاسته شده، بی قانونی و جنایات افزا-

پیش میباید و چیزی های دیگری از این قبیل که همه جامعه شوروی پر از کودتاچیان آن را درک می نمودند. اما باید تفاوت که کودتاچیان بحران شوروی را -

خالی در برابر مردم ایستاد و سی هراس خراب به آنها سخن گفت و از آنها طلب ایستاده گسی و مقاومت نمود.

راد پوی روسیه به محل تبارز اراده

دستاویز غصب غیر قانونی قدرت برای خود قرار دادند. همان - راهی را در پیش گرفتند که اسلاف شان اقایان پولیتس بهر هائی گذر شده در مورد رهبران قبلی کشور در پیش گرفته بودند. بی خبر از اینکه دیگر جامعه شو روی دیگر گون شده و نیروهای بی بدید آمده اند که آماده اند در راه آزادی تا پایان بجنگند.

در نخستین ساعات کودتا بوریس یلتسن جسورانه رهبری مقاومت روسیه را در دست گرفت. او تمام موسسات روسیه را به اعتصاب فرا خواند، او مردم را به برپایی تظاهرات دعوت نمود. او با دست

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترهتنگفتند. جوانان شب پرور از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی

جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها را در پیش گرفتند. کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیز - یکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرادوفسک رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس ارادگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسد که نظامیان نیز در نحو

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترهتنگفتند. جوانان شب پرور از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی

مردم کما اینکه فاقد رهبری بودند و در عقب یلتسن و همکارانش قرار گرفته بودند، مبدل شد. آنها از تظاهرات میان خواستند تا علیه مردم خود از اسلحه استفاده نکنند. در نتیجه همین مبارزه بود که یک واحد بزرگ تانک به یلتسن پیوست قوای هوایی از پشتیبانی کودتاچیان امتناع کرد و راد پوی روسیه هم مداوما از پیوستن واحدهای مسلح به مقاومت وهم از موضعگیری آزاد بخوانان در لنینگراد و سایر شهرها خبر می داد.

هر سه شب و روز کودتا مقاومت کننده گان جاده ها و خاصا



جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی. ان. ان از کنار رفتن کرپچکوف و یازوف نیز خبر می داد.

از سوی دیگر علوی که یک ژورنالیست شوروی اظهار نمود کوشاچیان خود را مشکت را انتخاب نمودند. آنها پلان توطئه را مانند سال ۱۹۶۴ که خروشچف برنار شد طرحی می نمودند. بدینگونه که در بین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که «شف» را به دلیل اینکه به «سمت» مطلوب نمی راند بر طرف کرد. آنها حتی این زحمت را متقبل نشدند که فورول جدید برکناری بسازند و با همان فورول کهنه و اشنای «معادیر سخن» عمل کردند و با بره اندازی بازی «شگرف» و «کین گرخ» خواستند مردم را - بشناسند. آنها طوری محاسبه نموده بودند که با این حرکات می توانند درست مانند سال ۱۹۶۴ همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما آنها نمی فهمیدند و از تاریخ نیا موخته بودند که سال ۱۹۹۱ - سال ۱۹۶۴ نیست. آنها تصور کردند که در زنده گی جدید بازم می توانند به همان اشکال کهنه قدرت دموکراسی حزبی دولتی عمل کنند. آنها خواستند همه مسائل را خودشان حل کنند، نهرا به این امر عادت نمودند بودند. آنها عادت نموده بودند که فکر کنند نظر شخصی آنها نظر همه ملت است، که دموکراسی صرف یک کلمه جان نمی آید، که دموکراتها ارزشی ندارد. توطئه گران تصور نمودند که آنها

تنگه دار حاکمیت هستند و قدرت برایشان از بالا ها بخشیده شده است.

رهبران کودتا که به گفته «متفکر عمده» یازسای و دوست ما بسبق کرپچف الکساندر ساکولفیف حتی سوسالتم ربه معنای دادن چند گرام مسکه و چند توت کلباسه و چند پارچه نان خشک به مردم درک می کردند، در نخستین برآمد مطبوعات خورش در برابر مردم هیچ چیزی جز نفرت و دشمنی طمونتها انسان را به دست نیاروند. بانایف این بازچه «دست ایاارات حزبی و نه امان توطئه گر در حالی که دستانش می لرزد و هر لحظه به ا غرائبان خودنگاه می کرد نتوانست کترین شطقی برای امتناع مردم در مورد عملی که انجام شده ارائه کند. یک ژورنالیست خارجی با یک سوال بسیار بر معنا از او پرسید که شما وقتی کودتا می کردید، آیا یا - بیخوبیت مشوره نموده بودید؟

کودتاچیان بر علاوه، تفسیرات درجهان معاصر و نشان را که غرب پس از بهالهای بازسازی و اصلاحات در زمین گرایشهای حیات سیاسی، اجتماع شوروی کسب نموده است مورد ارزیابی قرار دادند. امیکا و غرب در کنار مقاومت و نیرو های طرندار دموکراسی قرار گرفت. رهبر - ان کشور های غربی بابر قراری - لن داغ یا بورس یلتسن مستقیم در مقاومت علیه کودتاچیان اشتراک نمودند. بدینگونه یلتسن به مکانه مقام قابل اتکا چه در میان ملیون آزادخواه شوروی - بلکه همچنان نزد رهبران غرب مبدل شد. در تجربه رویداد های اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی نشان دادند که آنها دیورد استقرار نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی درجهان پایدار ایستاده اند. کودتاچیان محاسبه - درستی رادر مورد موفق میخائیل



مقاومت مردم در برابر کودتاچیان در برابر پارلمان روسیه

کرپچف نیز انجام دادند. آنها فکر می نمودند که کرپچف را می توانند وادار به تسلیم کنند. اما او تسلیم نشده، او طوری که خودش در صحنه مطبوعات پس از برگشت به کپلین در روز پنجم ۳۱ اسد امشا کرد از امسا هر گونه سندی در باره اشعاع و با تحویل قدرت به معاو - تشریح می توانست که نتایج را در مومعت ناها را نمانی قرار دهد. ایا ورنه.

تمام این عوامل کرپ هشتگانه رادرمومعت دشوار قرار داد. حتی حزب کمونیست که رهبری آن بدون اعلامیه رسمی و خاموشانه در عقب کودتاچیان قرار داشت، حرکت نه نمود بر امثال کودتا مبر تا مبدل بگذارد. روزنامه «پراودا» و «شیخ روزنامه دیگری که زیر تسلط کور نیست» قرار داشتند که تمام اسناد و مصوبات توطئه گران را چاپ نموده اند. این تزلزل به ستایش کودتاگشود نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان تاریخ و زنده گی عمل نمود مو قانوس - نعتی را که خود به ان رای داده - بودند. نهری می گذاشتند. از همین جهت هم طی سه روز کودتا ما با - کس بیخوردیم که بتواند از کودتا دفاع کند. در حالیکه جوانان مردم عادی اشک می ریختند و تمام اسد شان را به یلتسن بک بودند. تمعجب اوراست که در جریان یک صحبت ما با معاون روزنامه «پراودا» اتای گارچف در روز مس کودتا که هنوز کمیته فوق العاده عمل می کرد، می توانست موضع حزب کمونیست را روشن سازد. هاز بقیه در صفحه (۱۶)

شود که در سال ۱۹۹۱ چهار سده و هفتاد و پنج قصبه آدم - کسی درین جا رخ می دهد . کمیته قضایی سنای امریکا حوادث آدم کشی را در ایالات متحده امریکا در سال گذشته عیسوی (۲۳۲۲۰) حادثه می بیند یعنی کرده بود ، در حالیکه حوادث قتل در سال گذشته در آنتشور به (۲۳۴۴۰) می رسد .

میتلایله سلطان در کانادا

ملیر گزار به سازمان جنومنی کانادا که به تاریخ ۲۵ جولای به نشر رسیده از رسم نفر کانادایی ، یک نفر در نئون حیات خود به سرطان مبتلا خواهد شد . سازمان موسوم به " ستانیتدن کانادا مکلوید " در جریان سال ۱۹۹۱

پند و نه هزار واقعه جدید سرطان در کانادا ثبت و تشخیص خواهد شد . تعداد وقایع جدید سرطانی از (۲۰۰۰) به (۳۰۰۰) در هر سال افزایش خواهد یافت . به غیر صورت خیر خیری هم نشر شده و آن اینکه مرگ های ناشی از سرطان دوره طفولیت نسبت به اوایل دهه هفتاد به نصف کاهش یافته است .

بجامعه اروپایی مبارزه با فوراوانی

برای جلوگیری از تولید محصولات اضافی در پختن های جامعه اروپایی تدابیری اضطراری روی دست گرفته شده است .

قرار اطلاع آژانس نوومستی سال گذشته بهست پنچ میلیون تن گندم محصولات جامعه اروپایی به فروش نرسیده و در گدام ها ذخیره مانده است . به همین می شود که در سال جاری ۱۸۰ میلیون تن گندم جمع آوری شود . در حالیکه مصارف جامعه اروپایی ۱۴۰ میلیون تن است . تصمیم اتخاذ شده تا قسمت خرید گندم در حدود یک

سه حصه کاهش یابد که جبران خساره فارم داران نیز در آن در نظر گرفته شده است . اما جامعه اروپایی هوشدار داده که در کشت گندم کاهش بعمل آید .

گفرانس با کفرانس

در اکتوبر سال ۱۹۹۱ در شهر پراگ نخستین کفرانس بین المللی درباره جنایات کوننهم دایر مگردد . در این کفرانس نماینده کان کشور رمای اروپایی و امریکایی و آسهای اشترک خواهند ورزید .

تفاوت بزرگ میان زنان مرد و بچه دوز

در نهور پارک نتایج تحقیقات در مورد زنان جهان تحسنت عنوان " زنان جهان بگرایش واحصائیه سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ " به چاپ رسیده است . این نخستین تلاش کارشناسان ملل متحد در زمینه ارزیابی وضع و حقوق زنان در ۱۷۸ کشور جهان است . پسران این تحقیقات زنان در برابر کار مساوی با مردان طور اوسط (۳۰-۴۰) فیصد کمتر مزد بدست می آورند .

تعداد زنان بی سواد از ۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۵۶۷ میلیون در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است . طول عمر زنان در حال حاضر صر به مقایسه مردان طور اوسط در کشور های رشد یافته ۶۵ سال و در امریکا ۷۵ سال است . طبق اطلاع آژانس نوومستی که این گزارش را منتشر کرده تعداد زنان جهان به مقایسه مردان کمتر است .

آب عراقی عربی را نخواهد دید

سریلانکا از جمله کشور هایست که در جنگه خلوج فارس خسارات زیادی را متقبل گردیده است . عودت کارگران متخسمن این کشور به وطن که تا قبل از آغاز جنگه خلوج در کویت کار می کردند ، برابلی های زاد رجعت کارهای آنها برای سریلانکا پدید آورده و این کشور منابع اسماری خود را از دست داده است . غرامت کشور سریلانکا را با عی عراق مطابق قطعنامه سازمان ملل متحد بپردازد اما تا هنوز معلوم نیست که عراق برای این کار آماده است یا نه و اگر برای پرداخت این غرامت حاضر هم گردد تا همین عقیده دارند که پرداخت آن نظریه مشدلات جدی اقتصادی این کشور سالها بطول خواهد شد انجامد . قبل از آغاز جنگه خلوج فارس یکصد هزار سرملانی در کویت مصروف کار بودند که ۷۴ هزار نفر آن به سریلانکا برگشته اند .

از زمین زلزله خیز

تعمیر و ترمیم در زلزله خیز

انسان در عینیت

نقطه پایکال

جهل پایکال از عمیق تر -
 این جهل های جهان است
 که عمق اعظمی آن ۱۶۳۷ متر
 است .
 در این تازه گی ها و لا -
 در پیر قبالکوف دانشمند
 استیوت جهل شناسی اکا -
 دی علم شوروی مؤلف شد
 به عمیقترین نقطه جهل با -
 یکال پارسین رفته یکاردی را
 در زمینه قائم کند . تا حال هیچ
 کس نتوانسته بود به عمیق
 جهل پایکال راه یابد .
 به اسرارش آزانسی
 نووستی موصوف باد و نفرد یکر
 به کمک یک دستگاه به عمیق -
 ترین نقطه جهل پایکال
 فرود آمده و چهار ساعت رادر
 آنجا سوری کرده به کمک پروژ -
 کتور از کف جهل فلمبرداری
 نموده و آب و خاک جهل را -
 برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال
 داده اند .

روز رهایی کویت

در کویت اعلان شده که
 ۲۶ فبروری روز رهایی کویت
 از وجود سربازان عراقی روز
 رختی در آن کشور خواهد بود .
 این تصمیم را کمیسیون
 تقنین شورای ملی این
 کشور اتخاذ نموده است . قبلا
 پیشنهاد شده بود که روز دوم
 اگست روز آغاز تجا و زعراقی بر -
 کویت روز رختی اعلان گردد
 اما کمیسیون تقنین کویت این
 پیشنهاد را به اتفاق آرا رد
 کرد .

تشریح از سال پیشین شادی

در ننگولیا نیز هر سال مانند
 سایر کشور ها به اسم حیوانات
 مضامین شود . آنها سال
 ۱۹۹۲ را سال شادی
 (مومن) دانسته و هوشدار
 داده اند که باید مالداران
 برای زمستان ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲
 آماده گی بگیرند زیرا شرایط
 اقلیمی نامساعد فرا خواهد
 رسید و امکان تلف شدن حیو -
 انات موجود است .

۱۴ تن مواد فضله به کشورهای جهان

آخر راه سموزیم پس -
 الملی ایگولوزیکی در استیا -
 نیول دایر گردیده بود درین
 سموزیم دکتر کرایتوان کوری
 طی سخنرانی گفت :
 " در پنج سال اخیر
 حدود ۱۶۰ میلیون تن
 مواد فضله در همه شرکت
 صنعتی کشورها بر شد یافته
 به کشورهای " جهان سوم "
 انتقال یافته است .
 همزمان با این اعلان
 در ترکیه جمع آوری ماضها
 به منظور جلوگیری از آبین
 عمل آغاز یافته و در اسناد
 پیشنهادی این
 کشور تصریح شده است -
 از حفظ محیط زیست کنترل
 صورت گرفته تعذیرات علوسه
 متخلفین شدت یابد .
 قرارگزارش از انیس
 اطلاعاتی نووستی شاروال
 شهر استانبول که پیشتر
 از سایر شهرها از آلوده گی
 محیط زیست متضرر شده موضوع
 بررسی مجددا قانون حفظ
 محیط زیست را در ترکیه -
 مطرح ساخت .

دستگیری یک آدمخوار

یک مرد امریکایی که ۵ نفر
 را کشته و گوشت بدن آنها را
 خورده بود دستگیر شد و به
 جرم خود اعتراف کرد .
 تلویزیون سی . ان . ان -
 در بخش خبری خود اعلام کرد :
 - در شهر میلواکی واقع در -
 ایالت ویسکانسین مرد ۲۱ ساله -
 ای به نام جفری دامر به اتهام
 قتل حد اقل ۱۵ نفر و طعمه
 قطعه کردن بدن آنها و اد -
 مخواری دستگیر کرده اند
 سی . ان . ان در گزارش خود
 افزود :
 - اعضای پولیس میلواکی به هنگام
 جستجوی اپارتمان این مرد ۳۵
 سر انسان رادر داخل مخچال
 ۱۱ جعبه و اجزاء قطعه صمه
 شده چند بدن و مقدار مابیل
 ملاحظه می اشخوآن را کشف
 کرده اند .
 همایگان دامر گفتند که بوی
 تعفن گوشت کندی در دروسال
 اخیر در فضای اطراف اپارتمان
 وی به مشام می رسید و صدای
 کاراره بوقی از اپارتمان وی به
 گوش می رسید .
 دا کتر قانونی میلواکی ایسن
 کشتار را بزرگترین و فجیعترین
 مورد آدم کشی در تاریخ ایالت
 ویسکانسین اعلام کرد .
 شبکه راد یو سی . بی ۱۰ می
 با پخش گزارش مشابهی در این
 رابطه گزارش داد :
 - احتما می رود که این مرد
 که قبلا نیز مدتی را بخاطر تجاوز
 جنسی به جوانان زیر ۱۸ سال -
 در زندان بسر برده باشد و ی
 در ظرف دو سال گذشته بعضی
 از ۱۸ نفر را به قتل رسانده
 باشد .

قطعه قطعه کردن

« ۱۰۰۰ » انسان

اعضای حرکت شورشی رنامو
 موجب قتل حداقل ۱۰۰۰ نفر
 در مرکز ناحیه لائو در ایالت
 شمالی لامپولا شدند .
 راد یو موزامبوق به نقل
 از شاهدان عینی گزارش داد
 که اکثر این قربانیان را کود -
 کان تشکیل می دهند .
 به گزارش خبرگزاری المان
 از ماپولو ه این راد یو افزود :
 عوامل " رنامو " قتلش از
 پایتخت لائو راد یو راجوری
 اشغال کردند .
 - این راد یو همچون گت :
 امرادی که توانسته اند
 از این منطقه بگریزند و وارز -
 منطقه ریائو در همایگر
 خود شوند گفتند که قربانیان
 قطعه قطعه شده و در قفس
 های فریشتگاها کد کرده شدند .

قربانی بی پای بیت

یک زن و شوهر هندی که
 کودک خود را دریای بت بزرگ
 قربانی کردند دستگیر شدند .
 این زوج روستایی که چند
 سال از داشتن فرزند محروم
 بودند در دوسال پیش با حب
 پسری شدند .
 " پورا انکول " و همسرش
 " سومترا " نذر کردند که دو -
 مین کودک خود را حقیق آیین
 بت پرستی دریای بت بزرگ
 قربانی کنند . دومین کودک
 آنها دختر بود که به هنگام قر -
 بانی شدن در واه و پانزده
 روز عمر داشت به گزارش خبر -
 گزاری جمهوری اسلامی ایران این
 نوزاد دختر در دریای بت بزرگ
 ماهاسویاد روستای ساتوا -
 دای قربانی شد . پولیس
 این زوج روستایی را به دلیل
 قربانی کردن فرزندشان
 دستگیر کرد .

تشیخ از زمین از زمین & از زمان

را خبر و کلیسا شده و در میان فیر کرد.
درین خاد هم سر جرات
نبرد است و اما درین غروب
در اثر حمله قبلی به تعقیب
این خاد هم در زمان نلوسا
جان سپرد.
این دختر بیست و پنج ساله
از نلوسا نواز شده و دو مری
دیگر را هم از آینه تفنگچه را
جانب خود پرتاب کرده و بیست
مری را به سر خالی کند به
جا فیر کرد.

سلاویها

تاریخ نام چینی به این
نمیراستند که آتشیوز دریا-
های نفت کویت و فعال شدن
مجدد نوه آتشیوز در فلپین
باعث سرازیر شدن سیلابهای
چندماه اخیر در چین شده
است.

محققین در آکادمی علوم -
چین گفته اند نه اسرعی -
ضخم که از چاه های مشتعل
نفت از زمان جنگ خلیج به این
سو متصاعد گردیده باعث کا -
سیر نفوذ اشعه خورشیدی
به زمین گردیده و درجه حرار
رت سطح زمین را کمتر ساخته
است و این زمستان ذروی -
را ایجاد نموده است.

عده به پسران آتشیوزان
کوه پینا تو بو از فلپین ابرهای
سرخ خاکستر را به فضا متصاعد
ساخته و درجه حرارت را درین
منطقه پایین آورد است.
سرازیر شدن سیلابهای -
اخیر که شدیدترین سیلابها
در قرن جاری در چین خوانده
شده باعث هلاکت دو هزار نفر
گردیده است.

این زن امریکایی که تاریخ
۱ اگست گفتند که پانزده
بکلی قبل از آنکه سیله تفنگچه
را به سوی خود چرخانده به
خودکشی دست زند در مراسم
غروب در یک کلیسا به سوی
غروب و داماد چند بار تیر
نمود.
این زن امریکایی که آن -
کوران و نام داشت جفت مشروس
و داماد را از دوره مکتب سی
شناخت و گفته می شود که با -
همی داماد بود.

زمانیکه جوی فلنسنگسا
داماد و پناهی تو عروس در
پت کلیسا در شهر نیویورک
ایالت نیویورک سوگسند
و فاداری را به جا می آورد
دند و کوران و تفنگچه را از -
دستگول خود کشیده داخل

درست بعد از کشتن پسرش
او خواستار پرداخت پول بجه
زندگی او شده ادعا کرد که
پسرش تصادفی در آب غرق
شده است.

السن فشان

اداره ملی بحر شناسی و
اتوسفر شناسی امریکا
به این نظرات که فعالیت
کوه آتشیوز نشان پینا تو بود
فلپین که اخیرا بعد از کشتن
صد سال خاموشی دوباره
فعال گردیده میتواند تشریح
اوزون را بر فراز نیم کره شمالی
در سال آینده شنیده شده
زند.

کاهش سطح اوزون ماده
که زمین را از اشعه ماوراء
بنفش آفتاب محافظت میکند -
از سفر دیوا اکساید ناشی
میشود که در مواد آن آتشیوز
نشان به مقدار زیاد وجود
دارد.

کاهش سطح اوزون ماده
که زمین را از اشعه ماوراء
بنفش آفتاب محافظت میکند -
از سفر دیوا اکساید ناشی
میشود که در مواد آن آتشیوز
نشان به مقدار زیاد وجود
دارد.

بنگاله طیش

در طوفان تشاروید

سیف الرحمن ونهراله
بنگلکه دیش گفته است
که بنگلکه دیش در طوفان
تباه کن ماه اپریل یک اعشاره
هفت مهارد در خسار دید
این رقم رانبری مشترک ضر -
بتی بنگلکه دیش و مل متحد
تخمین کرده اند.
همچنان طوفان مذکور
باعث هلاکت (۱۳۱۰۰۰) -
نفر گردید. سیف الرحمن
گفته است کشورش ۲۱ میلیون
دارالر از رکوتاه مدت و ۳۶۱ -
میلیون دارل دیگر را در یک
دوره متوسط طولانی ضرورت
ارد.

مردیکه در قبه تمام بوکنها
پسر پنجاه ساله خود را کشت
تا بتواند سه هزار تومان
دارل به زنی که وی را بدست
آورد از طرف محکمه بیست
مرگ محکوم شد.
دانیل بوها مردیکه
در شرکت بیمه کار میکرد متعس
است که پسر خود را تا سرحد
مرگ کت و کوب کرده و بعد از
جسد وی را در آب انداخت

دین اسلام در آذربایجان

است یا سالتود پرتاب هم اتمی
در شهر نیویورک در لندن نشر
گردید و میلیونها نفر در قرن
های آینده در نتیجه آزمایشات
ذروی که در سراسر جهان
اجرا میشود و جانهای شان
را از دست خواهند داد.

این گزاره که تحت عنوان
"رادیاوتیف و زمین" به نشر
رسید بخش از کارگزاران
های طبی علوم سلاح شای
ذروی است که توسط سازمان
دو کشوران بین المللی برای -
جلب گیری از جهت ذروی پسراره
انداخته شده است.

این گزاره تا نوسررات
آزمایشات ذروی در قضا و در زیر
زمین را که توسط انگلستان
چین و اتحاد شوروی و ایالات
متحده امریکا از سال -
(۱۹۴۵) به اینسو صورت
گرفته مورد ارزیابی قرار داده
است.

در این گزاره گفته شده
که تا نهر این آزمایشات به
طور پنهانی معادل به پهل
هزار هم است که در شهر و شهرها
پرتاب گردیده بود.

گزاره میگوید که تا نهرات
بقایای ذروی این آزمایشات
تا سال (۲۰۰۰) باعث آن -
میشود که (۴۳۰۰۰۰) نفر
از اثر سرطان بمیرند. این
سازمان که مقرآن در لندن است
مشکل از دو کشوران طب هفت
پت دانات و کارشناسان ذروی
از سراسر جهان می باشد.

تشریح قربانی

تشریح قربانی
طبق گزاره که بتاریخ شر

شایع ۱۲ اکتبر شرکت -
 کند آن کفرانس برین مسموم
 ده تانون (۱ آزادی عقاید
 و سازمانهای مذهبی) اظهار
 داشتند که آنها با مواد مسموم
 ده این تانون موافق نیستند
 به عقیده آنها در تانسون
 مذکور اسلام باید به مشابه
 دین رسمی جمعیت تسهیل
 گردد در ضمن صورت اداری
 روحانیون دارای تفازسی
 تواند حزب سیاسی شود را
 تا "سیر نماید" شرکت کنند
 کان کفرانس همچنان استوار
 می دیزند تا آموزش دینی در
 کتاب صورت گیرد
 به عقیده "سازماندهای معاد
 ون کادوسی علیر ادرایمان
 در صورت نظام شدن دین
 اسلام به حیت دین رسمی، آذ
 ربايمان باید نام جمهوری
 اسلام میس گردد و جنین
 قسم ضربه اخلاقی
 باز نامگز میگردد" موصوف
 به کوه "کفرانس سالسون
 جلسه را ترک کرد

شرکت کاپیتان

چگونگی مرگ سالیس

پولیس در جمهوری کور
 جرستان زمانی تکان خورد
 که تلفون متعلق به جوزف
 ستالین دزدی شد
 این تلفون در موزم
 ستالین در شهر کوری کورستان
 که دیگتانوز شوری در آنجا
 تولد یافته به ناپیش گذاشته
 شده بود. این دزد تصادف
 می توفیق گردید و آن خوری
 بود که یک پولیس کور هنگام
 شب یک تن از باجهن را که
 یک شیطه را نقل میداد
 شوق ساخته و شیطه او را
 تلاشی کرد این دزد چاره
 جز اشراف به خوش نداشت
 دزد مذکور در قرارگاه پولیس
 گفت که او تصمیم داشت
 تلفون ستالین را در منزلش
 نصب نماید، زیرا تلفونهای
 صری قابل اعتماد نیستند
 این تلفون که ستالین

در جهان جنگ در جهانی
 از آن استفاده میکرد و
 به موزم مسترد گردید

دزدی یک میلیون دلار

دزدان یکصد و پنجاه
 نفره را که از مران ترنداسی
 گذشت و قیمت آن در مارکت
 های بین المللی انشای انشیک
 به میلیونها دلار میرسد از موزم
 ملی بنگه دیش دزدی کردند
 مامورین داکه گفتند که دزدان
 مذکور با قطع میله های آهنین
 وارد گالری موزم که در طبقه
 دوم قرار داشت شده و بار سو
 دن مجسمه "میناتور" شده
 فرار نمودند این مجسمه قسمتی
 از تاج ماراچا دیگایانامی باشد
 مامورین داکه گفتند این نخستین
 حادثه دزدی در موزم مذکور
 در بیست سال گذشته است
 این مجسمه شش کیلوگرم وزن
 داشته و در بازارهای بیجا
 لملی میلیونها دلار ارزندارد

دزدی یک پونصد

در اوزر با ریجان

علی حق بر دی یف رئیس
 کلوپ پدیده های غیر عادی
 یا کو برای خبرنگار آژانس
 "آما - ایراد" اظهار
 داشت که در این اواخسودر
 آپشرون ملاقات انسانها با
 موجودات عجیب ثبت گردیده
 است. یک گروه محصلین
 مکتب عالی نظامی کسین در
 نزدیکی یا کو با موجودات عظیم
 الجثه مواجه گردیدند. این
 موجودات با پشم سیاه کورنگ
 پوشیده بوده و یک چشم سبز
 داشتند که کمی پایین تر از
 پیشانی قرار داشت و بزرگی
 چشم آنها به اندازه یک دانه
 انار کلان بود. در سابق نیز
 در آپشرون مردم با جنین
 موجودات ملاق شده است.
 در زمستان سال ۱۹۸۹ با
 شده گان قهوه کورداخانسی

موجود دهنده را د پندسکه
 کام آنها چهار برابر گسام
 انسان بود

شامل علی یف در روز شنبه
 وی با کو در ماه فبروری سال
 ۱۹۸۹ در نزدیکی استیشن
 شروینام "د پوز" با دیویک
 چشم مواجه گردید. امروز
 کلوپ پدیده های غیر عادی
 یا کو از اهالی جزیره نیسای
 آپشرون خواهرش نموده تا
 راجع به ملاقات های مشابه به
 کلوپ مذکور خبر دهند. در
 جهان پدیده های مشابه و
 جود دارد مثلا در سال
 ۱۹۸۹ یکی از جزایر بحر
 الکاهل جیمه دیویک چشم
 کشف گردید

بازسازی فرد شکسته

آبایی گریباچف

تا بیج ۱۲ اکتبر ده هکده
 آبایی گریباچف رئیس جمهور
 شوروی روز شنبه است. در
 ده هکده پیر و لئوس کلخوزی را
 که بنام یا کو یف میگرد لسوف
 یکی از نخستین رهبران دوم
 لک شوروی مسمی بود لغو کرد
 دند

روز نامه کمسولسکا یا پرودا
 می نویسد که چنین تصمیم را خود
 اهالی ده اتخاذ نمودند
 ایوان میخائیلنکو رئیس اسبق
 کلخوز گفت که انجمن ده هکده
 که تازه ایجاد میگردد رطول
 پنج سال از پایه د ولتسی
 معاف خواهد بود و بهتر از
 همه اینکه دهقانان اختصار
 دار زمین خود خواهند گسرد

اکنون هر عضو انجمن می
 تواند ۱۴ ایکر زمین (مسک
 ایکر مساوی است به ۲ جیب)
 بدست آورد. ناگفته نماند
 و طندا راهالی این ده میخا
 ئیل گریباچف نیز حق دار
 مالک زمین مورش پدوش گردید

دزدی میلیون

دزدان با حوله و اخیرا
 بی د بغداد و دیترا منهم
 سقا پی ستین متوررا قطع
 نمود و یا خود برده اند
 مسموم نشده نه به مدت
 زمان را در بر گرفته که دزدان
 مذکور توانسته اند لوجه های
 المونومر سقا حقیقین متور را
 که در بناده شوت و پلسون
 در منطقه بروکین نیویارک فرار
 دارد بردارند اما به احتمال
 زیاد به آما این بار را در جر
 یان س انجام داده اند. این
 متور بیست و بار ساعت بازمی
 باشد. پولیس تخمین زده
 که المونومر خا سرقت شده
 بیون فتاد تانون هزار دلار
 ز دارد

سنای امریکا و پیش

سینا و کشتیها

سپو تحقیقی که در مجلس
 سنار کانزوا ایالات امریکا
 رخ ۱۱ اکتبر صورت گرفته
 در موریتیه گرای ششاه اول
 سال جاری عیسور در ادامه
 جنایات وجود داشته باشد
 تا اخیرا سنای (۲۲۷۰۰) نفر
 در ایالات متحده امریکا به
 قتل خواهند رسید

شیر این تحقیق که توسط
 کمیته قضایی مجلس سنای امریکا
 صورت گرفته قضایای آدم کشی
 انون نسبت به سن سال گذشته
 دو چند افزایش یافته است
 (جوزف بایدین رئیس کمیته
 بیخبر این رفتار خونریزی
 را نتیجه استعمال مواد مخدر
 تشنج باند های نوجوانان
 و دست یابی بدون کدام محدود
 دیت به صلاح میداند

از جمله پنجاه ویت ایالات
 امریکا، تکران شاهد بزرگترین
 حوادث قتل در سال جاری
 خواهد بود. تعداد حوادث
 قتل در این ایالت امریکا سه
 صد نفر بیشتر از سال گذشته
 است. به هر صورت واشنگتن
 دی. سی. مرکز آدم کشی
 خواهد بود

نام های ناشناخته در میان
هواخواهان هنر تاجیک در
افغانستان نمیباشند .

درغنائین همزیبانان صمیمیت
و همدلی پیوسته زیبا و زینت
پرداخته ها بوده است .

گاهی از سر زمین پر بار
فولکلور افغانی برجیده آوازی
سرداده اند و زبانه های
ترانه های شاد و صحت مجلس
و گاهی نیز این جا و آن جا
پارچه هایی را به باز خوانسی
گرفته اند .

البته خود نیز هدایایی در
این زمینه داشته و با تعارف
دسته گل هایی را نثار شنونده
گان و بهننده گان افغانی خوب
پیش نموده اند .

بهبتر خواهد بود از زبان
خود آنان بشنوم که چی هر
فهرایی برای شنونده گان افغانی
خوبش دارند .

نخست از همه با کرامت الله
آواز خوان جوان و خوش صدای
این گروه پرشهایی را مطرح
نمودم که میخوانند :

• بار چندم است که به افغان
نستان آمده اید ؟

• بار سوم است که به افغان
نستان دوستانه اشتی آمده ام
و این یگانه کشور است که خود
را در آن بیگانه احساس نمی نماید .
هم چه تبار و ریشه و فرهنگ ما
یکوست .

• تا شهر موسیقی غرب را بالای
موسیقی تاجیک چگونه یافته اید
و آیا خود نیز از این موسیقی
چه یزی میداند ؟

• در حالیکه خود را دقتیتر به
سوال نشان میده و گویی در
صحنه امتحان قرار دار دلش
را با دندنان گزیده بحد میکند .
• شخصاً موسیقی غرب را همین
نگریده ام و در قسمت تکسپ
ارو پایی در تاجیکستان با پسند
گفت که تا سال ۱۹۸۰ تکسپ
ارو پایی بالای موسیقی ما تا شهر
مستقیم داشت که پس از همان
سال چند تن با هم کمر راسته
گروهی را به نام سمذیان که
پهلوی دنیای موسیقی فارسی در
لطفاً صفحه برگردانند



گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

مباحثه از نریا سرلوری

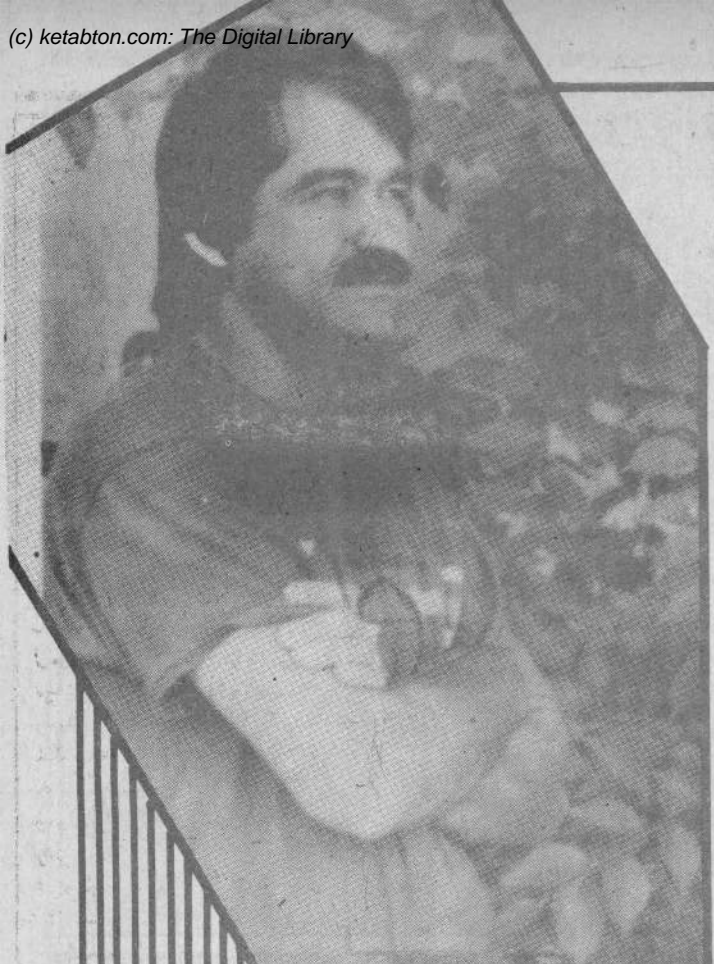
باری از نوه پس از چار سال
باز هم میزبان هنرمندان تاجیک
استم . آنان خوب میخواستند
نند و خوب میخواستند و خوب
هم میخواستند . هر چند آن سبک
دستی و شور سالهای پیشین
را کمتر داشتند . اما هنرمندان
خوب شان خرمای شهرنوا بسا
آهنگهای خوب و ظرافتهای
هنرمندانه خود را کرمی آور
کسرتنهاشان بود .
آواز خوانان خوب دیگرشان
کرامت الله واحد اللعین پارچه
های خوبی تقدیم علاقه
مند آن موسیقی تاجیک نمودند .
بیشتر از همه خرمای با تقدیم
آهنگهای افغانی " اوخندا -
جان دلم تنگه است " " بچه
جان لوگری " و " مشک تازه
مهریزد ابر بهمن کابل " یکبار
دیگر علاقه مندان را نوازش
بخشید و توانست همان محبوب
بیت گذشته را در جمع د و
ستان افغانی تازه سازد .
از مدتی به این سو هنر
موسیقی در تاجیکستان آمیزه
می بوده است از ظرافت های
موسیقی بالندی و خاور زمین
با آلات بومی و محلی تاجیک
که گهگاه سایه روشن تا نبرات
و امواج تازه گرای غرب نیز
در آن محسوس بوده است .
گروه های هنری چون پلکه
پدیده هاه گلشن و زیبا . . .

دلم تنگاست

از خنجره دیگر خرمای شیرین

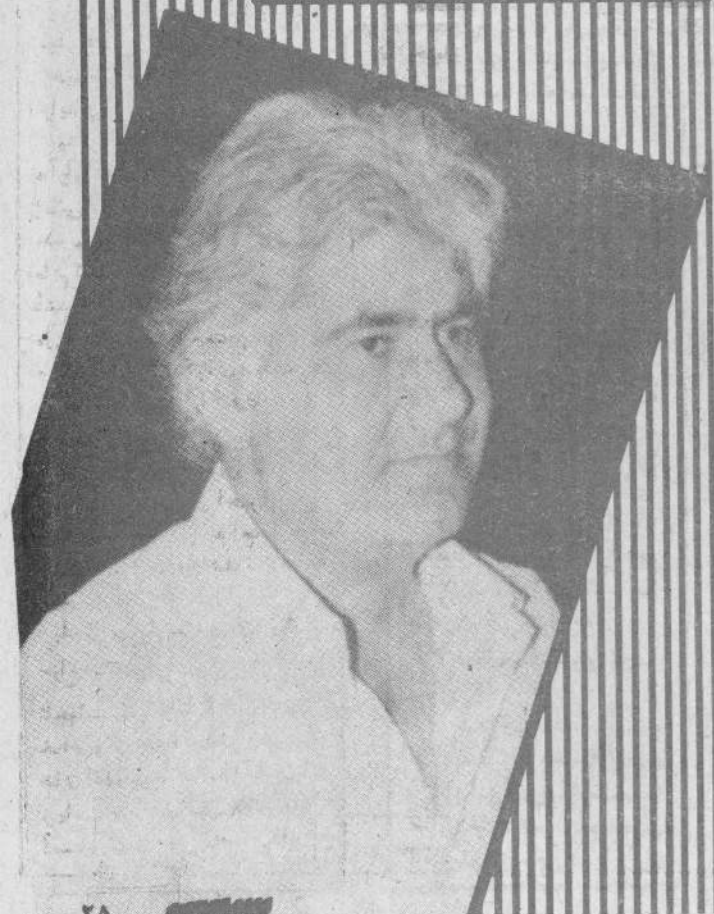
او خندا جان





که می‌کنید چه خواهد بود ؟
 ابرو هایش را بالا انداخته
 می‌گوید :
 - اولاً خدا آنکند که چنین
 کاری شود اگر باز هم چنین شد
 به دهکده بی مورم گانگه‌ها.
 رم و از شیر آن مسکه هینوسر
 و قصابی ته به منطام و در ضمن
 می‌کوشم اولاد های زیاد به دنیا
 بیاورم تا بانوای آنان غمهای
 دنیا را فراموش کنم . اما ایمن
 را از یاد نبرید که بد و ن مو -
 سیقی نمی شود زنده گی کرد .
 * دو سال بعد خود را چگونه
 پیشبینی می‌نمایید ؟
 - من آن قدر به آینده نمی‌اند -
 بسم آن چه برایم ارزش دارد همین
 امروز است . آینده را خدا میدا.
 ندوس
 * کدام ساز را سازگار حالات
 خویش یافته اید ؟
 گوی به جایی رفته است از آن
 جا سخن می‌گوید :
 - تنبور را دوست دارم صدای
 بقیه در صفحه (۸۲) .

خاوی چه چیز بوده است ؟
 باز هم می‌نماید که گویی حالت
 را به خاطر می‌آورد و سپس
 چنین می‌گوید :
 - دو سال قبل نامه بی از پیک
 جیان دریافت نمودم که در آن
 نوشته بود " دوست و سه سال
 دارم به آهنگسازیت غمناک
 علاقه مندم اگر صاحب ده فرزند
 هم شهید حاضر با شاهروسی
 نامم .
 هر دو خندیدیم - غمناک
 پرسیدم به کدام آواز غمناک
 چنان علاقه مندی زیاد داشت
 رسید ؟
 درنگی نکرده می‌گوید :
 - علاقه خاص من به تمام هنر
 نقاشی و شریکت که تیتیان به
 صورت خاص از یکی آن‌ها
 نام بگیرم .
 برای لحظه بی هر دو سبک
 پیشتر به خاطر آن که چوب
 بان صحبت قطع نشود بهرسم
 * اگر موسیقی و آواز غمناک
 سبب افلاک بود اولین گساری



تصویر کرد . اید ؟
 با تمجیب می‌خندد :
 موسیقی غرب را دوست دارم
 اما چون از عهده اش برآمده
 نمی‌توانم . هیچگاه آن را
 تصویر نکرده‌ام .
 * وقتی که تنها باشید چسی
 می‌کنید ؟
 آه کشیده می‌گوید :
 - هنگام تنهایی آهنگهایی را
 زمزمه می‌کنم . اما آهنگه " من و -
 دریا " همیشه مونس تنهاییم
 بوده است .
 * جالبترین نامه بی راکه تا
 کنون دریافت داشته اید



ان راه دارد تشکیل دادیم .
 * موسیقی تاجیک را با موسیقی
 کدام کشورها در نزدیکی
 و تشابه قرار می‌دهد ؟
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی
 با موسیقی افغانستان و هند
 دارد که ما توانسته ایم این
 موسیقی را در دیگر ایالت‌های
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .
 * در مورد نویشن و پالنفایسی
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر
 دارید ؟
 خود را تکان داده گویی چیزی
 را از نظر می‌گذرانند بعد ادا
 می‌دهد :
 موسیقی باید مسلکی و اساسی
 آمیخته شود . در سورتیکه
 موسیقی الفبا بی شود آن‌گاه
 مشکلات همه حل خواهد شد
 چه با آما تور بودن نمی‌شود که
 موسیقی را به گونه اصلی آن
 گرفت و آمیخت .
 * به گونه بی که دیده میشود
 شما آهنگهای افغانی را خوب
 اجرا می‌کنید ؟
 برای گهش این آهنگها چی
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟
 خنده معنی داری نموده می
 افزایش :
 بیشتر از همه احترام من نیست
 به آواز خوان آهنگه می‌باشد .
 زمانی که آهنگه را پسندیدم
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا
 نامم که نزدیک با همان آهنگه
 باشد . گرچه گاهی خوانی سبک
 عمل پسندیده نیست . چرا
 که با خواندن آهنگهای دیگر -
 آن نمیشود جایی را گرفت .
 اما گاهی خوانی نزد من مفهوم
 خاصی دارد و آن این است که به
 نظر من گاهی خوانی احترام
 و علاقه مندی زیاد به اصل
 آواز خوان آهنگه می‌باشد نه
 تقلید از او .
 با ختم سخنان کرامت قربانوف
 سراغ آواز خوان شیرین کلان -
 اناجیکستان راکه با اداهای
 خاص و دوباره خوانی آهنگه
 های افغانی علاقه مندان بی
 زیادی در کشورمان یافته
 است می‌گیریم . بی مقدم از

خرما شیرین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند

مشهد، علت را بهرسم ؟
 خندیده می‌گوید قرار است
 امروز روی تربیت احمد ظاهر
 بهرسم و به روح پاکش دعا کنیم .
 * قسمی که معلوم میشود اکثریت
 مردم تاجیک علاقه زیاد به
 آواز احمد ظاهر دارند میشود
 علت را بدانیم ؟
 - نگاهش را از نقطه بی برمی‌کند
 و ادامه می‌دهد :
 - به خاطر آن که احمد ظاهر
 شعرهای خوب را انتخاب نمود
 ده و آواز به نوقردم تاجیک
 دارد و مردم میتوانند در
 آهنگهایش تصویری از زنده گی
 خویش را باز یابند .
 * در قسمت انتخاب شعر
 چگونه نوقردم را پیدا کرد ؟
 - شعرهایی را انتخاب می
 نامم که به گونه بی بازندگی
 و پهلوهای آن در رابطه با -
 شد و اکثریت بتوانند در همان
 شعرها لحظاتی از زندگی کسی
 شان را دریابند .
 * آیا گاهی موسیقی غرب را -

خاتم شیرین و کرامت الله است که
 با علاقه مندی و سمیت خاص
 آهنگهایش را برای شنوندگان
 آوازهای را که میدارد کلام
 سبب روز تاروز شما رها قسمه
 شدن آوازهایش می‌باشد .
 خرما شیرین با چند تن
 از زورنالستان دیگر مصروف
 مساحبه است . من هم منتظر
 می‌مانم پس از آن که دیگران
 رفتند من به پرسشهایم آغاز
 کردم .
 * آیا از آواز خودتان خوب
 نشان می‌آید . چرا ؟
 می‌خندد و بعد می‌گوید : خود
 ستایی پیشه شیطان بود . من
 خود را در هنر خود نمی‌دانم اما
 هنر را در خود دوست میدارم
 خوب در وقت صحبت غمناک
 نا آرام معلوم میشود گاهی پارا
 روی پای دیگرین قرار می‌دهند
 لحظه بی دستهایش را زهر
 پخش می‌کند . و بعد می‌گوید
 را با دست نیازش میکند .
 بهرسم خیلی ناراحت معلوم

ان راه دارد تشکیل دادیم .
 * موسیقی تاجیک را با موسیقی
 کدام کشورها در نزدیکی
 و تشابه قرار می‌دهد ؟
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی
 با موسیقی افغانستان و هند
 دارد که ما توانسته ایم این
 موسیقی را در دیگر ایالت‌های
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .
 * در مورد نویشن و پالنفایسی
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر
 دارید ؟
 خود را تکان داده گویی چیزی
 را از نظر می‌گذرانند بعد ادا
 می‌دهد :
 موسیقی باید مسلکی و اساسی
 آمیخته شود . در سورتیکه
 موسیقی الفبا بی شود آن‌گاه
 مشکلات همه حل خواهد شد
 چه با آما تور بودن نمی‌شود که
 موسیقی را به گونه اصلی آن
 گرفت و آمیخت .
 * به گونه بی که دیده میشود
 شما آهنگهای افغانی را خوب
 اجرا می‌کنید ؟
 برای گهش این آهنگها چی
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟
 خنده معنی داری نموده می
 افزایش :
 بیشتر از همه احترام من نیست
 به آواز خوان آهنگه می‌باشد .
 زمانی که آهنگه را پسندیدم
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا
 نامم که نزدیک با همان آهنگه
 باشد . گرچه گاهی خوانی سبک
 عمل پسندیده نیست . چرا
 که با خواندن آهنگهای دیگر -
 آن نمیشود جایی را گرفت .
 اما گاهی خوانی نزد من مفهوم
 خاصی دارد و آن این است که به
 نظر من گاهی خوانی احترام
 و علاقه مندی زیاد به اصل
 آواز خوان آهنگه می‌باشد نه
 تقلید از او .
 با ختم سخنان کرامت قربانوف
 سراغ آواز خوان شیرین کلان -
 اناجیکستان راکه با اداهای
 خاص و دوباره خوانی آهنگه
 های افغانی علاقه مندان بی
 زیادی در کشورمان یافته
 است می‌گیریم . بی مقدم از



دځسر لالی

د ژواک لیکه

د موسم د کلونو د نازکو پاتو
سره بیوه پداده چی ستا
د نیاسته گوتو مړول ورسره
برخه دي .

لالی ! ته چی دوزیسی
د سهار نه مچو سره اشناهی
ستادي د نازکلوته د نازکوز و
نواغله په تمه ده . بسکه
د نیاسته د بازار تودول تاته

جان سپارل غواړی
ته د بازار تودو ساته اوسرولوته
هی به پیزده . ته نیاسته
لالی هی ، دنړی درانه لمر
ورانکی ستا د مخ لوری ته گړی
راگړی . ستا سو د کوشونو د

درانه سهار وزیسی خولسه
وزنژدی کړی . داچی نن
د پتنگانو د قافلې لوری تاته
خره دي ، په دې وخت کی
د هغی زېدلې پانی لعا ظ
ساته چی د زمان د توندیا د
خپیری وهلی یوه ، خړکه
دور موشیو واگه ارد نیاسته
هنداره یوازی ستا
مخی مونهوله

لالی ! د تاندولبتولوری
له نظره به اچو !!

د روغیسی دی ، شوندي
شپڼو موی پوښو وخت لمر
هغی خواک شه تر تورو پوښه
پام په گاردي مکه هلته د کپلو
د سره اتق یو سره شری یو یسی
د هنر لالی ! پوهیوی هی
لږ وخت پخوا به ستا د کلاسی
خپری شخه د هغی پتنگان هی
پروا نه پیل اوستا نیاسته سره
په هی پروا هی ، ستا د نیاسته
د هغی قدر پروا نه ساتلسه
کیده . تاته د زانیسی په
ولوش هغه ماته گریسه
د بهادری !

د نازکاوندي ! د نیاسته
په دې رنگین گزاري ، د نیاسته
په دې د باغ د شمانگور تاندولتو
لښتوکه پام کول اوسنی
د مرغی ملک ستا د هانتسه
راپولسی .

د اتسوپ به هیره وادله
چې د موسم هرکې د پتنگانوی
انتظار لسی د دې هغوی
اوبرادونه یوازی د نیاسته
خولی هکته به راوړه .
د هنر لالی !

لا مبر کړی دی ، ووايه
د نیاسته سره د نیاسته په
بازار کی ستا د معاملسه
تاته سه یسی ؟

لالی ! که د نیاسته
د حساب ورکولو د حشر
په وځ ستا سره د نیاسته
د هیرولو او هیریدو د سپارلو
حساب وشو ، ستا د سپین
تندی ، شین خال ، واداغ لپری
کولای شی ؟

لالی د ښکلی هنر لالی
من چی ستا سره لاسونه
او اورغوي به هلته د حساب
د پاره واورې ، راواړې خو
د دې سر لاسونو د حساب
ورکولو د پاره دنورو نیاسته
په سر وړونو ک زړونو ته
سواپ ته شی ورکولای .

د نیاسته مغروري اوسه
نازېری !

من چی ستا د مخ
کلاب ته د پزړه واغلو تنگانو
دهوکی اتن جوړی اوستا
ستا زې ستا د هنر د تاج محل
د مرصنو تیزو مخی ته د وړی

خو سره نیاسته هی ، ستا
د اوږل پرمخانی د نیاسته
زړونه پرمخانه کړی دی ستا
د نیاسته سرگوانی سره پوښو
د افونه کښوول . ستا
د حسن شخه تر پل لپسری
کول شی موه زړونه د هغی
سره انگارنه وسپارل ، پوهیوی
چی ستا د هیر وشو هم د زړونو
نیانی خطا کړی . ستا
د خیالی مړوند په اړلو
راپولو سره خو مره زړونه
د نیاسته په سیندی لاهوشون
من چی ته نیاسته هی ، ته
د سره کلاب به په سر وړونو
شړولای شی ته نیاسته یسی
تاته د حسن د بازار د کیدلو
ور خلاص دی .

کولای ! پوهیوی چی خپل حسن
پرمخانه نیمه کړیسی ، او د خپل
نیاسته د کلونو هنداره دی
لاس هغه ونه لوبده او هنداره
هم ستا د نیاسته په پوښو
ته شریده خوداچی د هغیل
نیاسته به غرور د نیاسته و
نیاسته لوری ته شریسه

که چگونه همه مردم چین خواستار مجازات وی میگرددند . گماهیتم کرد تا او یک لحظه در باره جبهات و حوادث (انقلاب کلتوری) نکرکند . در یکی از مینتنگ های (خونفینها) اشتراک و ضمن ابراز نطقی چنین گمت: (مائو برای همه شاسلام می فرستد ۱۰۰۰) وید نیال این جمله اشتراک کننده گان باشعور و همچنان نهاد زدند: " از رفیق مائو باید باموزیم ۱۰۰۰ احترام به رفیق سزنان سن، تا آخرین قطره خون خود ذره شما ایستاده ایم ۱۰۰۰ " فعلا شعار کمالا تغییر کرده بود . (سزنان سزنان سن را به ده هزار بارجه باید برهد) ()

مکن از روفیسوزان پوهنتون نپهاریک بنام (اوکسانا اونیک) در سال ۱۹۷۱ - چندین هفته را با سزنان سن سپری نموده بود چنین اظهار نظر می کند: پسزبان سن را باید به مشا به یک فرد با شعامت پسر هادی و یک رهبر پیشگام انقلاب یاد کرد) سزنان سن چندین سال را در ستر می می سپری کردی در مسکو تحت تدای قرار داشت داکتران میگفتند که وی به مرض سرطان دچار میباشد . اما با شعامت نهادحتی مرض سرطان را به زانو در آورد .

سزنان سن همیشه احساس عدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خانم اول خود که یک دختر مادی از فامیل دهقان بود بر اساس اصرار فامیل مائو با دختری از یک فامیل روشنفکر ازدواج کرد از او نیز همراه با سه طفل وی جدا شد . زن سومی مائو بخاطر (اخلال دماغی) به بیمارستان عقلی و عصبی نگهداری میشد . مائو علاوه بر آن دوهمرت نزدیک را (پوشا - وسی و لنهین پهاو) را بقتل رساند آما سزنان سن نمیتوانست خود را آسوده احساس کند ؟

انقلاب فرهنگی از یک طرف سزنان سن را در کرسی بیوری سیاسی حزب کمونیست رسانید ، از جانب دیگر چین را به عقب راند و جوانان چین را از لحاظ اخلاقی و روحی معیوب ساخت .

سزنان سن را مانند (لاورینتیا پها) - مردمانی محاکمه نمود که در مقابل مکت خود بی اندا و مقصر و گناهکار بودند . ملت چین باید تحمل داشته باشد که واقعات جدید در باره " همسر چهارمی مائو " را بدانند همچنان این تحمل را باید داشته باشند که واقعات و اتفاقاتی را که از سالهای ۱۹۶۹ بدین سو در آن کشور اتفاق افتاده بدانند .



بیوه مائو

خودکشی

کرد

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی

ترجمه احمد سبنا

همسر چهارمی و اخیری مائو خانم (سزنان سن) هنریشه سابق و عضو بیوری سیاسی حزب کمونیست و مشا به الهام دهنده (انقلاب کلتوری) در حدود سی سال با بیگبری و تلاش زها د تقیها موفق شد تا به تنهایی بالای بزرگترین ملت جهان حکمفرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قربانی مبارک قدرت که خود وی به هاسال مصرف آن بود گرسد .

قبل از مرگ خود مائو برای وی ضمن نامه نوشت: (فعلا ما از هم دیگر جدا میشوم هر کدام در جهان خود بسر خواهیم بود ، صلح و بیوری را برای همه ما آرزوی کم . ممکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . زندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانمی شناسد اما تو میتوانی به عالیترین مقام برسی اگر توبه این هدف نایل نیامدی در آن صورت به صورت گنم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهایت خواهد شکست) ()

مائو ضمن به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۶۷ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبد گلی که برای مائو همسرش سزنان تمبه دیده بود نوشته شده بود: (شاگرد و هممرت تو ۱۰۰۰) و تمدا " نی خواست بیوه مرد کبیر باشد بدین ترتیب خواست این مطلب را افشاده نماید و تصمیم گرفته بود تا جایی او را پر نماید . سزنان همیشه خاطر نشان میساخت: (یکا - نه را می گاز تبدیل شدن شخص به مهره شطرنج جلوگیری می کند پدست آوردن قدرت است) (۱۰) خلق مائو اقای هواگو فسن تمبه این شکل فکری کرد .

هواگو فسن فرمان داد تا سزنان سن را از عضویت بیوری سیاسی حزب کمونیست چین اخراج و در زندان انداخته شود . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به " بهترین اسم وضو جنبش کمونیستی جهان داخل اقدام گردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چین چنین اعلان نمود: عضو بیوری سیاسی خانم سزنان سن در سال ۱۹۳۵ توسط سزنان جاسوسی (گویندگان) استخدام شده بود .

و در سال ۱۹۳۷ با اینهان نمودن هویت خویش واقعیت را کتمان نموده اصل و نسب نمودالی خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد . در زندان سزنان سن نمیتوانست ببیند

چگونه خواهد آمد؟



نخواهد داشت.
چنان برای عدد از شهرستان
گاز مایع نیز آماده فروش است
که انتقال آن در شهر کابل
رودت گرفته شده است

منبع صحبت: معاون اول
وزارت معادن و گسترش
معدن

۱- ذغال سنگ:
امسال در نظر است تا در
توزیع ذغال سنگ بی غدا
های سال های گذشته تکرار
نشود. تثبیت شده است که
پتجاه هزار تن ذغال سنگ
به کابل وارد شود. در زمینه
رهایست ترا نسبت سکتور -
خصوصا تا اخیر عقب مانده
در این مساله است البته
انتقال آن از همین اکنون آغاز
شده است و در دروازه تاجیک
شهر تاجیک آن ادا به دارد
برای سهولت تعریه تحویل
پول در شهری شانگه های
مختلف و در بانک های مختلف
قابل اجراء است. باید خبر
قسمی ذغال توزیع آن آغاز
شده است. البته قبل از توزیع
است های مستحق تثبیت
شده از طریق نواحی شهر
کابل این پروژه پیش برده می
شود.

منبع صحبت: انجنیر فضل
احمد رئیس برق کابل
صحنه های را
که از مسئولین امور خردانه
نشانده اند این امر است که
باید نسبت به این مشکل مردم
حکومت تدابیر جدی توهمراه با
ظرفیت های واقعی که بتوانند
نیاز مندی های مردم را تکفیل
نمایند اتخاذ نمایند.
در حالت موجود معنسی
پوست کده مسئولین اینست که
تخل به مقدار کافی وجود ندارد
ناید تهیه شود. ذغال سنگ
هنوز به مقدار کافی به کابل
رسیده شاید برسد. برق فعلا
وضع بهتر دارد اما ممکن است
وضع آن بدتر شود و اما مردم
چه کند؟

منبع صحبت: دوکتور کد
معاون وزارت معادن
و صنایع کوهستانی

۲- انرژی برق:
خوبه خانه امسال بنا به
باران برق های زیاد سال
گذشته وضع آب نسبتا بهتر
است و از این جهت بر چسب
برق در وقت های طولانی تر
صورت میگردد البته در هشت ماه
در امسال مشکلات بهالاست
برچسب های برق به وجود خواهد
آمد. زیرا در این فصل بخش
بهتر مردم به مصرف برق توجه
بهتر میکنند و بر علاوه
تجهیز پخت و پز توسط برق صرف
رت میگردد. ظرفیت های موجود
چند تولید برق برای شهر
کابل به تناسب مصرف آن نا
کافیست

شهر کابل توسط ۴۴۰
برق و ۳۴۰ برج برق بر
به فایده کات و در
از انرژی برق مستفید
در بخش برق انرژی
مشکلات عدم موجودیت
وجود دارد و فعلا در
مورد مشکلات کماکان
وزارت آب و برق با
نتاز پروژه های جدید
برق بیشتر را تدارک
اسمار و وجود پولی
است که با مساهد شدن
نات تسهیلات فراهم
و بیشتر اینکه برق به
آب در در رهاهای که
بند های برق جریان
متعلق است.

از جمله سال به این
مهمان عزیز ما می
امای بر مردمی که
سال ۱۳۲۷ را که
های تنگ شدند
گذشته را البته که
ما بوده است البته
میباشد. بکنند
دست میاید ولی
هم سوزان را در
ولی با آنهم خانه
است نان میطلبند
حکومت در مسالهای
مشکلات را بر دوش
حل یک سلسله از
به شهر کابل به
که کابل شهر چند
تسخن خانواد
شهریه بنا بر
بخدمات اجتماعی
من نبود. آیا
دسترس است
ما برای
زبانان
هنوز چنگ
خانواد و
نگهدارنده
ستم مسوره
بگویند که
آیا مردم

گزارشگر: لیلیه سیدی

۱- مواد نفتی:
تهیه و تدارک مواد
فانی در فصل
شهر کابل کار
مشکل است از
لات و از سوی
محرومانی از
مورد به مرکز
بدهند تا مشکلات
سازند.
در رسانهای
چوب ذغال سنگ
فشار نفتی
شده است به
کمیای کم شده
فست آن در
افزایش یافته است.
در سال جاری
دارد تا از منابع
نفت خام را
تدابیر اشفاق
های مختلف
نفتی را تولید
استیشن های
ان را تنظیم
در این زمینه
داد های هم
البته برای
های جدید
نفتی توزیع
استثنای برای
در یافت مواد

از جمله سال به این
مهمان عزیز ما می
امای بر مردمی که
سال ۱۳۲۷ را که
های تنگ شدند
گذشته را البته که
ما بوده است البته
میباشد. بکنند
دست میاید ولی
هم سوزان را در
ولی با آنهم خانه
است نان میطلبند
حکومت در مسالهای
مشکلات را بر دوش
حل یک سلسله از
به شهر کابل به
که کابل شهر چند
تسخن خانواد
شهریه بنا بر
بخدمات اجتماعی
من نبود. آیا
دسترس است
ما برای
زبانان
هنوز چنگ
خانواد و
نگهدارنده
ستم مسوره
بگویند که
آیا مردم

راپورتاژ

احتیاط کنید!

تقلب

در



وقتی به شهر میرویم و میخواهیم
چیزی بخریم در هر مورد در هر
قلم و سواست داریم که می-آدا
تقلیب باشد، مبادا کم باشد
مبادا فریب بخوریم و ازین گونه
تقلب امروز نه تنها در سنگهای
غیرشیشه بلکه در اجناس ولوا نیز
متشلف، خوراکی ها و...
اجناس وجود دارد. کفتر
کسی است که قادر باشد یک
تولیدکننده را دیوکت یا
ویدئو تپ جایانی اصل را با
ساخته هوش آن که از اینها
کوبه و تاپوان می آید فرقی بگذارد
مثلا بسیاری همانند اینند
که تاریخ سری شده ادویه و
پنیر، کرم دندان، لوازم
آرایش، رب پادنجان رومس
کسروها، شکر خشک، پنیر، مسکه
روض و ازین شمار را چگونگی
در نظر بگیرند و چه عواقب
منفی را این تاریخ سری شده
در قبال خواهند داشت؟
من گزارشی خود را از - آه فر-
چشکا مهرکه افغان اعظم میگویم جا-
یک تقریباً یک از نقاط مرکزی



محمد جا در محمد خیر

شهر است . در اطراف دیکانهای مختلفی وجود دارد . و آنسو دست فروشان و فروشنده گان دوره گرد . کس بالاتر تصایب و در کنار آن رستورانیت ، در مقابل بازار و فروشگاه بزرگ افغان و افغان نشنل بدر جست غریب شویخ پری ها ، شور - خود و پشتو بعد از نه سزای لیلان !

میخواهم از ترکیاری و سبو فصلی خریداری کم چسی صمیم :

سنگ وزن که از خشت و آهن های عالی نمعه شده معادل وزن حقیقی نیست ترازوها پاننگ دارند و اگر یک جنس را در دو توله ترازو بسا تعویض جا وزن کس می بینی که یک پاو ، پاونست و چارک حتی سه پاونست !

بالای کراچی سبب فروش تکه سرخ رنگی نصب شده که سبب های سبز و خام را پخته می نما - مانند وقتی در خانه سبب های چیده شده خود را بار دیگر

می بینی متوجه میشوی که تریب خورده ای !

میخواهم بزیج و ماشرو لوبیا را قیمت کم . نرخها خیلی گران است و دکانداری که میخواهد خود را صادق تجلوه دهد میگوید برادر بازی نخورد و تمام بازار بزیج خوب نیست نه سبب میدهند ، فقط من خودم از بخلان بزیج خوب آورده ام به تمام سده برایت میدهم . آبا پاورسی کسی سر راهم خانسی آمد که خریده س از سودا در دست داشت پرسیدم :

خواهر! چی خریده ای؟
گفت از منای کویونی گرفته ام .
علاقه گرفتم وزن آنرا دقیق بسازم .
زمانیکه ۷ کلو بود و وزن کردیم ۶ کلو بود و وزن نیز مقدار کمتر از اصل بود .

برای خرید تخم من نمز باید انرا در مقابل نور آفتاب بگسری که مبادا بجای زردی و سفیدی ، چوجه می در آنجا باشد .
و زمانیکه میخواهم از تکه فروشی چیری را این بگم نمیدانم

کدام جنسی تکه اصل و کدام بدل است . یک متر قافته را باید به پنجمد افغانی بخن ایسا این پنجمد افغانی راه آب - انداخته ام با چیزی بدرد بخور خریده ام .

وقتی آنرا تکه را می کشند می بینی که حتی یک سانتی آنرا به نفع خود می برند . شهر خشک را نمیتوانی فرق بگذاری انواع و اقسام شهرهای تازه خ تهر شده را می بینی که به تهمه های مختلف از ۱۲۰ تا ۲۶۰۰ افغانی به فروش میرسد . جالب است که مثلا در فروشگاه انوب واقع مکرهون سوم یک کلو شهر خوب ۱۰۰۰ افغانی است اما در شهر همین شهر

به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چسرا؟
یعنی که در جای اولی انصاف است و در جای دوس نیست و آیا کدام مرجعی وجود دارد که شهر تاریخ گذشته را از بازار جمع آوری کند ، چرا که بیشتر این شهرها بصرف ساختن آیسکرم و شیری ویا الحقال

خورد سال میرسد .

در سزای لیلان با بعضی نمونه های از لباس های ساخت وطن برخوردارم که بنام لیلانی فروخته میشود درین باره تبصرو نمیکم . دوستی را دیدم که با تصایب دعوا داشت پرسیدم چرا ؟

گفت دهر روز از او گوشت خریده بودم در خانه متوجه شدم که گوشت بو میدهد معلوم شد که وی از مزاول شرف گوشت گرفتند یا بزرایج شده میخواهد و در طول راه این گوشت ها بوی گزند اصلا در باره تصایب های سار باه بود گفتم هیچ تصنیف وجود ندارد که این تصایب ها مطیعین باشند مردم به گوشت های سن و خون دار که بمعنای ذبح نشدن حیوان است توجه نمی کنند . درد و آخانه میخواستم ادویه خریداری تمام اما متوجه شدم که اکثر دواها هندی است و این راه را ترجیح میدادم که اکثر دواهای ساخته چینه در صفحه (۸۴)

راڅه داد پڅر کي پښتانه

اخلي له همدې اوسنڅخه
ندارې چې نورنگو نه دنا لاسم
او ترښت درې ورځې او همداد
رنگه دملتانو اختياري او وري))
او خپل جاي يې وختنه او خپل
ته
په اوزده دهليزکي دهليزکي
چغني او بوغاري هره خوا موي
محسن چې ورو ورو يې ندېم -
اخته داسې احساس کاروي
چې په هغه لاره ندېم زدي کوم
چې په رنځ او نور ختميزي
هرکي دواړه رنځ او شور
دټولگي په وروستي خوگسي
کې يو هلک ناستور په لسوړ
زغ سره وويل :
(استاده ، زما پوښکي
کيسه زده ده)

خو بيا ښکې له دې چې
محسن ورسره روانه وکړې ، را-
دڅخه شو . دده دوستانو و-
لېدل چې هلک داسې بللون
افغونۍ دي چې په پښان کس
يې لوي دي . دې لارون توپه يې
هم دپغو ده او د سړو پښتان
يې پړو چېلې را برابره دي .
هغه کيسه داسې پيل کړه :
(زما پلار دښو کارو نو-
ځواند يو سړي وو او خپل رنگي
و پښتان يې لارل . ده په ستر-
گه درلوده او په سترگه يې
رنده پټې وه . هغه هم داسې
چې ده غوښتل دجا کونم
وگنډې . کونه دوس کلنه ورو چې
ده په ټول زور سره ونشواري
کړای په هغه ښه ورتيا سي
نور سرور شو چې کونه په خپله
سيته باندي کښېدي . ده په
ټول زور سره پر هغسې
نثار واووه ، خو ښه ترې خا-
نوه او په سترگه يې وروسته
دناسو سره څه خوړو ، زما
پلار پوه سړي وو او داسې
زېره يې درلوده چې نه اوږ-
ده وه او نه لنډه . ده د پسر
کار کارو او کاسې هم به ورو
هميشه به له ده سره پوهنو-
ره کوښ يې او هغه به يې
چېرولې اوله سره به يې نوي
کولې .

خو زما پلار دکان نه درلود
او هېچا به هم له ده سره
مرسته نه کوله . دده دکان
محسن له خپل پښانه سره
وويل : ((داندېر لکه خنگه
چې له زده کوونکي څخه نېستې
په دې بڼه کې يې دده ټولگي
وه ، وروسته گام اخسته . د-
نډه سره نري کې داندېر-
مړي تسميره په اوبه دې نه
پوهېده چې په ټولگي کې به
دنده څخه ورپښ شي ، نو
په دې لار يې هغه کوله
چې هغه وخت تر روانه رسېزي
تېره شي تر کله به په خپل
پسندر دپخوا او اښوار اوونست
اوبه دې هلک يې نکر کارو چې
دخنگو په دې کې درېدل هم
گران کار دي . دغه دياره ...
ورپس له دې نه چې سړي پوه
شي گور شي ښه او کوښ سي-
دي ، ژوند تېرېزي خوا پيدا
سورونش دا ژوند وروستې بڼاي
دي چې سړي يک زده کونک
کوي ؟
ابا تاته پخپله ، له شور-
مندي څخه درېر په پاندي ؟ او
په دغو پښانه انگارو سره وده
شو .
گه پخ کله چې له خويبه راپا-
تېد يانې پښان دمدېر څپو نسي
ته راوساؤر .
هغه پرکوم شي باندي خپلې
ريانې وي ، خو محسن ورته
څېر شو او دنورو ښوونکو څخه-
ته يې غوښتو ، دوي هم په
هغه هلک خبرې کولې ، کښي
چې دمحسن فکر يې مشمول
وو ، خو تر دې داورو چې
دوي له بله نقطه نظره پسر
موضوع باندي بحث کاؤ .
- که چېرې په ټولگي کې هلکان
کتاب وپلري څه بايد وکړو ؟
مدېر له تنگه نظره څخه
سواب وکړه .
(هونجا نړيوونکي هغه
دي چې زده کوونکي يې له
کتابه په کارو پوي)
او پدې خيال خبرې په
په پسر سره داسې پاي ته وړ-
سولې :
(که پخپله نشي کولای له
کوم هلک څخه دغه مرسته
وغواړي ؟)
محسن له خپل پښانه سره
وويل : ((داندېر لکه خنگه
چې له زده کوونکي څخه نېستې



ادونه

عسان کفاني د ۱۹۳۶ کال
د اپرېل په مياشت کس ،
د فلسطين په شمالي برخه
عکابه سيمه کې زېږېدلی دی .
د هغه کوچني مشورې د پانامه
پارټي نورو او پدې په کال
۱۹۶۸ کې د فلسطين د اشغال
له کبله له خپلې کوره نې سره
نورې ته ولاړ او د مشورې
مېشته شو . کو چې عسان
له خپلې کوره نې سره په فكري
تړوند کارو او همدې خبرې دده
پروجه باندي لږه اغېزه
کړې وه . ده په د مشورې کسې
خپلې زده کړې پاي ته ورسولې
او پدې حقوقي لو ستلو ته ادامه
ورکړه .
اد بياتو سره يې لږه مېنه
در لوده ، پدې خپلو زندگي ورته
تعبير ورکړ او داد بياتو په لو-
ستلو يې پيل وکړ .
په کال ۱۹۹۰ کې بهر ورتنه
ولاړ او د يوې ورځپاڼې مسوول
مدير شو چې له هغه سره سم يې
صهېو نېستې ته ميناره هم
کوله . په کال ۱۹۹۱ کې يې
د " هدف " مجله راوکښله او
په کال ۱۹۹۲ کې د اسرائيلو
ما مورانو له خوا په داسې حال
کې په گولي ووزل شو چې له
خپلې لور او خور سره يې پو تړ-
کي سپور وو .

سېده .
ټول خلک به دې پوهېدل
چې دې کولای شي کونسي نوي
کړي . په دې توگه به ورځ به
ورځ خلکو ده ته لږې کونسي
را وړلې .
زما پلار به دښي تر ناوختي
پورې کار کاوه او پوره به يې پس
ويل چې :
(ا لږ ژبه زانې شو-
نسي نه ولېږي) او ورپه
سې ويل چې :
(پېر زده په پوښتو آسوده
او ارامه شي))
خو دلته کوچني هلک نور
څه ونه ويل او غلې ودرېده .
محسن په لور زغ سره وويل :
(ولي دخپل دوست
لپاره لاسونه نه تېرې ؟ ايا
تا سو له دې کيسې څخه
حيران نشوې ؟)
هلکانو وويل چې جز غواړو
دکس پاتې پرته هر اوږد
محسن کوچني هلک ته مخ
رواړاؤ چې : ((ستا کيسه
پاتې لري ؟)
کونسي خپلو خبرو ته داسې
ادامه ورکړه .
(له دې مياشتې پوښته
د پروخت تهرېده چې د پلار
په مخ کې يې د پر کار انصار
شوي وو ، کار دومه د پروختي
ده نشو کولای کوره راشي .
پور جزبه ويل چې هغه سي
له دې چې له صندوق څخه
لاروښي ، شهه او وړو کار کوي .
شتمن سړي به هغه پېر زده
کې کښناس ته اولول اولو سړي
به يې خورلې او پوښکي به يې
له ماني نه کښه راجول . چې
سهار به شو نو غونډي به د سړو
له پر ستگو څخه ډکه وه . داسې
چې خدنگارانو به نشوای کول
لاي چې زما د پلار صندوق دښو
په ضلع پيدا کړي . مورسي
ويل چې دې به دومه په خپل
کار کې بساؤو چې هر هغه څه چې
به د صندوق په سر لوبدل ، دې
به پزې خبرته وو .
له هر خلک داسې فکر کوي
چې زما پلار عادت لري دصند-
وق په منځ کې کښي او په خپل

پولې يو صندوق وچي له لارکې
او سي او بيا کاندو نو-
څخه خپلې وړې وږه به صندوق
کې غبرله پوښتو او خدنگان
په دې سره له لارکې
شکل کې يې پښانته وړې وای
جانو دغه د لپاره به يې کسې
دای نه وه ، که چېرې ده شو-
نش چې کښه پوښتو کړي ، نو
سپور ورو چې له صندوق څخه
راوړ شي ، زما د پلار صندوق د
پوي غولې به له ده کښي
اسودل . دوي ورو چې تر هغه
پورته دښو څخه من سړي ماني
وه ، که چېرې کوم سړي د ماني
په سر درېدلای وای ، هر کوم
پوه يې شي ، او کښي يې
د صندوق په موجوديت به نه وای
وه شوې . هغه څه مړي چې
په خنگي را پورته شوي وو ، د
صندوق منځ يې د پوښتو له
نورې دې توگه زما پلار هېڅ
کله به دې هلک فکر نه کاؤ چې
د ماني شتمن به يې پښان-
جاي پيدا کړي او دې به له
ده تپاوه وشړي . د ماني
شتمن هېڅ کله د باندي نه
راوت . دده خدنگاران دې
نه چمتو ووي هر څه دي وو .
نورې هغسې وکړې . د شتمن
خدنگارانو زما له پلار سره دده
دراز په ساتلو کې لاس وکړي
وو او دې په بدل کې زما
پلار د هغسې کونسي وړيا جو-
ړولې . زما پلار به په جدي توگه
خپل کار کاؤ . اوله پښانه نه

کار بوخت وي ، خو کله چې
خپل کار پاي ته ورسوي پښان-
کوره يې ، مگر زه داسې
عقېده لرم چې دې هلک هر
نوي دې .
هلکانو ، کوچني به لاسونه
ونکول او کوچني هم به د پسر
وقار سره پر خپل مناي کښنا-
ست ، په دغه وخت کې پسر وه
شيمو سترگو د محسن وخواښه
روي روي کتل . محسن چې
دکس تر ناښاري لاندې راغلي
وو له کوچني هلک نه وغوښتل
چې له ده سره دمدېر دفتر ته
ولار شي . په لپاره کې يې پو-
ښته مني وکړه چې : ((ايا
ته په رښتيا سره پوهېزي چې
پلار دې مړ شوي دي ؟)
کونسي هلک وويل : چېرې
(پلار يې نه دي مړ شوي ، ما
دهي لپاره دا خبره وکړه چې
خپله کيسه پاي ته ورسوه ، که
داسې مې نه وای ويلې نو زما
کيسه به هېڅ کله پاي ته نه وه
رسيدلې . خو مياشتې وروسته
اورې راسې او دلتر تودوغه
په هغه دښو پوښتو کې وکړي
په پيا کې به دښو وزن لږ
شي او پلار به مې وکولای شي
چې هغه له خپله سره اېښه
کړي او نوي راوړي .
په دې وخت کې محسن او
کونسي دواړه دمدېر کونسي ته
ورسېدل . او دواړه وروسته
محسن مدېر وويل : ((زما
په ټولگي کې يو هوښيار هلک
شه دغه د پلار کيسه واوره ؟)
پلار کيسه دې خنگه .
زما پلار پوه کوچني هغسې
در لوده او په خپل کار کې لږ
ماهور وو . پوه وړو دده او پو
د ماني شتمن غوښتو رسېده .
د ماني شتمن هر څه چې
زوي کونسي اولو دې ، زما
پلار ته راوړي تر څو هغه جو-
ړي کسي . د ماني شتمن
خدنگارانو دوه ورځې هغسې
ته زوي کونسي راوړلې داسې
چې زما پلار د هغو په منځ کې
لوب شو ، ځکه نور په دکان
کې ماني نه وو . مدېر لږ څخه
له مانه تکرور او پدې وويل
پاتې په (۸۲) منځ کې

ابراهیم در کام امواج آتش و دود فرو رفت و شعله های خورشان از هر سو او را فرا گرفت و غمرو آتش صدای او را فریادشاند. اکنون بسیمین آتش با ابراهیم چه کرد؟ آتش قهر مند های ابراهیم را بسوخت و بگداخت و او را آزاد ساخت و خدا تعالی سوز وحدت آتش را از او فرودگذاشت و او را بر او سرد سلامت ساخت.

پس از چند روز که دود و شعله آتش فرو نشست، قوم منظره ای عجیب دیدند مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش و آزاد بیازید عوت مشغول است. ایمن منظره ایشان را متحیر و مبهور کرد همه طوری که از شدت انفعال و شرمندگی سر هارا بزمیر افکندند و ستواری و متفرق شدند.

ابراهیم و سرود

این سرودت حیرت افزا و معجزه عظمی و نمرود را جز طغیان و غد وان نغزود زیرا ابراهیم را دشمن دستگا مجلیل و هادم بنهان جبروت خود میدید از این رو ابراهیم را بسوی خویش خواند و با او بنای مجادله و احتجاج گذاشت و گفت: این چه فتنه است که برانگردد ای و ایمن چه آتش است که افروز خفته ای؟ و آن کدام خداست که بسوی او دعوت میکنی؟ مگر بجز من خدای سراج داری؟ و باغیر از من معبودی را سزاوار عبادت میدانی؟ کیست که در مرتبه ازم افزون باشد؟ مگر نمی بینی که تصرف شد بهر اهورنکش و ایبرام قضایاد زدست من است؟ فرمان من نافذ و حکم قاطع است و مردم چشم بر حکم و گویش بر فرمان من دارند و همه بمن امیدوار و از من هراسانند آیا با وجود اینها در خدایت من تردید داری؟ سپس گفت: چرا اتفاق و اتحاد مردم را بر سر زده ای؟ و تنهائشان را در هم شکسته ای؟ هرورد کاری که سویی و دعوت میکنی کدام است؟ و خدایت که خلق را بعبادتش میخوانی کیست؟

ابراهیم با اعضای آرام و خاضری - مطمئن و بیانش روان در جواب نمرود گفت: هرورد کار من آنست است که جان من بخشد و جان میستاند و تنها اوست که خلقت را ایجاد میکند و نابود میسازد و تو عالم بشمار میآوری و آن را تا پایان عمر منسیر و اجن معد و زبیر می میدارد. در اینجا سند احتجاج نمرودند ابراهیم داندان او هام نمرود را در هم شکست، ولی نمرود از سر فرور و جبروت راه منابر و مجادله پیش گرفت و از روی مغالطه با آئین منقطع گفت:

منهم هر که را بخواهم پس از آنکه در روزی در کام تو نمودم در پرتو خویش

زنده میدارم و همچنین هر که را بخواهم فرمان خویش بچنگال مرگ میسپارم و جان از کالبدش بدر میآورم.

نمرود بدینگونه جمال حقیقت بیان - ابراهیم را در خصوص انشاء حیات و بخشیدن و باز گرفتن آن در پرده منقطع و مغالطه بپوشید و دست بدامن حیل و تزویر زد و ولی آن مغرور جاهل کجا میتوانست در برابر قدرت نبوت و سهل حجت ابراهیم پایداری کند؟

قصه ابراهیم
زبان پیامبر از زبان سواب

پراگند ساخت تا مردم را از بسوی ابراهیم بر خیزد سازند و از اطرافش بپراگندند و - ابراهیم از جهت سخت گیری و آزار نمرود بسوزنوش همه مصلحان ام گرفتار گشت و کم کم عرصه بر او تنگ شد و بخت هجرت افتاد و همی دعوت خود را از آن سرزمین بپرکت که در بر این نهم تو حیدگلی بر شاخصا - رش نشکفت و باز گرداند و قوم را در محیط استحفا و عذاب پشت سر نهاد و آهنگ فلسطین کرد و ولی در مسیر خود مدتی در شهر حران توقف نمود.

ابراهیم در حران

قحطی و خشکالی فرارسید و اسعار بطور بی سابقه ای بالا رفت و کارزنده کی در شام دشوار شد. پس ابراهیم ناچار

شکست ابراهیم را که

آهنکه مصر کرد و همسر خود ساره را نیز همراه خود برد و در آن تاریخ حکومت مصری یکی از پادشاهان عرب عملی بود که روز کاری در آن سرزمین سلطنت داشتند. ساره جمالی خیره کننده داشت. پس یکی از بداندیشان در استان او زبانشی فوق العاده اثر را بشاه خریداد و او را شفته جمال ساره ساخت و بگرفتن وی ترغیب و تشویق کرد.

این بیان با هوای دل شاه موافق افتاد و برای اجرای آن منظور ابراهیم را احصار کرد و از نسبت او ساره جو باشد. ابراهیم مقصودش را دریافت و ترسید که اگر او را از حقیقت آگاه سازد قصد جاننش کند و تا مانع را از سر راه خود بردارد از اینرو ابراهیم گفت: او خواهر منست و مقصود ابراهیم خواهری دردین و زبان و انسانیت بود. شاه چنان پنداشت که ساره بدین شوهر است. پس فرمان داد

تا او را بقصر سلطنتی برند. در این هنگام ابراهیم نزد ساره رفت و داستان را با او در میان نهاد و وی را - فرمان داد که بیان و اظهاراتش را تا میسر کند و سپس او را بدست لطف و نظیر عنایت خدا سپرد.

ساره را بقصر شاه بردند و در زیباترین لباس و جواهر آراستند ولی او آن روز دور اعتنائی نکرد و در دستگاه جلال شاه را به چیزی نگرفت و فکر شوهر و عاطفه و خانواده او را در زاویه اند و متوجه نشین ساخت.

پس چون شاه بسوی او آمد و حال - حزن و تپه اش را دید و نوشید تا غم و اندوهش را تخفیف بخشد و خوف او - حشمت راستین دهد و ولی در آن حال اضطراب و آشفتگی شدیدی احساس کرد که ناچار از ساره روی برتافت و با زچون آهنگ سارم کرد دستخوش همان پرهشانی و - اضطراب خاطر گشت و از اینرو بسختی

شکست ابراهیم

از ساره بهر اسید و او از شدت پرهشانی در رستخود بیمار بود و چون بخواب رفت در عالم رویه یابر حقیقت حال واقف شد و دانست که ساره شوهر دارد و باید متعری او نشود و او را بحال بیود واگذارد و چشم بدو را ننگرد. چون شاه از خواب برخاست دانست که ساره ای جز آزاد ساختن ساره ندارد. پس هاجر را بحتوان خد - متکاری باو بخشید و او را به ابراهیم سپرد.

اسماعیل

ابراهیم با همسرش ساره و هاجر - دهه همسرش را ز بسوی فلسطین رهسپار شد و او را و مویشی فراوان خود را نیز همراه برداشت و در میان اهل و عشیره خود و جمعیت کوچکی که با او ایمان - آوردند مسکن گزید.

ساره مترون بود و از آن جهت که میدید شوهر با وفا یزد و آرزوی فرزند ی بسر میبرد غمگین میشد و روزگار ساره

بحد می رسید بود که دیگر امید فرزند آوردن نداشت. پس به ابراهیم اشاره کرد تا با کهنتر بنا جگر کنی باها و گرامسی و هروا بنبردار بود همبستر شود و تا مگر از او فرزند ی بپسود آید که شبستان زنده - گهشان را روشن سازد و سوت غم - افزای خانه ایشان را در هم شکند.

ابراهیم از روی او بسوی کرد و دیدی - نکذشت که پسری پاکیزه از هاجر ولادت یافت که او را اسماعیل نامیدند و قلب ابراهیم لبریز از شادی و خرمی و دیده اش از دیدار فرزند عزیز روشن شد و ولی آتش غم در دل ساره زبانه کشید و طوفانی سخت از حزن و تپه اش را فرار گرفت و با ز خواب و آسایش بی بهره اش ساخت و کارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل عمل و تحمل مجاورت هاجر را نداشت.

در این طوفان روحی و انقلاب نفسانی سهمگین که زنده گانی ساره را از هر سو فرا گرفته بود و جز دور ساختن اسماعیل و هاجر چاره ای نمیدید از اینرو از ابراهیم خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بدهد و در این نقطه ای از آن سرزمین ببرد که دیگر صدا و خبری از ایشان نشنود و از شکسته دیدار در امان بماند.

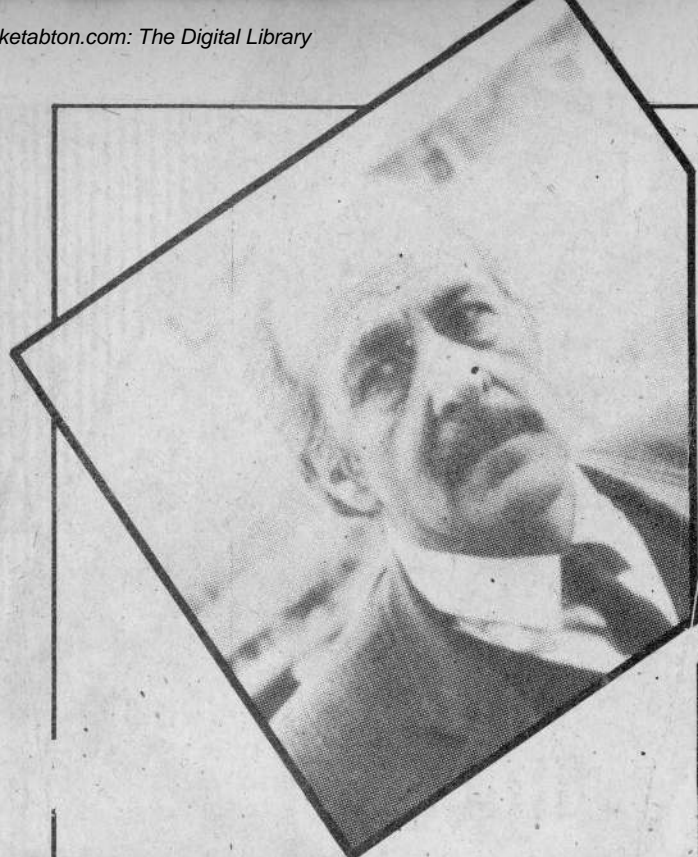
ابراهیم بفرمان الهی خواهش او را - پذیرفت و هاجر و اسماعیل را همراه خود برداشت سواره از شهر نهریون شد و ویرانه شای خدای تعالی و در پرتو عنایت او همچنان راه میپیمود تا بجای کمبسه رسید. در آنجا بفرمان الهی هاجر و - اسماعیل را فرود آورد و در آن سرزمین سی آب و علف و بحال ضعف و مسکت و با سرمایه مختصری از طعام و ظرف کوچکی از آب و ولی با قلبی لبریز از ایمان و امید واری بخدا فرود آورد و بازگشت ابراهیم آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترده آن بیابان جای داد و با آهنک بازگشتن و بدانش آویخت و غمان مرکبش را بگرفت و گفت: ای ابراهیم و بکجا میروی؟ و سارا درین بیابان سهمگین بنه میسپاری؟ هل جبر باینومله میخواست عواطف ابراهیم را تهییج کند و دلش را برقت آورد و شاید در این میان اشاره بقداقه فرزند عزیز هم کرده و او را واسطه قرار داده باشد و از بوس بر سنگی و تشنگی کشفده هزاری باشد: اکنون که مرا باین طفل بگناه در این بیابان خطرناک میگذاری چه کسی ما را از جنگال گرگها و شریاب حفظ میکند؟ و ما با کدام نیرو میتوانیم در تاثیر آفتاب سوزان و گرمای طاقت فرم ساری

این بیابان مقاومت کنیم؟ آنگاه سمل اشک را در روی ناله و تضرع خود پیش پای ابراهیم روان کرد و تا مگر بحال او - طفل عزیزتر رحمت آورد و ولی ابراهیم آنهمه تضرع و زاری را بجهت نشمرد و سا کمال قدرت و صراحت گفت: این فرمان خدای است هاجر چون این بشنید بجای خود بازگشت و در برابر اراده و حکم الهی تسلیم شد و بر حرم و لطف او تنه زد و وقت اگر اینکار بفرمان اوست پس تردید ندارم که او هرگز از خوار و زار نخواهد گذشت. ابراهیم از آن تپه سر از پشرد در حالی که از بسورت و دلواپسی گامهایش را - سنت میساخت و از دیگر سوی ایمان و طمئنان بخشد او را به پیش میراند. جای تردید نیست که ابراهیم در این لحظه از فرقی پاره جگر و فرزند یگانه اثر که بهنگام پیری مایه دلگرمی و چشم روشنتر شده بود و در آتش حسرت میسوخت و ناله های موزناک از دل بر میآورد و سلاب سرشکش روان بود. ابراهیم با چنین تاسف و تپه اش در دل خود را در آن بیابان پهلوی فرزند عزیز تر گذاشت و در حالیکه خدا را بر جایست و نهایت در پاره او میخواند بوطن بازگشت

چشمه لطمه

هاجر در برابر قضای الهی تسلیم شد و صبر جمیل پیشه ساخت و از طعام و آبی که همراه داشت صرف میکرد و تا توشه اش پایان یافت و گرسنه و تشنه ماند و هوش در دستانش بخشید و دیگر نه غذایی برای طفل خود داشت که گرسنگش را تسکین دهد و نه شربت آبی که سوز تشنگش را فرو نشاند و طفل از شدت گرسنگی و سوز تشنگی سخت بگریست و فریاد و ناله تشنگی سرداد و مادر بیخود برابر آن منظره همچون سوند بر آتش بفرار و پرهشان میبود و سهل اشش بدامن مهر پخت و آرزو میکرد که کافر میتوانست از شیر جان و خون دل و اشک چشم خود برای جگر کوفتی اثر آب و غذایی فراهم سازد و ولی هیبت

هاجر جد و جهد و کوشش بسوا کرد تا مگر از آن گرفتاری و پرهشانی راه فرار و نجات بیابد و چیزی که از همه بیشتر او را مضطرب میداشت منظره فرزند عزیزتر بود که سخت بخود می پیچید و پیش چشم مادر نزدیک جان دادن بود. از اینرو ناچار کودت را بجای خود گذاشت و سرگشته و سراسیمه و دیوانه وار بهر سو میزد و با گرچه گریه طفل و شومین فریاد تر مانند مقلاتوس او را بسوی خود میکشید و مجال در روشن باو نمیداد.

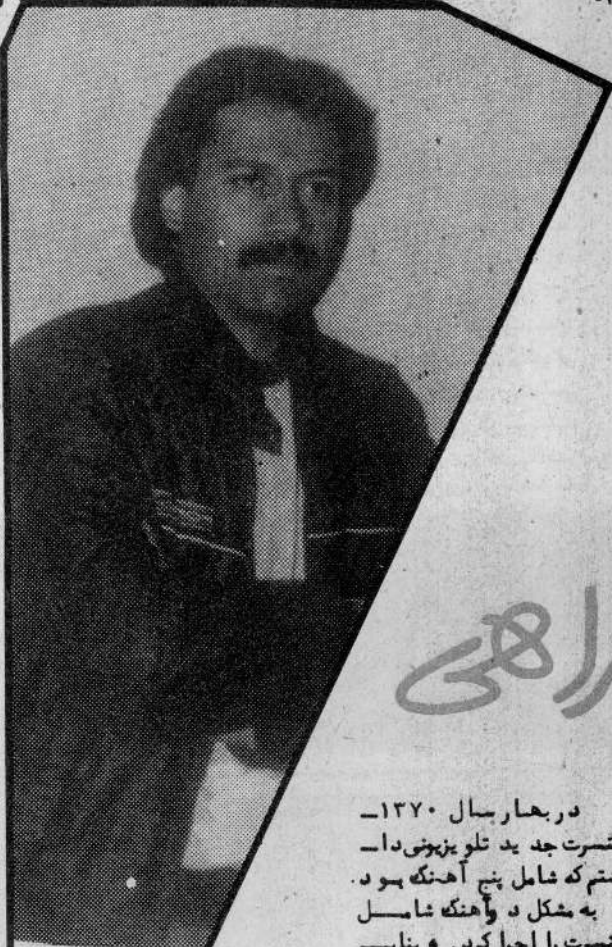


جسور: «تاریخ مادرونی»

سواى کارکرد هایم در بخش
درام های رادیویی و اجرای -
پارچه های تئلی رادیویی و
تلویزیونی - رویت برجسته ام
در اوایل بهار امسال نوشتن
سناریوی فیلم تلویزیونی «تاریخ
مادرونی» بود که تمام کردم
و عنقریب به کارگردانی عزیزالله
هدف روی سن خواهد آمد .

چرا دستگیر شدی؟

تهیه کنندگان: هاجر



راهی

در بهار سال ۱۳۲۰ -
کسرت جدید تلویزیونی را -
شتم که شامل پنج آهنگه بود
به شکل د و آهنگه شامل
کسرت را اجرا کردم و بنا بر
نمود و کمبود نوازنده گان نتوا -
نستم سه آهنگه دیگر را نسبت
نمایم . امیدوارم ریاست رادیو
تلویزیون کشور یک کمیسیون
اصلاحیت ثبت آهنگه ها بسازد
وسایل موسیقی را ایجاد نماید
تا آواز خوانان مابدون سخته گی
کارهای هنرمندان راد نیال
نمایند .



هدف

«سخن بی عمل نمیتواند»

داشته باشم که نظر به محدودیت
دیت های سفرم به تعویق
انداخته شد . کارهای کوچک
و رادیویی ام را آن قدر قابل
یاد آوری نمیدانم .

نمیخواهم برای علاقه مندان
هنرم و خواننده گان مجلسه
«سخن بی عمل» داشته باشم -
شم من در اوایل سال تصمیم
گرفتم سفری به مزارشرف



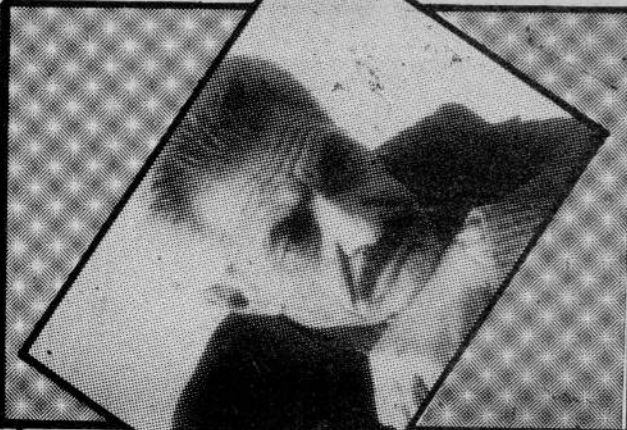
یاسمین یارول: نقشی برای «عبرت»

در طی چهارماه اول سال در
تئاتر آدک هانقش مرکزی رادا -
شتم که خوشبختانه در نقش
تئاتری در سطح کشور جایزه -
اول را گرفت ه افزون بر آن در
همین گذشته هانقش کوتا مسینا -
بی سایه به کارگردانی نصیر -
القاس به پایان رسید و به نما -
پیش گذاشته شد ه فعلا مشغول
اجرای نقشی در تئاتر تلویزی -
ونی عبرت استم .

همه استعدای:

در جریان چهارماه گذشته
مصرف بازی در فیلم سینمایی
خاکستر بودم که کار آن به این
گذشته های نزدیک به پایان
رسید و من در آن نقش مرکزی
را داشته ه همینان درین روز
ها در فیلم تلویزیونی شکوت و
تئاتر خواستگاری مشغول شوم -
تنگه و تهرین استم که به
این زودی ها به نمایش خواهند
آمد .

بازی در خاکستر



ف. فضلی؛ که دالبردی...

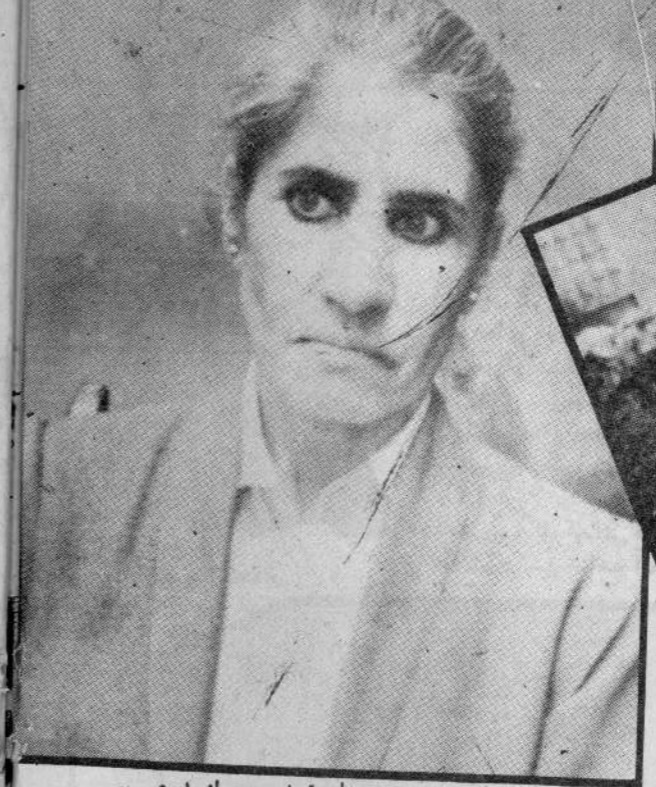
توکی بی خپله هم رول او نوم
د نوي کال او اخترونو په مناسبت
می دراديو له پاره اتم تشلیس
پارچي جوړي کړي اودغه راز په
همدغو مناسبتونو می د تلویزی-
یون له پاره هم پنځه پارچي
جوړي کړي چی په دوو کی می
پورته عم در لوره ، دغه راز
د پانوکړه تیاتر کی می هم
رون اجرا کړ او د کونکورزي او
کجره په فیلونو کی هم ښکاره
که دالبردی نو وواپاست؟

زما کار تل په ختم دول
رون دي ، راديو می درامونه
او داستانونه زړی کن اوپنجا-



مشغل شریار؛ په چی تداشته لم؟

پیرسید جقدر فعالیت -
نکرده ام ، در راديو درامها
وداستانهای دنباله دار هم
نقش داشته ام وهم زده کرده ام
در سهال دکونکورزي نقشبز
داشته ، ودر فلم خاکسپرنهیز
په رول را دت کردم ، بزنامه
ترانه جاز انتخاب را به صورت
شما چکیده کی نکرده ام ؟



په خیر...

د اخذی دینتو تشلیس
هنر تکه لو بغاري چی اوس په
سفر کی ده دراديو په درامونو
او داستانونو کی می نور ایبا-
پسته برخه اخيست ده
د پانوکړه نمایشنامی کی نیسه
وخلیده او د نوي کال او اختره
نسل کی ما وولس نوي سندري
په راديو او تلوویزیونی
پروگرامونو کی اجرا کړي
اوددغه شان مود شاه محمدا و
موند سره د خوشحال دفرهنگی
ټولنی هنري وله جوړه کړه او
لو مزی پروگرام مود گل او غزل
په ناه دینتو سندرو سینه -
والوته وړاندي کړه

د حاجی محمد کامران الوتنه

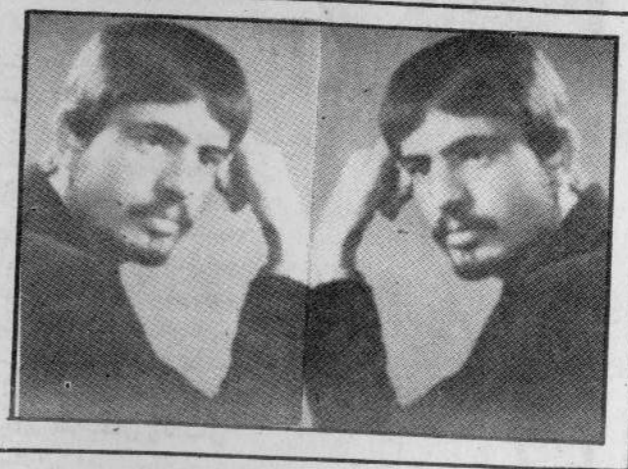


د سرواړون کار په دي
موه کی زما د (ادمکها) په تیاتر
کی وو ، دغه نمایشناهی چی په
تلویزیون کی هم نشر شو د -
افغانستان د هنر مند انواتحاد
په لخوا په جوړشوي فستیوال
کی می لومړی مقام او جایزه وکړله
د دغی نمایشنامی ، لکنه د قدیر
چرمانیښور ، اوداستادینکدله
خوا د ابرکت شوي وو ، نور خو
په نوي کال او اخترونو کی می
لندي تشلیس پارچي اجرا کړي
او وروستی کار می په انتقا دي
پارچه وو چی له همی سره ما
هم الوتنه وکړه .

آیا چی داشتید؟

دینیز محمد هیل من دی

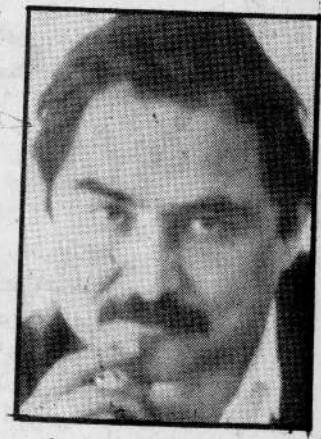
و په دیره مینه او شوق کار
کړ ، د سترې خدمت په پای ته
رسولو د موسی ریاسته را -
فلم تراوسه می په هنري برخه کی
دیر کار دی کړي ، خو تهریا
په هره مباحثه کی می یوه نوي
سندره ویلی ده ، هیل من می
د نوي ماموریت سره زمانوې
سندري عم زیاتش .



سوزال مائر نورو کلونو د سر
فعالیت وکړه ، دکال په لومړي
صها ،
د گل او غزل په پلانا مه

جوان شریار و گلزار

در طول چهار ماه اول سال
سفری داشته به کشور تاجکستان
ناظم مشترک افغانی و تاجکی
را زیر نام گلزاره کارگردانی نمایم
این فلم با پرسونل فنی سونایی
هر دو جانب رنگسینما سکوب
تهیه خواهد شد و هنرپیشه
گان هر دو کشور در آن نقش
های خواهند داشت کار فلم
پرداری و شونتکه آن به زودی
آغاز خواهد شد .





ترجمه آماسی

مصلحت

سونیا گاندی با ارسال نامه احساسات را در پیش ریاست حزب ابراز کرد.

بعد از آنکه خاکستر راجیوگاندی صدر اعظم سابق هند در ظرفهای مخصوصی جایز گردید، در نیمه ریل مخصوصی در حالیکه اعضای کمیته کار حزب کانگریس آن را بدرقه میکردند به الله آباد فرستاده شد. ریل در هر ستیشن توقف میکرد تا سوگواران آن را از نزدیک ببینند. در حقیقت سفر مذکور آغاز گردید و در همین مراسم گویا این انتخابات بود.

مگر حرف عیده برای حزب کانگریس "اندرا" همانا انتخاب رییس بود که بعد از ترور راجیوگاندی برای چندین روز حزب مذکور نتوانست کسی را در باید که جای راجیو را بگیرد و یا اینکه جبهه واحدی برای انتخاب سونیا گاندی به وجود آید. رهبران حزب کانگریس در عقب درها نشستند مصروف رزم و پیکار زمین جانشین کردن شخصی به جای راجیو گاندی بودند. چندی جا رو جنبال بعد از انشعاب سال ۱۹۹۹ در حزب مذکور به وجود نیامده بود.

یک بار دیگر یک آدم که لباس آستین کوتاه پوشیده بود و آری کی. داوان نام داشت به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونیا را به پیش کشید تا رییس حزب کانگریس شود. آقای داوان را گروهی از رفقای راجیو کمک نیز کرد. لحظه ای که آقای داوان از مرکز راجیو اطلاع یافت همه بی نمایش رابست دست خود گرفت. با ماموران حکومتی و رهبران سیاسی کهها را هماهنگ ساختند و رول خود را خوب بازی میکرد. وقتی که خانم اندرا گاندی کشته شد همین آقای داوان بود که رییس جمهور زایل سنگ را به یک اشاره فهماند که راجیو گاندی باید به جای مادرش به حیث صدراعظم انتخاب شود. به هر حال پیشین همان روز که راجیو به قتل رسید آقای داوان اشخاص چون میاتیش شرماء و جگدیش تاپتله غلام نبی آزاد و فوتیدا رو مکن لال شرماء را با هم جمع کرد. آنها فقط نیم ساعت با هم نشستند و تصمیم اتخاذ کردند که سونیا باید به عوض راجیو به مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد فوق الذکر همه همکاران شخصی راجیوگاندی در امور سیاسی بودند. مگر وقتی که کمیته کار چهارده نفری حزب کانگریس در همان روز با هم جلسه کردند و نتوانست کسی خلی ایجاد شده یا مرکز راجیو را بپرند. مگر در این میان رییس حزب کانگریس در ایالت مدیا پرادیش آقای ارجون سنگ پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت:

"حزب کانگریس سقوط خواهد کرد و کشور پارچه خواهد شد. برای آنکه هر دو آن را نجات دهیم باید سونیا در راس قرار گیرد. پس بیاید که همه از سونیا تقاضا به عمل آوریم تا مسئولیت را بپذیرد." مگر یک تعداد کمی از آنها جرئت کردند

که در برابر پیشنهاد قرار کردند و از آن جمله آقای کرشناکریم از هواداران سونیا پرسید:

"چرا در انتخاب رییس حزب عجله داشتید؟ باید که بالا ای آن مشوره کنیم و یا حتی تا به آتش سردن آن را به تصویب بیاوریم."

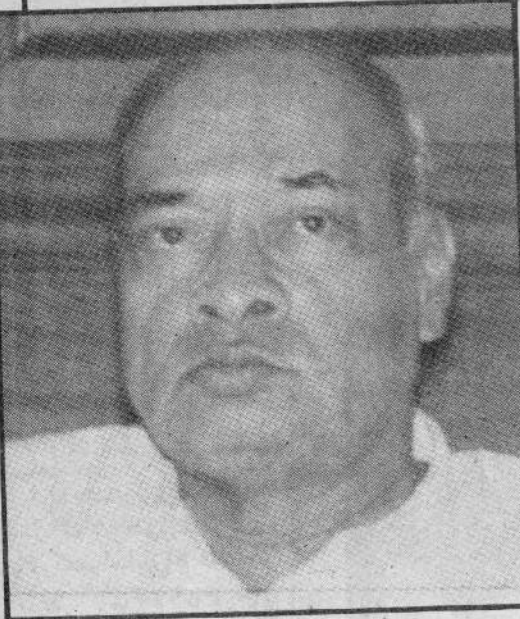
درین جریان آقای پاور اضافه کردند: "مادر مرحله دوم انتخابات قرار داریم. اگر ما رییس جدید انتخاب کنیم و گاندی بعد مابرای مقام صدارت کی خواهد بود؟ بیچاره نم در این مورد همین اکنون تصمیم بگیریم. در همین وقت آقای داوان و هند ستا نشن کوشش کردند تا مباحثه را پایان دهند؛ مگر موضوع به ناراسیمهارا و گاندی گشته شد تا خاطر نشان سازد که آقای پاور حرف خوبی زده است."

آقای پاور یگانه کسی بود که به طرف انتخابات بات میدید. او آقای راو را به عوض خانم سونیا مورد پشتیبانی قرار داد. کپا و به جایی رسید که اعضای جوان پارلمان و طرفداران راجیو گاندی در مخالفت با مفکوره انتخاب سونیا به حیث رییس و رابطه بر قرار کردند. در همه بی تلاشها حرف عیده این بود که بازنگران در جلسه کمیته کار حزب کانگریس خودشان اشتراک داشتند. مگر سر جنرال حزب کانگریس آقای بکیت بعضیها را موقع داد تا آقای تهوری صدراعظم ایالتی او تر پرادیش را نادیده بگیرند. موصوف در ساعتی که راجیو کشته شد

کمیته

تعلق گرفت

بعد از جابجایی آقای ناراسیمهارا رایه مشابه گاندی سازش سر بلند کرد.



خود را به دهن رسانیده بود. به هر حال از جلسه کمیته کار کانگریس يك چهارم واضحاً هویدا بود که آنها بی که از خود کدام بنای سیاسی ندا شتند. از سبب وفاداری به خانواده گاندی میخواستند که سلسله کماکان ادامه یابد. به همین ترتیب آنها از عملیات داوان پشتیبانی کردند.

مگر پانزده ساعت تمام بر سونیا فشار آوردند تا ریاست حزب را بپذیرد و بولسی او از پذیرش آن ایا و ریزد. همچنان دوستان نزدیک به رهبری آمیتا به چین اورا مشوریدند تا به خاطر زنده کی خود و اطفالش از درگیری در سیاست خودداری کند. از مباحثه آنها عالمی از کپها به وجود آمد.

ناید تشنه گان قدرت از سونیا به خاطر به دست آوردن رهروزی استفاده کنند و بعد از انتخابات راه سقوطش را هموار سازند.

سونیا مجبور خواهد شد تا علیه ترور رییس موفق جدی اختیار کند. از آنرو حیوات خود و اطفالش با خطر مواجه خواهد کرد.

با وصف نقش او اگر حزب در انتخابات پیروز نگردد متخیر خواهد شد.

سونیا با ارسال نامه احساساتی به رهبری حزب از پذیرش ریاست حزب ایا و ریزد که بعد از آن بخش پارلمانی حزب کانگریس به فعالیت آغاز کرد. بخش مذکور

به گونه بی عادی توسط رهبران و یا در غیبت او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط وفاداران "داوان" دعوت گردید.

در اجندا جلسه طرح تصمیم گنجانیده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سونیا حذف گردید. مگر از بخش پارلمانی حزب تقاضا به عمل آمد تا تصمیمش را اتخاذ نماید که در اثر آن از انتخاب سونیا به حیث رییس حزب کانگریس استقبال کرد. اما برای انجمن حزبی سونیا درد سر شده بود که چرا ریاست را نمی پذیرد. هنوز "عملیات داوان" به سردی نگراید. بود که کمیته کار کانگریس جلسه دیگری را تشکیل کرد. جلسه رانا-راسیمهارا سرپرستی میکرد و همه بی مکرر تر جنرالهای حزب در آن اشتراک کرده بودند. جلسه به خاطر تنظیم مقرراتی آینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کارونا کاران پیشنهاد کرد که تمام مساله رهبری حل نگردد و هیچ کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در گلو خفه کرد. بالاخره بدون آنکه کدام تصمیم اتخاذ گردد، جلسه پایان یافت.

اما رهبران بر جسته حزب کانگریس بیابن تعویق مساله خشمگین بودند. وقتی که سونیا واضحاً از پذیرش ریاست شانه خالی کرد آنها بر مساله انتخاب رهبر جدید فشار آوردند. در این

میان آقای وسنت سوپا به پشتیبانی آقای ناراسیمهارا سخن زد و از آقای د نیش سنگ تقاضا به عمل آورد که کمیته کار حزب کانگریس باید هر چه زودتر نام سرپرست ریاست را نشانی کند. بالاخره آقای شراد پاور تا پایان انتخابات از ناراسیمهارا پشتیبانی کرد. درین جریان انکشاف تحیر انگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ارجون چون سنگ نیز از ناراسیمهارا پشتیبانی کرد و آقای تهوری هم به پشتیبانی ناراسیمهارا و شانه داد. به این ترتیب آقای ناراسیمهارا به مثابه کاندید سازش سر بلند کرد. موصوف کرکتر طبیعی داوان و کسی از اوید گویی نکرد. است. این مساله نشاندهنده آن است که چرا او مورد پذیرش قرار گرفته است. به هر حال او هم بی این جا رو جنبالها یک مساله واضح گردید که رسیدن به ریاست حزب معنی در دست گرفتن همه بی قدرت را ندا رد. بسیاری از هواداران آقای تهوری فکر میکردند که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سر سخت در پارلمان تبدیل خواهد شد.

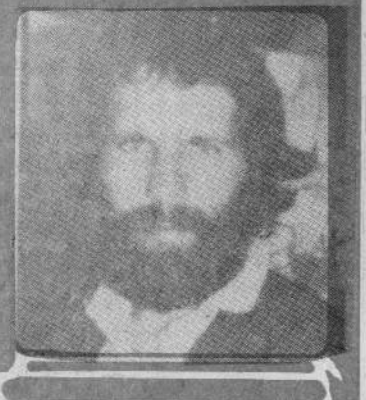
آقای پاور اظهار داشت که کمیته سراسری کانگریس هند ضرورتاً صدر اعظم باشد که این مساله یک قدم عالی به پیش است. مگر به نوبه خود یک تلاش میخواهد. مخصوصاً برای یک حزبی که از چهار دهه به این سو وابسته به پست

بقیه در صفحه (۸۵)

بیاورد • به گفته دانشمندان
 این رشته • مریض همواره از
 کمال یک دوره مکمل تسدای
 دو باره صاحب قوه دید
 دوره جوانی میگردد و در صورت
 اینکه مریض مومنی بوده و بودا
 پیش سعید شده باشد ۸۵ درصد
 موهایی آن دو باره سبب میگردد
 و قوه جسمی آن هم با حالت
 جوانی بر میگردد ۵۰
 مریض شما تا حال چقدر
 روزه گرفته ؟
 مریض من ۵ از مدت (۲۰) -
 روز یکدینسو جز آب هیچ چیزی
 نخورده است و حالام کاملا
 سر حال است
 هینو ترم چطور بالای -
 افراد تا نهر میکند ؟
 هینو ترم بالای ۸۵ درصد
 اشخاص تا نهر در هینو ترم
 ها زود تر و برخی ها دیرتر
 به خواب میخوابند مریض
 بالایی اطفال پنج الی پانزده -
 ساله زودتر از پانزده الی سی
 بیس ساله بعضی زودتر برخی
 دیرتر و اشخاص بالاتر از سی
 سی به بالا دیرتر به خواب
 میروند
 شما میدانید که انسانها به گفته
 روانشناس مشهور آریستو
 میگویند فریبند دارای دو ضمیر
 اند ضمیر خود آگاه و ضمیر
 ناخود آگاه
 در حالت عادی ضمیر آگاه
 برنده است و ضمیر ناخود آگاه (۶۵)



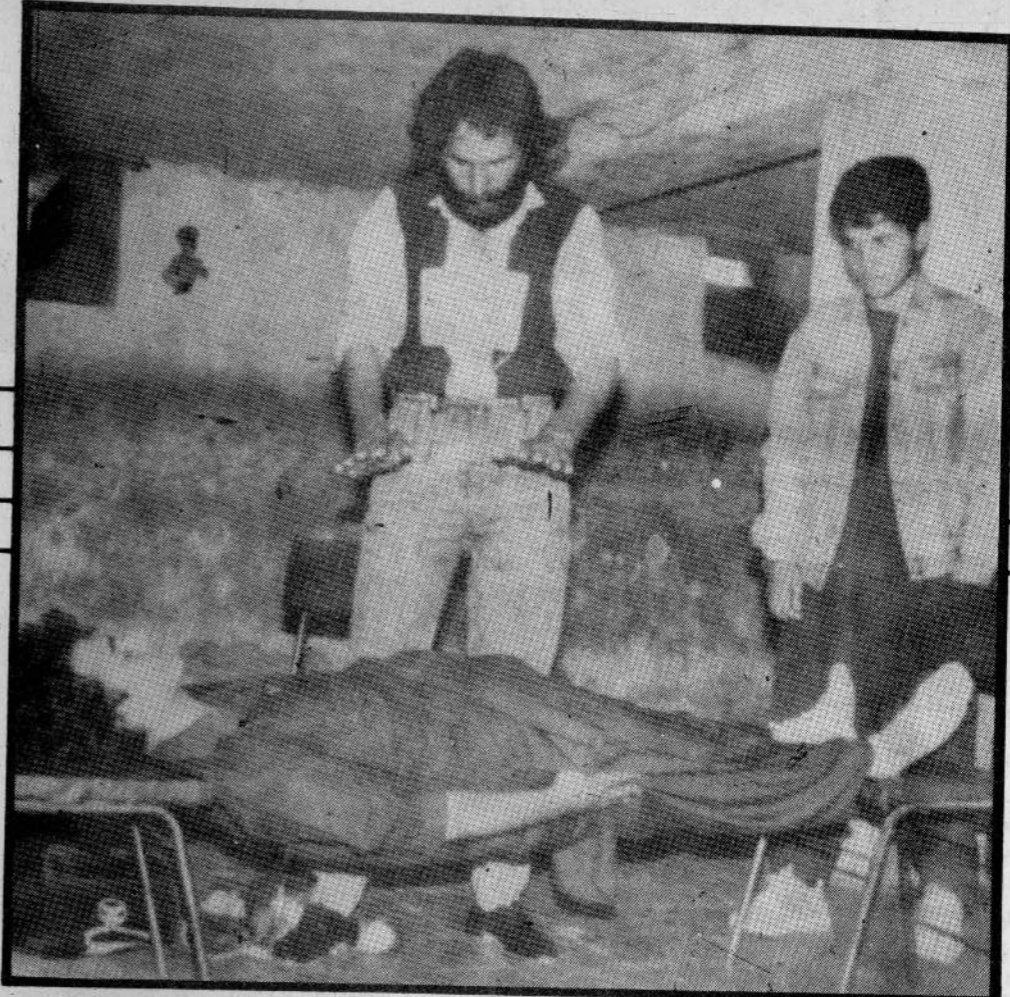
عبد الرحیم یوسفی
 با استفاده از سنو تیزم
 مریضان صعب العلاج را
 تداوی میکنند



توصیه کردن چهل روز گرسنگی
 کمال به مریض یکی از شیوه صحای
 تداوی عبد الرحیم یوسفی میباشد

دین سگرت نزد چند تن و تداوی
 یک خانم ۳۰ ساله که از مدت
 سه سال بدینسو از نفس تنگی
 شدید شکایت داشته و تداوی
 طبیب برایش مؤثر واقع نشده بود
 و همین طور نزد چند نفر
 دیگر که بیمار بودند نتایج مثبت
 تداوی کننده را بدست آورده ام
 - جالب است و لطفاً در -
 مورد این مریضتان معلومات
 بیشتر را به من بدهید -
 - این مریض که هنوز هم -
 تحت تداوی قرار دارد و فقط
 یک ماه از معالجه اش میگذرد
 نتایج بسیار قناعت بخش را به
 دست آورده است
 من این خانم را هفته یک
 بار تحت تداوی نهر خواب مقنا -
 طبیبی قرار داده و در همان
 حالت برایش هدایت میدهم
 این خانم که هر روز با خود
 دو داشت و بدین آن مسک -
 ساعت هم زنده گی کرده نی -
 توانست و حتی در هفته چند -
 بار به شفاخانه های زفت
 واکسین میگرفت فقط بعد از
 دوین تجربه تمام دواهای
 خود را قطع کرد و فعلاً هیچ
 نهای به اکسین هم ندارد
 من کاملاً اطمینان دارم که
 این خانم بعد از چند تجربه دیگر
 صد درصد شفا یاب میگردد و به
 زنده گی عادی خود دوام
 میدهد
 - شیوه تداوی و چگونگی چگونگی
 است ؟
 - من از شیوه (چار) یعنی
 (چهل روز آب و روزه) -
 استفاده می کنم
 در این شیوه مریض در مدت
 چهل شبانه روزه روزه میگیرد
 و جز از آب چیزی نمی خورد
 نه شب و نه روز
 - آیا مریض در این مدت -
 احساس گرسنگی می کند و
 انرژی خود را از دست میدهد ؟
 - احساس گرسنگی را توسط
 هینو تیزم در وجود مریض از -
 بین میبریم و انرژی را که مریض
 از زخیره گاه های عضویت مصرف
 میکند بعد از اتمام این دوره
 چند برابر آنرا دوباره بدست

توانسته ام به چنین حالتی
 دست یابم • پس بجایست
 که کاتب خوش را به چنین نام
 بسازم و در پهلوی آن افتخار
 را عاقل را بنام کشور خود ثبت
 نامم
 - آیا تنها ورزشکارانگه
 میتوانند به این نهر و مخصوصاً نهر
 ویر روانی دست یابند و پس ؟
 - نه خیر نهری هم برای
 انسان که فعلاً متذکره میسم
 در تمام افراد وجود دارد که
 استثناء در بعضی انسانها
 فعال میباشد ولی بقیه انسانها
 میتوانند آن را بصورت کمسی
 با قبول ریاضت ها در وجود
 خود فعال سازند • که ورزش
 کاتنگو بنا بر ریاضت زیادگی که
 به کار دارد این نهرها را هم
 با ن تقویت فیزیکی فعال مسا -
 زد
 - آیا شما نهری هینو تیزم را
 با استفاده از این ورزش در -
 یافته اید ؟
 - کاملاً
 - چه وقت متوجه موجودیت
 این نهر و وجود خود شدید ؟
 - دو سال قبل به تیرنات
 آن شروع نمودم
 - از آن وقت تا حال از این
 نهر در چه موازید استفاده کرده
 اید ؟
 - فعلاً از قوه مقناطیس در -
 تقویت ورزش خوی و اجسرای
 عملیه های هینو تیزم و تداوی
 مریضان استفاده میکنم
 - در مورد تداوی مریضان
 تان لطف نموده معلومات دهید
 - در تداوی مریضان من از
 روش "هینو تیزم و چسار"
 استفاده میکنم • قابل یادآور
 است که در ابتدا این شیوه
 توسط یکی از دانشمندان
 نی شوروی بنام بوری سوزنیک
 اساس گذاشته شد و بعداً یکی
 از استادان روانی ایرانی بنام
 استاد کاپوک آنرا عملی نمود
 فعلاً کتابان بدسترس
 من قرار گرفته که با آزمایش
 نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
 و قناعت بخش بدست آورده ام
 که توسط هینو تیزم در ترک نموم



مصاحبه کننده : دکتور ظاهری

عبد الرحیم یوسفی جوان ۲۹
 ساله و محصل صنف چارم بود -
 هنر طب معالجوی استغوت
 طب کابل و بنیانگذار ورزش
 کاتنگو در افغانستان اخیراً
 متوجه موجودیت نهری پنچانی
 در وجود خود گردیده و فعلاً
 بنا بر گفته مومنی و وف
 انسان در این پنج قوه در -
 نی میباشد که عبارت از :
 نهری ایمان و نهری فکر
 نهری اراده و نهری خیال
 و قوه مقناطیس است • که
 هینو تیزم جز از قوه مقناطیس
 میباشد
 او با داشتن چار خط در -
 سال ۱۳۶۲ کلب کاتنگو نوا
 را در کشور اساس گذاشت و از
 آن روز تا حال هزاران جوان
 را با تکمیل هنر و تکنیک های
 این ورزش ثقیل آشنا ساخته
 اکنون بصورت تیرن دادن -
 دو هزار تن در پنج کلب
 میباشد
 او که ورزش کاتنگو را اختراع
 ورزش اندام ساز میداند در
 تلاش است تا به مراحل عالیتر
 این ورزش دست یابد که در
 راه موفقیت های هم داشته
 است
 آنروز که با او مصاحبه داشتم
 هکیت رهبری کلب های او از
 تمام گوشه های کابل در هر
 جمع شده بودند تا برامون چند
 موضوع با هم مشوره نمایند که
 یکی از مسائل مورد بحث تقویت
 نام کلب کاتنگو " فرهنگستان"
 تن و روان افغانستان بود
 که با تأیید همه مورد قبول
 قرار گرفت و مع سولاتم را
 با این سوال آغاز کردم که :
 - چرا نام کلب تانرا "فر -
 هنگستان تن و روان" گذاشتند ؟
 - یک کاتنگو کار وقتی به مراحل
 پیشرفته تر وارد میشود نهری
 جسمی روانی او از قوی می
 گردد و قوا روانی پنج گانه
 که فوقاً متذکره میم اگر در
 وجود کسی فعال شود کار
 های غایبی المعاده انجام داده
 میتواند که خود پختانه من

سنو تیزم

در طبایف افغانی

۴۲

در ماه اسد سال روان ، مسکوشاه—
حادثه بزرگی در تاریخ بشر بود . روان
ایالات متحده و اتحاد شوروی با هم نشستند
و بعد از گفتگو های پیمان (ستارت) پیمان
کاهش سلاح استراتژیک را امضا
کردند .

در گذشته ، هنگامیکه رئیس جمهور
ایالات متحده امریکا وارد مسکو گردید
در منطقه البروج دیپلماتیک تسمیری
در محل ستاره ها به وجود آمد . آقای
رونالد ریگان سیوکه اش را از کلکتهای کر—
ملین بیرون کشید و اعلام داشت که دیگر
اتحاد شوروی را به نام (امپراتوری شیطان)
پاد نمی کند و به این ترتیب جنگ سرد
پایان یافت . مگر اکنون با رفتن جورج بو—
ش به مسکو ، تسمیراتی در موقعیت
ستاره ها به وجود نیامد . اگرچه این
نخستین سفر آقای بوشر به مسکو بود
در عوض هر دو رضایت شان را به متقابل
سهاستمداران فعال که در عمل بر مساهل
میوم با هم کار میکنند ، نشان دادند . به
هر حال ، قبل از آنکه آقای بوشر آخرین
گام سفرش را به طرف شهر کیف بردارد
آقای گریچف پیمان کاهش سلاح سترا—
تژیک را امضا کرد . بر اساس پیمان
مذکور می نماید از سلاح هسته ای تولید
شده در زرادخانه های هر دو کشور کاهش
داده میشود . آقای گریچف در مراسم
امضای پیمان مذکور اظهار داشت
که : امضای پیمان برای همه جهان
با ارزش بوده قدم بزرگی در راه خلع
سلاح خواهد بود . خداوند را شکر
گذران که ما آنرا متوقف ساختیم و به عقب
زدیم . ()

چنان می نماید که برای نخستین بار
ایر قدرتهای نظامی در صد دینقیص و کاهش
سلاح دور بود هسته ای ، که توانایی
تخریب هر دو جانب را داشت ، برآمدند ،
به هر صورت با استفاده از فرصت آقای
بوشر نیز حرفه های را اظهار داشت .
() پیمان مذکور بی انداز پیچیده
است ، مگر در مورد هدف عمده آن باید
خاطر نشان ساخت که کاهش در نیروی سترا—
تژیک هسته ای خطر جنگ را کاهش میدهد .
()
بعد در کنفرانس مطبوعاتی که تدویر گردید
ملتن از ژورنال لیستان پرسش به عمل آورد که
چرا هر دو جانب همه بی راکتهای هسته ای
رانای بود نمیکنند در تاریخ به این پرسش
چنان معلوم میشد که هر دو متفقا به یک
موضوع اشاره میکنند . هر دو تاکید کردند
که موضوع عملی نیست و نمیتوانند که زرادخانه
های شان را یکسره ببندند ؛ زیرا به نظر



نوشته ذیح الله آماسی



آنها هنوز هم ملت های وجود دارند که
دارای سلاح هسته ای اند . آقای بوشر
تکرانی بخصوصش را در مورد اسلحه
هسته ای که در دست مرتدان قرار دارد
اظهار داشت ، مگر چنان معلوم میشد
که خطر شوروی را برود شود .
به این ترتیب پیمان کاهش سلاح
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از تقاضای
مسابقه تسلیحاتی بین ایر قدرتهای نظامی
به امضا رسید . عهد نامه موخوف چهار
جوبی را بدست میدهد که بر مبنای آن امگا
نات کاهش مجدد (اسلحه) بدون ضرورت
به جستجوی راه دراز و پر مشقت ، همسر
میگردد . با اینست یادآوری کرد که کاهش
مجدد اسلحه نازلان و ضروریست ، زیرا
بر مبنای (ستارت) اگر سر و تیغ در صد
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد
شوروی ۷۰۰۰ واحد اسلحه هسته ای دور
برد و هزارها واحد اسلحه برد کوتاه در ذخا
بر خود موجود دارد و زمانی آن رانای بود
خواهد کرد که ایالات متحده به نایبودی
ذخایر خود موافقت کند .

بر علاوه کاهش اسلحه ستراتژیک
دو جانب در جهان نقشه ها شان بر مساهل
سده منطقه ای و بین المللی با هم به گفتگو
شستند .
توافق آنها بر کنفرانس صلح شرق میانه
که در روابط ایر قدرتها خیلی مهم است
امیدواریم که بیشتر را به وجود آورد . هر
دوره بر بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس
در یوگوسلاویا تاکید کردند ، مگر در مورد
افغانستان ، کمیو چها و دیگر پامل میس .
حل نشده منطقه ای ، که باری در مرکز
رقابت های آنها قرار داشت
کدام اعلامیه پیش بخش نکردند و خاموش
ماندند . در جلسه سران اظهار عقیده
گردید که واشنگتن و مسکو اکنون مساهل
مذکور را نوعی تلقی کرده ، در
حالی که مساهل مع همانا تعمیق همکاری های
دوجانبه آنهاست .

آقای بوشر در جهان سفر خود ، آخرین
گامش را به شهر کیف ، مرکز جمهوری
اوکراین اتحاد شوروی گذاشت . موخوف
در جمهوری اوکراین ملاقات های ر انجام داد
و او بهانه بی دربارمان آن جمهوری
ایراد کرد و گفت که از پشتیبانان دموکراسی
استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز
و چی در دیگر جمهوریها پشتیبانی میکند
البته پشتیبانی او بر اساس شخصیت های
بلکه بر مبنای اصول استوار است .
به هر حال دستاوردها و مشکلات آقای
بوشر در قیاسه با آقای گریچف ناچیز بود ؛
بقیه در صفحه (۸۶)

سلاح استراتژیک



د سهيلا حضرت نخلی ليک

پښتون سندرې اوډلي همۀ هنر دي چي د کليود خوښواوښاديو څخه يې سرچاپورته کړي او په نني بڼه عصر ته راوتلي ، خو اصل يې ټاټوبي يې همۀ کلسي دي چي د گورونو اولښتو وادونو او څټونو ، مښي ، بيلتون ، وطن او سراني په هکله دلته يوه سروکيگي جوړه چارمنو ، لوبو ، غونډو او تنهنوسندونه يې اوږدو ستا د داستان ، تلونو ، خوا او الجس ، نيمکو ، کتپو په ډول ويل شوي دي اوچي ترننه رسدلي بمانودغل ښکلي دنيا غورگوي شوي ، خو خپل سوچه والي يې نه دي هر کړي ، کليوالي پخپلي اولمليان د سندرې په ولس کيسې داسي لاس لري چي ته به وايي په سندرې ويلوکې بري لښک اخيست دي ، باچي کوم بود دغو پخپلو اولمليانو په منځ کي ښه وديلي نو هغه چاته يوازي په پيل کلي ، بلکه په نورو کليو کي هم د خلکو خوښ ش او د وټو او خوښو ته يې رابولي او خپلي ښادي د هغه په غزاوښو سندرې نوري هم نهاتي اوښکلي کوي .

د څو ست دچيني په کلس کي دود دنداوو ، پخپلو نجونو به په وډونو کي سندرې ويلې اوچي يې غزلې اوکله به چي بل کلي ته وډونونه تللي

نوپه يې يو کوچني هلک هم له نمانه شو بيوه دغه هلک چي دنجونو په کارکي راتنه خوده نمان بيل گانه ، هم دچيني سره مينه پيدا کړه اوږدوږدو ده هم لاس بري گونجاو ترڅو دچيني پرغزولوکي ماهر شو اوښانه به يې چمبه غزوله ، نورودي يوه موان شوي هم وواوښتولوله نمانه سره نه بيوه ، دا د دغه هلک د سر ډور يوه ماريونه له ښاره راوره او دواړه وروته به ښه شوق دهغي په زده کولو او غزلو بوخت شول ترڅو چي دواړو خپل استعداد ، ښه وازوبه اودسند رو په ويلو يې هم بيل وکړ ، دلته دود دواړو د سندرې ويلو اوچي غزلو انگاري په ټولسو نژدي اولږو کليو کي خپري شوي او په هرواړه کي د دوي گون سرور شميرل کيده ، ان تردي چي په کوي پښتون واکي هم د دوي د سندرې ليوال کسان زيات شول اول به يې دوي کسرتونونه رابلل ، دا هغه وخت وو چي کوچني هلک په گلزمان اوښتي وو او ټولو به د گلزمان سندرې دچيني اوښه آواز ته غونډه کول ، گلزمان اتلس کلن موان و و خوده دښه هنر په وجه په ورو ، زړوگران او دهغو ي زړونو ته نژدي ووه په دغو و کلتونو کي راديو اوراديو يې سندرې کليو ته هم لاره پرانست

واوډ گلزمان کليوالو او اولس غوښتل چي دي نور هم د شهرت پورې ورسوي ، اوښه هيله يې دا وه چي دده له سندرې نه نورښتانه هم خوندي راخلي او دغه غږي ملارو کوي ، بلکه ترپي له ده نه هيله وکړه چي راديو ته ورشي ، ده هم داغوښتل او زړه يې تلوه وروته درلوده ، خويلاره يې نهه پيښود ، هم له دي کليبه چي ويل به يې راديو د سري غز خرابوي اول هم داچي راديو ورته ښه نه پيښيده ، خو کله چي يې پلار سره تورو خاورو کي کښود نو ده هم نوره کلي کي گام ټنگه نه کړي شو او د پکتيا ولايت والسي ترينه هيله وکړه او روسي مکتوب يې په لاس ورکړ چي راديو ته مراجعه وکړي .

گلزمان راديو ته راغلي او امتحان ته کناست نصرالله حافظ چي هغه وخت د پښتو موسيقی مشورل وو وايي :

(ما ته يې وويل چي راسه د گلزمان په نامه نوموان په پښتو سندرې کي امتحان ورکوي کله چي زما غږ موسي ليدل چي دري وروته دي او گلزمان داسي ښايسته غزلې اوښي سندرې وايي چي د سري زړه غواړي سلغونه ورو کښي او وايي وري په دي توگه ۱۳۴۳ کال کي د (بي بي شميرني نيري کلي) سندرې دراديو ته خپرو کي بهر ته دخواست دچيني کلسي ته ولاړه او کليوالو ترې خوندي اخيست او بري بهارل يې .

بلکه يې (زانگي ليلو ، ستا په سپينه غاړه دلونکو امليونه ليلو) په همدغه کال دده لخوا په راديو کي اجرا شوه ، نورسو گلزمان يوازي دچيني کليوال نه وو ، بلکه په هرښتانه کلسي کي کليوال گوميدلي وو او د بېرولو ولايتونو څخه به خلک کاښل ته په گلزمان يسي راتلل او دي به يې وډونو ته د سندرې ويلو په خاطر بيوه .

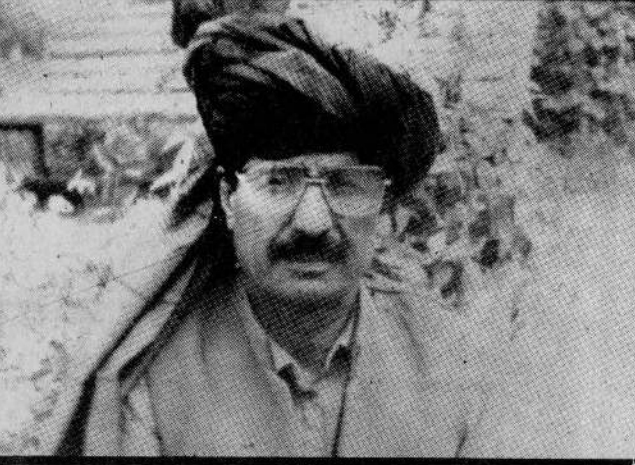
په هرکليوالي واده کلسي

به چي گلزمان سندرې ويلې نو پخپلي به له هرې کرکسي اوډروزي څخه راښتانه تر و د (غوندي مندي داتوري زلفي جوړي کره په ټدي) د سندرې ويلو کي موان وروښي .

گلزمان په دي پوهيده چي دده همدغه سندرې د خلکو خوښي نو په دي بڼه يې سندرې ويلو ته دوام ورکړه او دوه لومړني بهالمنوب وو چي د خلکو زړونو ته لاره پيدا کړي وه .

دده سره مينه نه يوازي د ده د هنر خوښوونکو درلود ، بلکه نورو سندرغاړو ته هم دده استعداد معلوم وو او دده په زيار اوکالسي ايمان درلود ، نو ځکه دده نه دا هيله هم پيل شوه چي نورو سندرغاړو ته سندرې

استعداد يوازي دمان له پاره و نه ساته بلکه نور يې هم تر ي بهر من کړل او موانو هنرمندانو دده نه داستادي هيله وکړه ، لومړي وروته يوازيس گور کښوده ، چا وروته دين محمد ، ايشان موند ، غلام محمد تر ه باغي اونورو موانانو چي يې په کوزه پښتونخوا کي شوانسو سندرغاړو ته د دشاگرد ي گوره کښوده او گلزمان په ديره مينه دري ته زده کړه پيل کړه ، گلزمان ته يوازي په افغانستان ، بلکه په هندوستان ، ايران ، بنگور ، کويه ، مغلستان او د شوروي اتحاد په اتسو جمهوريتونو کي کسرتونه اجرا کړل او چي يې څيزوله پوځ ته په تاجکستان کي د کسرت ورکولو په جهان کي تاجکسي هنرمندان دده دواړي غزلو



ته حيران شول ، بلکه دي په ديره کي په ښي لاس (بيم) آواز او په کښ لاس (نيرا) آواز پاس ، دوي سراديو حيرا . نوونکي او نه پوري وو ، په رښتيا هم چي د گلزمان دايرو هغومو چي مشهوره ده هغومو يسي ساري ، او ښکلي هم ده ، دده په شان دايرو تراوسه هېڅوک نشي غزلوي ، دي په دايرو کي خپل محلي تکورونه او محلي تنگري غزوي چي دادنه يوه اهمه ښانگه ښاده ، گلزمان سره پردي ، چي خپل محلي سازونه ، لکه ، ډهل ، ساپ پاتي په (۸۹) څخ کي

جوړي کړي ، ده دا هيله په ديري خوښي ونه استاد اولميرت يې !

خو محفل ښي ساتي نو چاونه منځ احمد ظاهر ته يې د (او) نه راسي جانانه زيا) گلزار يکسي ته يې د (راشه آشنا ستا ديدن لپاره نري سترگسي تورو ، نلسي سندرې) اولملا ناهيد ، رخشانسي ، سرمن پرون ، منگل ، غمسي ، او بيا نين شامحمد ، دين محمد هماغوږو ته يې ښکلي سندرې جوړي کړي چي شمير يې حتی ده ته هم نه دي معلوم چي په دي توگه گلزمان خپل

گلزمان د سازونو او آوازونو غوږپيژندگي



نام

شهاب
 از زلفی تنهایی خویش می آیم
 سپلند
 گردن افراخته
 رحمتراز تمامی نای ها ه از تمامی فریاد های زمین
 چه صلح ه چه دشغوار
 شهاب به تماشانشستم
 عاشقان محتاج
 در رگشاد ه تپش روزها و شبان
 حقیر و چه بسهار هعلق شاد هی از کا و چرهای پائیز
 به گدایی میروند

در تارکترین درد ها و در ریخ من

خوشید را بر هیچ آستانه ای دستی به در بیزه دراز نکرد ه ام
 آموخته ام دل به دریا ها رها کنم
 تخران دلی از من به وام گرفته است
 تا بر ماسه های گریه گریه غلطان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کوسه پیرو دند انبایش لحظه ها
 و امید سپیدش که بر روی و موی من شگرفان شده است
 و اینک ه تو ه که میخواستی با مرکه خونگی
 دگرگون کنی به فریاد نرسیده
 دلی از ذروه به زرفا افتاده است
 در تعلق جان برگد عشق
 با مضری ه که گاه گاه بنواز دش

کهنک زده ه گنج ه منک
 به عشقی نه ه که میخواستم وبه دست نمی آید
 به جانی ه که می بوسم و از دست می گریزد

لطیف پدram



دوبنموهار

راخوڙي دي جي به خ زلفي تار تار شي
 به کي چو کي و کورنه د بهار شي
 د خودي بياله به و نه عکسي به ژوند کسي
 جي دجا ترخاري ستا دوزموهار شي
 که به لاردي دونا گاهو نه کيس دي
 نا اس لاري توه زما به هم به لار شي
 دوصال به تورو مشغلي رگي نيه دي
 نه جي هسي خوک د ستا د بنو پنگار شي
 که تپور نه ده ((سمع)) بيا به خير رافلسي
 ستا که مخي به گلزار تول ((چپهارا)) شي

سمع الله سمع

د شيدو جام

باوڙل چس ستا
 د اوڙل و شنبوله اوڙل دو لارو به
 د سپور من کلي ته
 د مين اوڙده لاره وهم
 اوڙه دي خيال من
 ستا پلو لپرتي کي ته و
 چس من د هيلو مخته
 د لمر له سترگو زير پدلي ماهان
 د شهد و جام کي
 له مارا نوسره ولسو بدل
 اوڙ ما د مين لاره
 لنگره نه شوه
 لاپس اوڙ ده پيوته

۱۳۲۰ - ۲۲

کابل

کمال الدين مستان

غزل

مئي د اثناله چس اسري وينم
 خبر دي جي خوزي او که ترخي وينم
 تو د تورو زلفو مار چچلس ميم
 بلس به وجود من سري لبس وينم
 که جي به تاز سره موسکي شي مار
 نو کله کي نگو نه ناتسري وينم
 و پرشبه لاله کي د صبا پر خه
 ماويل جي ديار د صبح عولس وينم
 که به بيزا به از غوضغ شي
 نکه مي پنجه به وينو سري وينم
 پر بيزه جي به درکي شي مچون ته
 اخر خوبه سره سکر کي دلنيس وينم
 د اوصال زيري دي واحده نسبي
 تله کي چس من رنگي و زمي وينم

عبدالواحد پشان

کیتان سینما:

دنیای سینما را تغییر داد



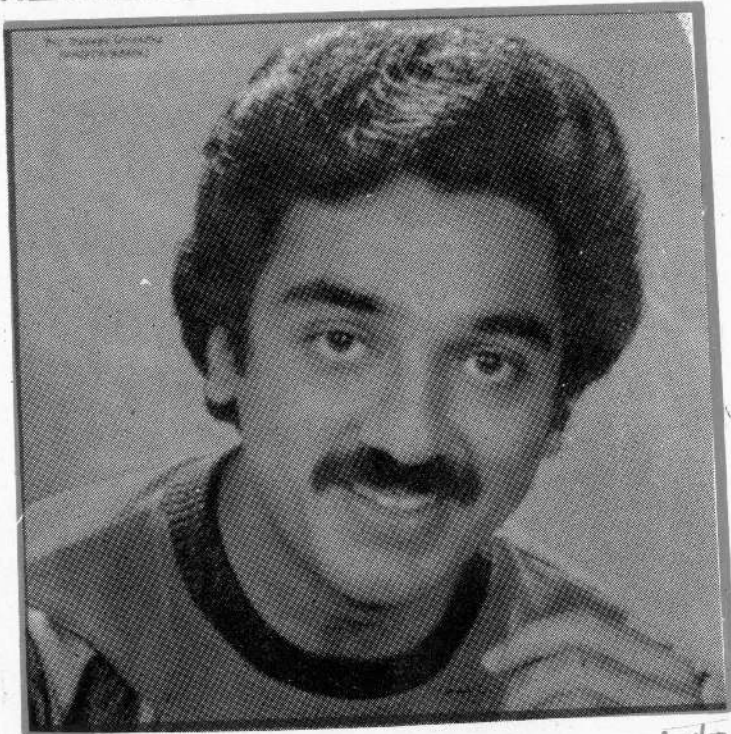
فلسفای رانشانی کرد که ژورنالستان آن را سینمای موزی تعریف کردند • در فرجیام فقط اختلافهای همین سینما با سینمای دیگر اوراکشت و نابودتر کرد • شاید کار برداژه کشتن برای اونا درست باشد ، مگر میتوان گفت که مرگی به سواغش آمد • ممکن از دیها لکتیک آن آگاهی داشت که نخواست به دفاع در برابر آن بپردازد • بانا سف که امروز سینمای مارا بیشتر ضد و نقیضها فرا گرفته است ، آنچه سینما میخواست بر آن غلبه حاصل کند •

انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز و نشیب روزگار میتوانند در کنارش باقی بمانند • وقتی که سینما از دنیا رفت چنان مینمود که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است • به مرحال مرگ او هم ما هم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت

امیدوارم آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مورد یک انسانی که از جهان چشم پوشیده و یک یاد بود شتاب زده نباشد • بیشتر از چهار سال میشود که او از دنیا رفته و ما هنوز هم عشق او را در دل داریم • توانایی را که خداوند به سینما داده بود ، باعث میشود که یادش بیشتر در خاطر ما باقی بماند • من برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت فلم پونسه او را دیدم • او به انستیتوت مذکور آمده بود تا دیپلومش را تمام کند • با دیدن او با خود گفتم که چهره سینمای دارد ، باید هر چه زود تصویرش را گرفت • کترین کمندی موجود اندک چهره بی چون سینما داشته باشند •

سینما آدم را آگاهی میدهد که در زنده گی چی چیز ممکن است و احساس را داده آن چقدر ضربه بنده است • او هم بی دوران





کمل هاسنی

سینمای ناکام هند

آنچه مراب خیرت بیشتر و امید دارد ایضت که اینجاءه کس سینمای ساخت بیسی را به باد انتقاد بیستاره میگرد از هنریشه ها گرفته تا کارگردانها موزیسین ها و تئاترگران ، اما کارها همانگونه که است ، جهان دارد . مثل اینکه آب از آب تکان نخورد به خاطر دارم چندی قبل یکی از کارگردانهای نام آور سینمای هند به من گفت : کمل توبه غرور چاق شدن مهوری و این خطر بزرگ هر لحظه ممکن است ترا از سبیل بلند هیروی شماره اول به زمین باندازد . "وقتی به حرفهای او فکر میکنم ناراحتی ام بیشتر میشود - آهانام تیل - شریک هنرمندی به خاطر پیت هیروی لاغری بودن است ؟ آیا این خودتیک کمیدی نیست ؟ مگر تاریخ هنر به جای ارزشمندها از وزن و سنگینی فیزیکی حکایه خواهد کرد ! من بانا سف میگویم که سینمای هند بهترین هنرمندان خود را به زمین شو . از دست داد : چاق شدن ! اصل شخصی نباید معیارها و دیدگاه های هنری تماشاچیان مارا تشکیل بدهد . اگر ما به سوی چنین آینده ای مهوریم ، باید از همین حالا پیشبینی کرد که از دست و آوازی به نام هنر فرستگاهها فاصله خواهیم گرفت .

(نوشته حاضر بخشی از کتاب "مباحثه" جلوانی کمل هاسنی با گزارشگر مجله ستار اندستایل و نقطه نظرهای این هنرمند درباره سینمای تجارتن هنداست)

نقدانم ، این جنون از کجا به سرم زد که سینمای جنوب را وداع گفتم ، جانب فلمستان بیسی اندم .

در سینمای جنوب پیت اصل پذیرفته شده وجود دارد ، نقدم هنر پرچم شده . در حالیکه در سینمای بیسی مساله برعکس است اینجا به چهره حق اولیت و ارجحیت داده میشود .

به عقیده من شاید یکی از دلایل شهرت موقتی داشتن همین باشد ، به خاطر اینکه نهایی چهره پتانمانت است و امانت عمر کوتاه دارد . آرایش صورت با گذشت هر روز در معرض تعدید خطر بپری قرار میگیرد ، اما هنر با گذشت روزگار به سویی جاودانه کی میروید امروز وقتی به تازم نهن فلم تجارتن (که خودم در آن نقش دارم) می اندیشم و آنرا با فلمهای جنوب خودم مقایسه میکنم ، سخت احساس ناراضی میمکن . چقدر فاصله است از کیمت و آرا تایلک دو جن کی لئی .

آن مانند گذشته نیست . سمیتا از نیمه سالهای هفتاد و تانیمه سالهای هشتاد ، زمانیکه با شهام بنگال ، گووند نهالانی ، سنجیجیت رای خودم و دیگران کار میکرد ، آراء بخشن عمده سینمای هند را به عهده داشت . با آنکه کوتاه زنده گی کرد ، مگر هم او در سینمای ما خیلی نهاد بود . گسره او را دوست میداشت و برای او گسره زنده گییش بود .

نخستین فلم من به نام بهوانی بهوانی در فضای دوستانه ساخته شد . سمیتا نصرالدین شاه ، ام پوری ، موهن گوپل و نیامین جیلانی بدون خواستن کدام پولی کار کردند . علی الرغم آن در لامله باهم یکجا بودیم ، غذا میخوردیم و چون اعضای یک خانواده باهم زنده گی میکردیم سمیتا زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رولهای که او در آن کار میکرد روحیه آزادتر داشت . مردم در فلم بهوانی بهوانی رقص او را به خاطر دارند . باری ما تلاش کردیم تا آن را دور کنیم . به این منظور شو تنگ را از سریلان ساختیم . سه روز تمام سمیتا و موهن باهم کار کردند تا آنکه آنها در قالب آزادی محلی درآمدند . وقتی که اولم بهوانی بهوانی را به تماشا نشست ، گفتم که واقعا از فلمهای بزرگ است . امروز فلم مذکور از فلمهای خوب و دست آورد بزرگی برای محسوب میشود .

بعد از آن فلم هولی را ساختیم که نصر و ام پوری رولهای کوچکی را به عهده داشتند . او نیز باید رول کوچکی را به عهده میداشت ، اما بنا بر وظایف دیگر نتوانست . در همان وقت پندار فلم هیچ وصاله به وجود آمد . او واقعا مهوریمین فلم مذکور بود . او در فلم رول زن آزادی را داشت که میتوانست کلمه "نی" را بر زبان آورد .

من نمیتوانم در مورد تمام قضایای زنده گی او تاس بگیرم ؛ زیرا که نهاد است و درین مختصر نمیتوانم مگر اجرا کارش خیلی عمده مینماید . فکر میکنم هومیکا رول ترسناکی را برایش سپرده که سمیتا خود را وقت آن ساخته است . به همین گونه از اجبارتا نام میگویم و در هنگامیکه به بازیگری خود فضا میبخشید ، خیلی دقیق معلوم میشد . و این بود سمیتا ، سمیتا که تنها در خود فروخته زنده گی نمیکرد . او همیشه میخواست که دیگران را دست دهد ، دوستی باشد و به آنها بیبوند و این یکی از دلایلی که چرا او هنوز هم در دل ما جا دارد .

خبر ما شیرین هفت رنگه محبوب
ماجک تان در کنار مقبره
احمد ظاهر هفت رنگه افتخانی

گلناره و ستاره دو هنرمند
ماجک تان که در کابل ستاره
هنری داشتند .





خود را محتاج سایه ، همبخت مجنون و -
آشفته مضمون معزنی کرده بود ، اما سیه‌دی
حقیقت زنده کی پردرخشش و فرزان‌ش شفا -
فتر از آن بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا
او بی‌وسه و خسته‌گی نشناس (به امید سیه‌ده)
گام بر میداشت و قلم میزد .



عبدالحسین توفیق شاعر ارسته ، پرک - ار
و متواضع که از لحظه لحظه زنده گمش در هنگا -
ه برداشت و برخوردار با اشیا پدیده ها -
ورونده‌های جاری محیط پیرامون رخشنده -
کی و تلالوی توفیق ورستگاری صمیمی -
سرانجام به گفته خودش ، ((بار امانت -
پنهاده بردوش)) حیات رابه منزلگاه رسا -
نهد و نقطه پایان تلاش‌های سازنده و پسر

درین دیرینه دیردیر بنیاد
زمانه داستانها میدهد باد
بیانات در یکدیگر بدانیم
که تنها ایست مرگه آن میزد



بارش را نقطه تمام گذاشت .

او یکمیرنهاد و پاک سرشتی بود از سلا -
له قلم و سخن که هفتاد و سه بار شاهد ورق
برگردانی بهار و پاییز بود .
سه سال داشت که توسط خانواده اش
به هرات باستان آورده شد ، تا در این مهد
هنر پرور و تاریخی به معرفت‌های شعرا رف
و سفرهایی به جانب سواحل رموز و کشف و
دقایق برتر دست یابد .
وی نیز که به گفته نزدیکانش روان نا -
آرام و ذهن پویشگرمی داشت ، پیه - م
در دستجو بود و به پیش میرفت .
در سفرهای به سوی سرزمین معنویت
فقط از خداوند توفیق میخواست و کلا -
الحی رایگانه و اولین چراغ رغبتی پرست
شاهراه زنده گمش میدانست .

توفیق در برتونهات و با انکاه به ترجمه
بی همانندش در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -
تحریر کشف المطالب (آیات مبارکات -
قرآن کریم) را از روی قرآن مجید چاپ
سلطانی همت نمود .

توفیق در طول عمر بیاری پراختیار و ش
دامان این خط روشن اندیشه و باور را برای
لحظه بی رها نکرد . شور پر شور عشق برد ل
باتمام قوا جلو و جلو تر رفت و چندمین
اثر دیگر بر مبنای اندیشه‌های عقیدتی
خوبش به رشته تحریر درآورد . در این
راستا میتوان از اعلی نامه ، در خط قرآن ،
الهدیر (مجموعه بی در حال جذبات
قرآن کریم که نظم گردیده) ، برگردشع قرآن
(چیده های منظوم از تفسیر مشهور
ملاحسین واعظ کاشفی هروی) کلمه اللهم
العلیا و شماری از رساله های منظوم و مشور
دیگر از جمله کتاب النور (چیده گلعلی
از گلستان قرآن کریم) را نام برد .



جام و گنجینه

برجسته‌ترین کار استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن مجید است

به گفته * دانشمند فرزانه امروزگار
مخترم نیک سیر بزرگترین و برجسته‌ترین
کار عمل استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن
مجید است که وی آنرا آئین دفتر زنده گان
نشر آرزو میکرد که چنین شد *

میردالحسن توفیق از محضر استاد
حاجی شیخ محمد طاهر قندهاری گند
به قول اکثرت، علامه * زمان خود به شمار
میرفت همواره می‌نموده و از هموزبان عربی
بیادای علم عقلی و نقلی فلسفه و حکمت را
آموخت * سپس با چنین پشتوانه، به روش علمی
و اندیشه‌ی شعری راه پیشه گرفت * و در جوانی
به انجمن ادبی هرات راه یافت * و به کار
های قلمی اش شوق بیشتر بخشید.
اشعار آزاده این شاعر آزاد اندیش
که به گفته منتقدی نبض زمان در آنجا می‌تپید
درجیده * (وطن) چاپ شده و به همه
گان قوت قلب و ایمان داد *
استاد توفیق اکثرت نبضه هایش را
در ولایت هرات به اسم مستعار * جام و گنجینه

دروازه * اتفاق اسلام چاپ می‌کرد. انگار
جام، آینه حقایق و صفت‌های جامعه -
بی بود که شاعر در آن می‌نموده جام
در سروده هایش که به شصت و چهار
هزار می‌رسد * بیشتر آینه دارم زبان بوده
است هر چند تعدادی از مضامین فلسفی
اجتماعی، عشقی و تاریخی را نیز می‌نموده *
شعری پوشانیده است عشق و جوانی
نوازی دل، گله‌های توفیق، قطرات اشک
فریادها، سایه روشن، جام، طنین‌های -
دل انگیز، آهنگ صرا، جهان ما
پندار، نقش تاریخ، جرعه‌ها، توانایی
ها، سوخته‌گان، به فرزندان من، روشن‌گران
شگفتی‌ها، هرات، اندوخته‌ها، جویبار
جای پا، آسمانی، فانوس خیالی

نجات بیشتر، سایه دیواره اسپند
به امید سپیده‌ها، بهر زار رفته گان
رملیات، جامی و دیار جامی و چندین
تای دیگر که تعداد مجموعی آن‌ها
به دویست و سی و یک می‌رسد * بخشی از
آهنگ‌های قلمی او در رشته‌های دیگر
است.
باندوی بی پایان باید گفت که این
جام هنر و ادب از سه اجل بر روی سنگر -
شده‌ای تقدیر افتاد. روح ایمن انسان
بزرگوار را شاد می‌خواهم.
سپهرین

بدون شک بارزترین و شاید هم یگانه نشانه تمهین کننده زبانی لطافت جلدی باشد. زیادهن چهره از نگاه ساختار اناتومی که با نداشتن جلد لطیف صرفاً نمیتواند برای یک لحظه دیدن (آنهم از دور) خوشایند باشد. نه برای خیره شدن و تماشا کردن و نه طرح و اداه. این بحث از در نقطه نظر متفاوت و درنگ بیشتر میخواهد:

تابستان موسمیست که به خاطر پوشیدن لباس نازک و کثرت میتوان قسمتی از جلد بدن را بدون پوشش نگه داشت. به عبارتی دیگر تابستان وقت مناسب برای نمایش جلوه های زیبایی است اما این امر در شرق و غرب از هم جداست و در کشور های شرقی هیچ آنست جلدی به جز سرطانی نهادیت کشنده است.

موی برای زنان و دختران نیست به خاطر اینکه فیصدی زیادی از مردها در برابر موی جنس مخالف به صورت نفرت آوری حساسیت نشان میدهند. در این کشورها نظر بجز موی از معیارهای عنعنیه می رفر. هنگی و پر موی از جمله بدبختی های یک زن تلقی میشود، زیرا در میان مردم پر موی با تخیلات غیر علمی مانند نقص جنسیت داشتن و نیمه مونث بودن و عقامت های احتمالی و خشونت طبع و کج خلقی و غرور و غرور توأم میباشد. حال آنکه غالباً چنین نیست.

در کشورهای دارای سطح زندگی بلند و کلتور متفاوت از شرق و پر موی زنان اصلاً پدیده قابل توجهه تنها برای جامعه بلکه جنسی برای خود زنها و دخترها میباشد.

برای برخی از مردها موی آنها جهت شو شایند و لذت بخش نیز تمریف شده است.

بیش از اینکه در باره شیوه ها و روشهای کوناگون از موی بودن پر موی سخنان فشرده می گفته شود، بهتر است بدانیم پر موی چیست و چرا گونه بدست وجود می آید.

پر موی (پایه اصطلاح علمی هر سوزن) عبارتست از موجودیت موهایی غیر طبیعی و انسانی در قسمت های غیر طبیعی بدن به ویژه در روی (استداد پایینی شقیقه ها، زنگ، پشت لب) و قسمت فوقانی اندام دو جانبه گردن، دوزن ها و دختران.

اسباب:

۱- اساسی ترین سبب پدید آمدن هر سوزن مایل به ارثیت (از جانب مادر) که بیشتر به یک نسل و یا نژاد خاص ارتباط میگیرد. دختران گندمگون و یا سبزه که دارای موهایی تیره سیاه و یا خرمایی باشند، بیشتر از دیگران به این آفت مبتلا میشوند.

۲- قرص فعالیت و پرکاری بهر از حد پید تعداد از

غذوات خاص در دوران بلوغ به طور ناگهانی همراه با تشو شات و ناپهنجا ریهای عادت ماهوار یک زن خطر برای پدید آمدن هر سوزنم بوده می تواند.

۳- شماری از آفات و امراض جلدی (به ویژه در ماتیت ها) سرعاً سبب هر سوزنم میشوند. باید گفت که یک تعداد دیگر باعث ریزش آن می شوند.

۴- تقریباً تمام امراض اندوکرین (آفات غدوات) دارای افزایش داخلی و تشو شات و تغییرات وظیفوی هورمونها مخصوصاً در زمان انقطاع طبت (پاستگی) یاد و ران پایان یافتن خصلت جنسی زنانه در سن پهن پهنه است. هر سوزنم میگرد.

۵- امراض نفو پلاستیک توموری و آفات همیشه نیز مستقیم و یا غیر مستقیم (از طریق سر-سم زدن تعداد هورمونی هر سوزن را باری آورند.

۶- امراض کمستیک مانند سوست های تخمدان، امراض غد و فون الکویه و سایر غدوات مترشحه مانند نخامیه و در قیه نیز سبب رویدن موهایی اضافی میشوند.

۷- فشارهای عصبی و میجانات و تالوف پهنه روانی، اندو پلوانی (مخصوصاً رنج بردن از پیدایش موی انسانی) نه تنها زمونه



مساعذ کنند. و برای رویدن آن فواعم تر مساعذ و پلکسه هر سوزنم رابه وجود آورد و آنرا تشدید می کنند.

۸- عوارض جانبی یک عده دواهایی که طی شورشهای منظم صورتی تعداد استعمال میشوند. دواهایی که عوارض جانبی آنها انشعاب سبب رویدن موی سوزنم عبارتند از:

- مشتقات کورتیزون فرسها بد خامله کی - دنیازون و دیلا ندامون و دیلا نتین.

۹- استعمال زیاد لوازم آرایه تیز در زنها لونا سون عسریات و رنگها آرایش بدون هدایت و مشورت داکتر ناگهانی سبب هر سوزنم شده میتواند.

سیره سال ازین سرکن هر سوزنم در دم او مرصوف

تستیم عین آن میباشد و با ازین رهن سبب اصلی پهنان از پهنه آن جلوگیری نمود. اما در سایر موهایی اضافی موی موشود عوارض مختلف زین نشا کتون نشا خوب داده اند.

الف- سپید سازی:

سپید سازی اصطلاح پذیرفته شده برای صورت ساختن موی زین جلد است که بهتر بود آنرا زرد نارنجی ساختن مینامند. زیرا با استفاده از زینها بدون تلفات و سهولت میتوان تنها هر سوزنم را ازین برد. نه خود موی را از آنجا بیهوده میخورند. مخصوصاً سپید سازی در بیماری از زنها و دختران درجات بلند حساسیت (خارش و پندیده و سوزش شدن و گندیدن و تشو شات و ریا

من آورد. لذا درست تر آنست که پیش از استعمال اول در سطحی به اندازه یک حکمیکار آز موده شود.

دوای تهیه شده را با لای یک ناحیه کوچک بدن تطبیق نموده و برای پوست دقیقه انتعار بکنید. در صورت نداشتن عکس العمل پیشگفته میتوان از آن وسیعاً استفاده نمود. اما یاد داشت های زیرین باید به خاطر سپرده شوند:

۱- استعمال مداوم ادویه سپید سازی برای جلد ناحیه آسیب مبرساند.

۲- بهتر است دواها به فواصل حد اقل شتر روز استعمال شوند.

۳- مایعات سپید سازی مشر تراز بودرها و یا کریم های آنست و آنرا میتوان در خانه نیز تهیه نمود. به هر حال در حدود شش تا هشت گرم صابون ورقه ورقه تراز شده را در پوست می سی خایند و چون پهن اوکساید حل نموده بالای آن نخست سه قطره امونیا و پس از دو دقیقه دو قطره کلیرین علاوه نماید. مواد فون را تا نیمه به سم آمونیه و برای (۲۰) دقیقه انتظار رسید. ترکیب ناصله برای استفاده مناسب است.

۴- پس از استعمال دوا هر رات تا موهایی مورد تشو شات با کریم ریز (مردانه) نامیوس. سفید اسف. محلولات معتدل سستشو و مزاج سازنده نرم ساخته شوند.

ب- تراشیدن:

تراشیدن سریعتر و آسانترین شیوه دفع هر سوزن است. اما نتیجه آن موقت است. زیرا پیاز آن سالم میباشد. اما اینکه موی کتون تازه نه پس از تراشیدن موی ریزد. قوی تر و خشن تر میباشد. حقیقت ندارد. البته تراشیدن لطافت جلد را از بین میبرد. مراعات نکات آتی در این شیوه لازم است:

۱- هرگز نباید موی را خشن تراشیده شوند. زیرا آفات

جلدی و خیمه را بر می آورد.

۲- نباید موهایی را که سست و مهلان رویشان تراشید. (مثلاً از پایین به سوی شقیقه) جهت تراشیدن باید مطابق موازق مهلان رویدن موی باشد.

۳- در دقیقه قبل از تراشیدن موی را با کریم های مرطوب سازنده ملایم ساخته و پس از پنج دقیقه نخست ناحیه را با شامپوی خفیفه اطفال شسته و موی را ترنگه دارند.

۴- حساسیت جلدی در مقابل تیغ فزی همواره سست تر باشد. وجلد حساس نه باید از آن استفاده کنند. هر استفاده از تیغ فزی شایع ترین موی بدون هدایت داکتر قطعاً مجاز نیست.

ج- بریدن:

شدن موی سهله موی نیست. موی در ناحیه کوچک موی استعمال دارد. موهایی که سست و مهلان رویشان تراشیده شوند. موی ریزد. اما این رویدن موی را باید قطعاً قطع کرد. موی ریزد. اما این رویدن موی را باید قطعاً قطع کرد.

۱- استفاده از تیغ فزی همواره سست تر باشد. وجلد حساس نه باید از آن استفاده کنند. هر استفاده از تیغ فزی شایع ترین موی بدون هدایت داکتر قطعاً مجاز نیست.

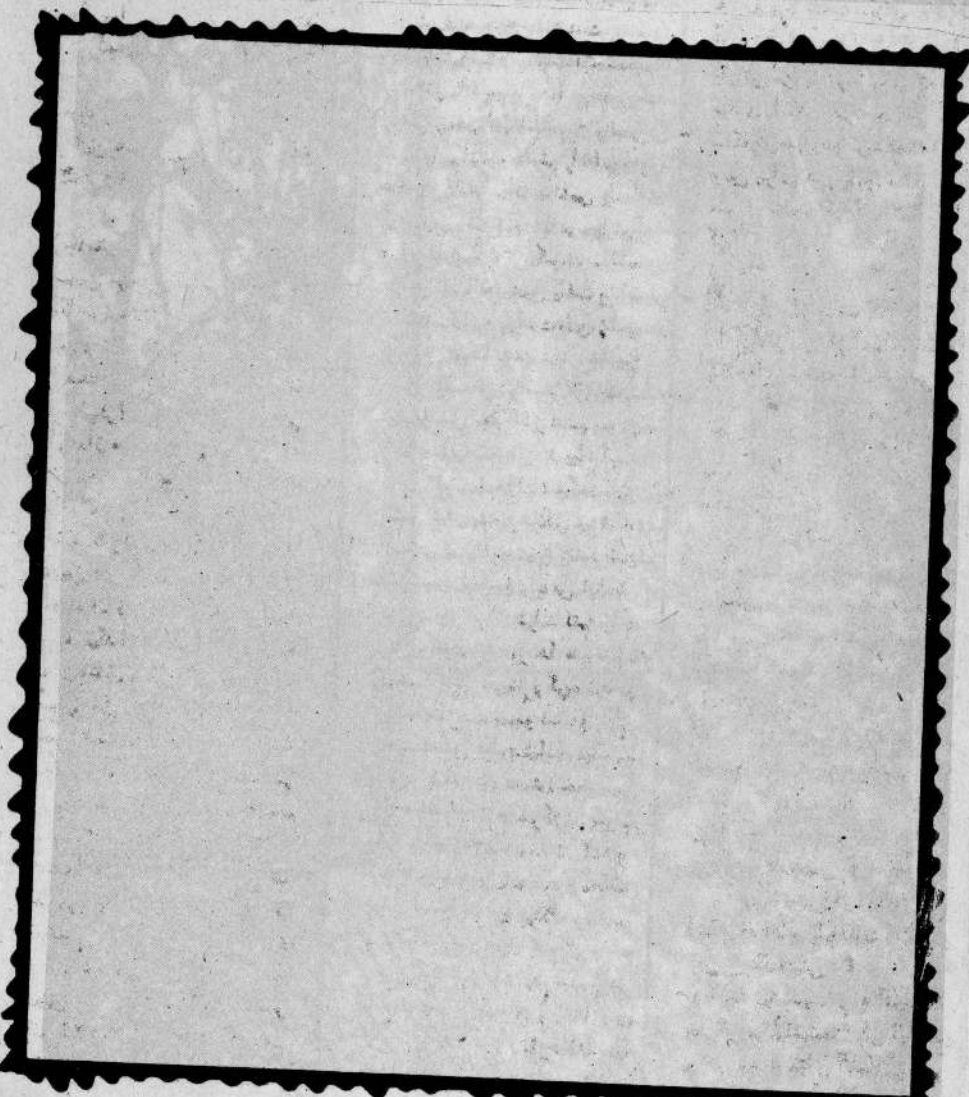
۲- موی ریزد. اما این رویدن موی را باید قطعاً قطع کرد.

۳- موی ریزد. اما این رویدن موی را باید قطعاً قطع کرد.

۴- موی ریزد. اما این رویدن موی را باید قطعاً قطع کرد.

از موی زنی که جلای کله

نوشته دکتر کورس آینه در با با کارگی
توجه! موی سر شما



میگوید: من به خاطر اعتراضی
نزد شما آمده ام. از سبب بهترین
و تلخترین لحظات زنده گیم
به شما جنایت میکنم و رازی را
برایتان فاش میسازم.
بعد انگشتان خود را در جیب
های پیراهنش نیرو میبرد. شرم
زده سویم میبندد. نگاهم در
نگاهش من نشیند. چشمها -
پیش فرزند میبندد. مانند آه
است که همه زنده گی او در
چشمهایش جمع گردیده است.
در چشمهایش درد است
خزان زنده گیت هیرسادی
آرزو هاست. در چشمهایش
قصه نوره زار هاست. رازش
مردن است و راز سوختن و -
ساختن است.
و حقیقت آنست که نمیدانم
کجا آغاز کند. شاید هم دارد که
مبادا نام او را بر زمین مجله
بنویسم و یا شاید هم ندارد.
وقت میگذرد و من قلم به دست
چشم به دهانش دوخته ام.
اندکی در جایش جا به جا
میشود. و بعد میگوید: بگذشته
من هر لحظه مانند قلم سینه
از مقابل چشمهایم میگذرد و سرا
به سختی می آزارد. درین قلم
دختری را می بینم که همه سر -
ماهی صفت و شرافت خود را به
پادشاه داده است.
دختری که فقط فاصله بین
خانه و مکتب را میدانست. به
خانواده اش انس داشت.

هستنی هایش را دوست
داشت و استادش را احترام
میکرد. بگذرد از این فلسف
لمنتی که هر لحظه از مقابل
چشمهایم میگذرد و زجرم مید -
هد. برایتان بگویم. آن را بنویس -
بمسجد تادرس باشد برای -
دختران جوانی که چشم و گوش
بسته به منجلا بیدنامی سرو
موروند. لطفه به خط درشت
به همه مادرها بنویسد که
مراقب جگر گوشه هایشان باشند
و نگذارند دختران معصوم
شان به سر نوشت من مبتلا
شوند.
ببینید حال من چه استم یک
درس عبرت. یک لکه تنگه یک
زهر تلخ. من یک زخم همک
زخم ناسور. من هر لحظه رنج
مهرم دردم میکشم. رنجی
که نمیتوان آن را انداز گرفت.
درد من تقسیم کردنی نیست
اما گفتمی است.
من در اگر دستف ۱۱ یکی از
لیسه ها بودم. در اگر خوب
و لایق صنف خود بودم. با و ر
کمند خیلی خوشبخت بودم.
خانواده ما یک خانواده نمونه
بود. آینده ام را از در چینه
خوشبختی نظاره میکردم. همین
داشتم که گل سعادت و خود
شبختی در زنده گیم میشکند.
آن وقت همه وجودم بهار میشد.
براز شکوفه میشد مانند هر

دختر جوان از روی رفتن به
خانه بخت را داشت و لب
اقنوس که دستهای گل خوش
شبختی ام را بر پر کرد. خانه
بختم ویران شد. دستهایم
بهار و خزان کرد. امسک
در رگهایم مرد و من امروز یک
کشتزار سوخته ام. یک زمین
نور زده.
این همه یک سال قبل اتفاق
افتاد. استادان حاله را پیش
رو داشتیم و - ال تعلیمی به
فرجامش نزدیک میشد. ماری
صمیم ترین دوست من بود.
ما گاهی به خانه همدیگر میر -
فتیم و در درسها همدیگر
را کمک میکردیم. آن روز که
فرمایشاتحان الجبر داشتیم
ماری از من خواست تا به خانه
اش بروم پذیرفتم. خوب به
پادشاه بودم. ما یکی دو ساعت
الجبر کار کردیم. در خلال
همین دو ساعت ماری هر
لحظه اتاق را ترک میکرد و سرا
تنها میگذاشت. بار آخر که
ماری اتاق را ترک کرد و من
سرگرم حل معادله می بودم.
کسی هسته ادهسته از عقب
به من نزدیک شد تا خواستم
روم را به آن سو دور بدهم
دفعته. دستان قوی و نیرو -
مندی که بدون شک دستهای
یک مرد بود پادشاهی بینی و
دهنم را محکم گرفت. بیوی
تندی شبیه بوی درای خشک
بینی و دهنم را پر کرد. هر
قدر تلاش کردم نتوانستم خودم
را نجات بدهم. بعد از یک
کشکش خسته کننده تصور
کردم تم سبک میشود و من در
بحری فرق می شوم. معلوم
نیست چه مدتی بین نیمه بس
هوش قرار داشته اما در تمام
این مدت حس میکردم جسم
سنگینی مرا در خود میفشارد و
بوم تم در قالب دستهای -
کسی شکل میگیرد. کسی با
درنده خوبی تن صحت مرا
در بازویان خود میفشرد. وقتی
به هوش آمدم در یافتم که کسی
و یا کسانی به من تجاوز کرده
اند. ماری را ندیدم. با
آبروی بر باد رفته و چشمهای

اشکیبارا و تن لرزان راه خانه
را در پیش گرفتم. همین که
وارد اتاق خود گردیدم و درس
را بهانه قرار داده دروازه را
ببرم بستم. همه وجودم میسو -
خت مشقیقه هالم از شدت درد
شهر میکشد. نمیدانستم
چه کنم؟ به یاد ندا رف که چه
کردم چقدر گریه کردم. و لسی
گریه نمیتوانست آشتی را خاموش
کند. بلکه سیاه بدنای را از
دامن من بپوشید. دقیقه هفت
از پی دقیقه ها میگذاشتند
اما زمان پایان نمی یافت و شب
به صبح نمی پیوست. آن شب
نا قوس بدنایم در گوش هایم
صدای برداشت. از آن شب
شکجه روح من آغاز شد و من
زندانی زندان بی دیوار گرد -
دیدم از آن روز زنده گی من
ملو از رنگها و بی رنگی هافند
و من ساهی و زشتی زنده گی
را لمس کردم. در باقی اطفال -
نات نتوانستم اشتراک کنم. به
بهانه مریضی روزها دروازه
اتاق را بروم بستم و گریه کردم
از یک سال بدینوشب و روزم
در یک کابوس وحشتناک میگذاشت.
رد ماری آن مار خوش خط و
خال را دیگر هم هرگز ندیدم.
نمیدانم چه تعداد دختر کاش
معصوم را به بهانه حل معا -
دلات الجبری به پرتگاه بد -
نامی افکنده باشد؟
چندین بار خواستم بخوابم
کف می گم ولی یک فکر و یک اند -
یشه مرا ازین عمل باز داشت.
تکر انتقام از دوستی که در حق
خوشبختی و سعادت من بود
دوستی که راه نشاط را بر من
بست و خنده را بر لبهایم -
خشکاند. انتقام از مردی که
هرگز چهره اش را به خاطر
ندا رف. تم ملو از نفرت است.
همینکه به بستر مهرم تصور میکنم
قبری پیش چشمهایم در من باز
کرده است. خواستگارها همه
وقت به خانه ما می آیند و لسی
جواب من همیشه منفی است.
ببچاره مادرم چه زن خس -
بوست ز یاد میکوشد از من
جواب مثبت بپسندد ولی چه گونه
میتوانم بگویم: ماد را دخترت

نمیتواند به خانه بخت برود.
به عوض پیراهن سپید عروس
اورا کفن بپوشان زیرا که بخت
دخترت را از دست داده اند حالا از
هر چه مرد است بهزارم. از همه
آن ها نفرت دارم. دنسای
جوانی من با دستهای کتشف
مردی مانند ظرف چینی بروی
سنگش هوا و هوای شکسته است
و من برای هر پارچه آن تسا
سرحد خسته گی گریه ام.
گریه دخترت را مجال صحبت
کردن نمیدهد. کلوش پسر
میشود. از چشمهای زیبایت
که در نظر من از آسمان خدا
پاکتر اند قطرات اشک چون -
دانه های مروارید من هم بر
رخساره های رنگینیده اثر فرو
مهریزند. یک لحظه تصور میکنم
بزرگترین بحره ناپیش روی هم
سریزه کرده است.
دخترت اشکهایش را با
بخت دست پاک میکند و میگوید
"بین حال من یک آدم تنها
استم. آدم تنها بازنده کسی
تبی و برج. با آینده نا
معلوم. برای مادرها بنویس
و بگو که شما را به خدا متوجه
دختران تان باشدید. به آنها
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه
دوست و همسفری راند همد.
من پرسم وقتی آن حادثه
اتفاق افتاد چه را والدینت را در
جریان نگذاشتی؟
از آنها میترسیدم. آنها
حقا. مرا میکشند. ولی ایگاش
میگفتند ما داستان آنها از رنج
مرگ تدبیر میسازیم.
بعد میخواهد برود با اجبار
قدم بر میدارد. من از عقب او
را مینگرم که لرزان من تمام دل
آهسته آهسته چون سایه
بی از روی زمین برچیده میشود
و لحظی بعد چون ستاره ای
که افق زنده گیش را کمر کرده بسای
شد ناپدید میگردد.
حالا که این سطور را می نویسم
چهره معصوم و چشمهای گریه
آورد او پیش نظر من می آید و شاید
تا در پرها تا شنیدن من راز دیگر
و تا نوشتن یک کشتزار سوخته -
دیگر نقش خاطر می باشد.

اخبار

شماره ششم

مردی به اتهام قتل محاصمه
موشده قاضی رویه مرد کرده
گفت:
شما چرا آن زن را ازبام اند-
اختید ؟
مرد گفت:
به خدا سوگند است که از
پشت سرمش خشویم معلوم
میشد .

عذر بابت از گناه

آواز خوان بد آوازی که
در یک پروگرام تلویزیونی
کسرت داد و بعد از آنکه
برنامه اش را اجرا کرد و از-
تلویزیون بیرون آمد عده ای
از مردم را دید که با چوب
و چاق در جلو دروازه خر-
وچی ایستاده اند و حالت
تهدید آمیز دارند .
آواز خوان با ناراحتی گفت:
" انشاء الله از بابت اینکه
صدای من خوشتان نمانده
باین کاری خونه خواهید
داشت !"
یکی از آن ها گفت : " نه
ما با آن کسی کار داریم که
ترا به تلویزیون آورده !"

تصرف با بیستگال

بایسکل يك قاطر آهنگس
است که د و پادارد چون جو
نمیخورد از آنرو خیلی لاسر
است بوسیله گوشه اش هدایت
میشود قبحین لازم نیست باید
در شکمش لگد زد تا تیز تیز
برود و برای ایستادن گوشش
را محکم باید گرفت .

د فتر تبلیغاتی ریاست بی-
نظمی خبر میدهد که ترافیک
یکی از جاده هاد رفته کنترل
به خواب عمیقی فرو رفته که در
اثر این خواب ه چادری خا-
نیس راتند باد موثرهای تیز-
رفزار که آخرین درجه سرعت
را گرفته بودند به فضای لختنا-
هی پرانند به نقطه نا -
معلوس برده است .
خبر -
اعا فه میکند . ترافیک هم -
چنان مصروف دهن خوابهای
شهرین بود .
تحقیق و بررسی خاص کجا -
دری اثر را از دست داده قرار
دارد .

امروز شاگردان و دانش
آموزان مکاتب ولیسه هسا
نخستین دور امتحانات شان
را در فضای کاملاً دموکراسی
پانقل های طوماری و تاپیزی
آغاز کردند .
خبرنگار ریاست بی نظمی گزارش
میدهد که در جهان امتحا-
نات معلمین و مفتشین حاضر
بوده باین که حضورشان لریزه
بر اقدام امتحان دهنده گان
انداخته بود . بآن هم بسا
ملاحظه نقل های نقل و ریزان
صمیمانه تیرخود را میآوردند ه
خبررما افزاید ه یکی از اعضای
مفتشین ه اعتماد شاگردان
را در زمین تهیه و تدارک تاپیزها
به سایر های مختلف ه عالی
دانسته ه آینده ه بسیاری
حتی در سطح تحصیلات عالی
برایشان پیش بینی نمود .
گزارش علاوه میکند ه سهم وا-
سطه داران نیز چون مثال
های گذشته ه درین دور -
امتحانات قناعت بخش بوده
است .

پروترکول دوستی همکاری
دو جانبه بعد از نصف دشب
میان ترافیک و تکسیران یکی از
محلات مزد حم شهرد رضای
آرامی که گاهگاه باصفای لیل
آبی خند ق وسط سرك مختل
بقیه در صفحه (۸۱)

خواب پریشان

آدم که بیچاره ماند چه
افکاری نیست که به گله اثر -
خطر نمیدند من و فقیرجان
و بد پر عهدل و سرمعلم قس
همان طوری که یکجا مکتب ران
پایان رسانندیم و همزمان وارد
مشاغل دولتی شدیم به فاصله
کسی ه از حد پکر تقاعد کردیم
معمولاً باهم جمع میشویم و یک
مین زیم و همه میشم خاطرات
و ماجرا های زنده کی را به یاد
مین آوریم و از دوستان بخفور
و مرحوم خود یاد آوری میزنیم
فقیرجان که از بانی ما مورد ولست
بوده و در پست های مختلف کار
کرده و چند بار به خارج هم -
مفر کرده است همیشه یک کپ را
سرمیزبان داشت مرتب شایه است
میکرد ه که:
چرا ما انجمن های -
حیاطی نداریم . شلای چرا -
انجمن متقاعدین نداریم انجمن
حایه حضرات نداریم انجمن
چی و چی نداریم .
فقیرجان که به قول خود در
در باره حیوانات بسیار مطالعه
کرده است بیشتر درباره حیوان-
شماره حرف میزد .



دختر ترشندی با یک
مرد فقیر و نادار ازدواج نموده
روزی به شوهرگفت:
مودانی عزیزم از جمله چمیزی
که من در خانه داشتم یکی هم
شادی بود که خیلی خوشم -
میآید ه مردگفت:
حالا هم اگر دلت میخواهد -
برای شادی میخرم !
زن گفت:
نه عزیزم ه حالا که ترا دارم
چه چیزی دارم توکه بامنی فکر
میکنم شادی ام در پهلوی
من است .

بقیه در صفحه (۷۲)

خواب پریشان

آدم که بیچاره ماند چه
افکاری نیست که به گله اثر -
خطر نمیدند من و فقیرجان
و بد پر عهدل و سرمعلم قس
همان طوری که یکجا مکتب ران
پایان رسانندیم و همزمان وارد
مشاغل دولتی شدیم به فاصله
کسی ه از حد پکر تقاعد کردیم
معمولاً باهم جمع میشویم و یک
مین زیم و همه میشم خاطرات
و ماجرا های زنده کی را به یاد
مین آوریم و از دوستان بخفور
و مرحوم خود یاد آوری میزنیم
فقیرجان که از بانی ما مورد ولست
بوده و در پست های مختلف کار
کرده و چند بار به خارج هم -
مفر کرده است همیشه یک کپ را
سرمیزبان داشت مرتب شایه است
میکرد ه که:
چرا ما انجمن های -
حیاطی نداریم . شلای چرا -
انجمن متقاعدین نداریم انجمن
حایه حضرات نداریم انجمن
چی و چی نداریم .
فقیرجان که به قول خود در
در باره حیوانات بسیار مطالعه
کرده است بیشتر درباره حیوان-
شماره حرف میزد .



بقیه در صفحه (۷۲)

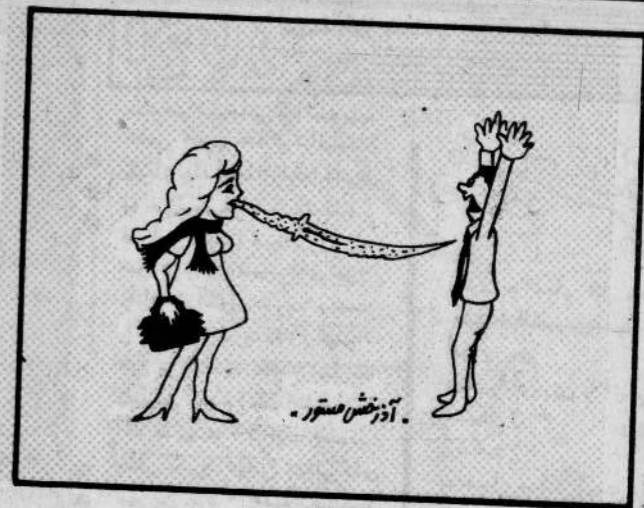


کرده پرسید:
ملاچی میخوشی چرا -
رسمان را به کسرت بستای?
ملاگت: میخواهم خود نکسی
نمایم!
شخص پرسنده گفت:
اگر مهل خود کسری داری بیا
رسمان را به گردنت آویزان
کنی نه در کسرت!
ملاگت ه خو ه چند رهوشمار
استی ه بیشتر در گردن خود
بسته کرد ه بودم قریب بود که
بمیرم .
ارسالی دمانا ارشاد خند -
ان متعلم لیس ه خدیجه
جوزجانی .



فرید شاکرد یکی از مکاتب
واقع در یکی از قصبات دور
افتاده یکروز آمد پیش معلمش
و به او گفت:
پدرم گفته است تا از شما
بپرسم آیا خروس را دوست
دارین ؟
معلم پاسخ داد: البته
پسر جان ه خیلی زیاد خو-
شم میآید ه مگر چه باید کرد؟

بقیه در صفحه (۷۲)



کالیزه

زور په کلي کی چاکلېزه
 باساکره نه پخوانده هخچس
 کله مور بارته کده راوکره نو
 دغه لو به موم په کور را ننوته
 ورم کال می نیکه چس عمر چس
 په نوی کلو نوښه اړولې او د
 آزادی په جگړه کی یې لاس پورته
 په چه تاوول د کاوندی په
 کورکی دده دو پروکې زوی کا
 لیزی ته تللی و کله چی کورته
 راغی نووا رمی زما پلارته منځ
 وړ وای اوه
 بچو! په رشتیا چی مور
 خوشی عمر تره کره نه موخپله کا
 لیزه زموه اونه هم د ژوند په
 خوند پوه شو
 پلار می له واره خواب ورکره
 باباجانه هته زره
 خوره په نیت کی می ده چی
 ستاد کورس کالیزه ونس
 نیکه می د پلار خیره په
 خوله کی ورزیده کوه
 ته دکور سوغمه کوه
 اوس زمانه دکور سوده ه کا
 و تر شونډ لاندی موسکی شواو
 زما مورته یې لسانانه په دک نظر
 ورکستل ه نیکه چی مورس دوه
 درې ورځی دسخه تانه ورکری
 وه او ورته یلی یی وو چی [سپین
 زهر په ه بودا
 دنیکه لمدی خبری سره
 می پلار مجبور شو چی بله ورځ
 دکور په چت پوری رنگه کاغذ و نه

می اناد کالیزی په کوه کی پنځا
 شمسی و تو مېلی اوتیرتال می له
 پلار سره دکالیزی شوو پید ا
 شو پلار می دکوه له پاسه
 پنځه دیرتر شمسی ولگولی اوبغا
 می مری کری ه مورس دکالیزی
 په ورځ له یوی حیوانی پنځلس
 کلنی پینلی خنجه هم زیاته سره
 او سپینه پرقیده ه خنجه چس
 پنځه ویشت کلنی یی ثابت شوه
 او هغه په دی چی خان زمانه
 پلار خنجه لس کاله کشر بولی
 خو تر توله په زړه پوری د ا د ه
 چی همدا سز کال خوور ځس
 د مخه مور راته وویل
 "زیبه [ستا په کالیزه کس
 به کله و خاند و"
 له دی خبری سره یومشبه
 په چرت کی شوم ه خنجه چس
 د مور کشر زوی وم که خه هم
 دتذ لری له مخی خلور دسر تر
 کلن می ه خود عمر پتو لو پمیر
 خه کی می دخپلی کورس
 د رواغو پتو لو په خاطر مور ته
 وویل
 مور جانی [زه تراوسه
 پوری لا زینهدلی نه می هکله چی
 وزینهدم بهاد کالیزی خبره کوه
 مور می له خنده راته وویل
 "وی بچمه [داته ځس وایس
 نن سهاد لسوخاوند کسبری
 او بهاد خبره کوی"
 زه لبر موسکی شوم او خواب می
 ورکره
 ښه وایم ه که ته رشتیا هم
 پنځه ویشت کلن می ه نوداس
 یی پوه له چی زه لاتراوسه نه
 می زیریدلی
 مور می چی خپلی اشتهاه
 ته متوجه شوی وه له خا په
 پاخیده او یوازی دو مری وویل
 "رشتیا می زمانه خرابه شوی
 دده ه که نو زوی خنجه مور ته
 دا خبره کوی"

نوی ستوری

وایس چی "بهره زما وایا
 یی د ملا ه خوزما په زهره کور
 د واک خبره له دی هم پسر
 ور تیره ده ه په کورکی د ماش
 مانو له مورخه نیولی بهاد د
 تر تا پیستی پوری تسبول زساد
 بهری واکداران دی
 کوه ورځ چی بهره ونه خره
 اود فتر ته لار هم ونه پید
 د متر همکاران راغنی مخ اړ و
 او یاهم نڅ په نڅه راته وایس
 چی ولی دی بهره رسد لس
 دی



په کورکی هم د ماشومانو د
 مور له لاسه پرتاویج را بانندی
 توره شهید ده ه هر سهار چس
 دهند اری ترنخ د بهری خربلو
 لپاره د بهرن ه نو په تر
 تند ی اوله گوا ښ نه دک غز راته
 وایس
 بهاد چاله پاره بهره خبری
 ضرور له بل چاسره تارغزو لس
 یی ه که دغه ماشین می در
 ځنی په لنگری کی ونه تکاوه ه
 دیوگلی لور به نه می
 که سپینه یی وایم اوله تا
 سوچی پته نه لیم نو دا پنځ شپږم
 ماشین دی چی د پچ مرکیسی
 غونډی زموور دکور په لنکر کی
 تکرری

مرښت

پوت هغه چی وایس مور په
 دری ډوله دی: یو هغه مور
 پتی که په نوس یی پریاس لسکه
 لایو خنخ خوری ه بل هغه چی
 تر یوی میاشتی پوری یی اړیس
 بد ولی اود هم هغه مور چی د
 خولی نه یی مرض دانه و خورلاش
 خودا مورنڅ په نڅه کوماته
 لار ه په شفاخانه کی دکورنوس
 ته وویل
 "یودانه تابلت ټی په خولسه
 کی او به کره"
 براتی لکه چی ډیره نشه
 یی کری وی ستر کی ووهه برانستلی
 او پری پری ټی وویل
 "که می په سترکی د پوتابلت
 ځای وای نو ولی می نور یو چی
 او د پسه غو شه نه خور له"

د یا تو کی

شمشه پورخانه ه خیر...
 بهادی کوم خوامنه کری ده
 -خم چی نن یی دکور د صفا
 یی د کتابچی وعده را کړی ده
 -مالو موری چی دکور خنستن
 شوی چی?
 -تراوسه خونه هم ه مگر دهر
 زره یی خنستن شم
 -خنکه ه او په خه?
 -دا چی کارونه یی ټول خلاص
 دی او یوازی کور پاتی دی دنل
 امر می اخیستی او کارونه می ورته
 خلاص کری دی ه د بهر شنا مېتر
 خود ایو کال کپری چه له امر
 سره یو ځای می د دفتر په مېز
 خانمکی کولپ کری دی ه او
 تېلفون می هم خو ورځی د مخه
 له نو مری سره یو ځای تر کړی کړی
 اوس خم چی د صفای کتابچه
 هم ورته واخلم
 -چی د اسی ده ه نو ضرور
 دی کور هم تر لاسه کسری دی
 اوزموه شپرنی دی لکه چی
 د کور توغو ندی وکړه کله خه?
 -شمشه پور کورت خود دی خو
 ځان ته یی نه کړ پوی ه کله
 چی د کور خنستن شوم بهاد هغه
 خبری کوه
 -چی دکور خنستن نه یی ه
 نو تېلفون ه بهر شنا تل صفای
 کتابچه دی خنکه تر لاسه
 کسرل?
 -زو روره [ته رشتیا هم چی

غوره شوی معلومه

- تپت قد په کتاوونه لسو ر
 پری
 - په شرو مهوکه چاغندی ه
 غوکه به چاغ شوی وه
 - د ایمان زوال دروغ دی
 دتو تو زوال دروغ دی
 - گناه په خپله کری ه لعنت
 په شیطان وایس
 - غله ته هر بوتی سسری
 دی
 - په خپله خرته لری د پل
 په آرم پوری خانوی
 - خره ښکر کپل غو زونه
 یی بایدل
 - پتوی اوښان اوځی تپت
 تپت
 - اوزه له لپوه تختیده ه
 د صاب کره یی شپه شوه
 - پېشو چی خوب ونسی
 چوموزک په خوب کی ونسی
 - اول مژه به نوسه ه او
 جی نوسی یی نوتینگه یی نوسه

د فیل په غورکی ویده یسی
 تن سپاسی واسطه ه فیلسف
 او خپلوی ولری ه نوور کسری
 یی خوره
 - مگر تم خود ایو هم نه لری ه نو
 بهاد له کومه شول
 - ساده خانه [یو باجه می
 په میخا براتو کی غت سری دی ا
 بل په ښاروالی کی وښه لری
 کاکا خسر می د بهر شنا په
 ریاست کی باشی دی اود او سو
 رسو لو په ریاست کی می دوخته
 همصنغان کار کوی
 - اود کور د پاره دی خه
 سرشته نیولی ده?
 - سرشتی می خوشکی درته
 وویل چی ټولی خلاصی دی
 د دغا سناد و په در لو دلسو
 سره ښاروالی مجبوره ده چی یوه
 نومره نیکه راته را کړی ه خنکه
 چی تېلفون ه بهر شنا ه تل او د
 صفای کتابچه یی کوره نه وی
 "د دیالوگ په پای کی دی
 د لوستنو نکو له خود قمرگلی دغه
 سند ره وویل ځس چی وایس:
 "راخه چی یوه جوړه کړی جو
 نکره په خنکل کی ه خود یاد
 ولو ورده چی په خنکل کی دی
 په کابل کی وویل شی ه"



تازه های دانش

چاقی اطفال و بیماری قلبی

دوکتوران بر این باورند که بیش از نیمی از کودکان چاق در بزرگسالی نیز بیش از اندازه چاق خواهند ماند و در نتیجه در معرض خطر بیماری های قلبی و دیابت قرار می گیرند در این رابطه روزنامه واشنگتن پست در بخش بهداشت خود نوشته دوکتوران متخصص اطفال معتقدند چاقی بیش از اندازه باعث درد سر در بزرگسالی است. این دوکتوران معتقدند عدم خذیه صحیح مصرف بیش از اندازه مواد چسبناک مانند شیرینی ها و شکلات ها و چاقی بیش از اندازه در دوران طفولیت و بزرگسالی می شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه ای بر سایر رسانه ها ندارد. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چاقی ها ساخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به واسطه راحتی از راحت اصلاحات تجارتی تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه ای بر سایر رسانه ها ندارد. این ترار گرفته است.



اجرای تکنیک تیمو و سانهاال آه آپ چاقی

حمله و فتل حمله

تلویزیون بدون اعلانات

برای خلاصی بینندگان تلویزیون از اعلانات فراوان تجارتی اخیراً جاپایی ها دستگاهی ساخته اند که به کمک آن تماشاچیان تلویزیون در فواصل برنامه های بخش می شود نگاه نکنند. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چاقی ها ساخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به واسطه راحتی از راحت اصلاحات تجارتی تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه ای بر سایر رسانه ها ندارد. این ترار گرفته است.

را از طرف فدراسیون ورزشی کشور ایران نصب شد. پرسیدم و تکواندوی پیوسته با تکواندوی هوانگ چه تفاوتی به هم می رسانند گفت: پیوسته کله کوریا پیوسته که پیوسته عمل و سه سرعت را میگویند یعنی سه عمل در تمامی حرکات و حرکات پیشرفته حمله و ضد حمله یعنی دفاع بدون دفاع و حمله بدون حمله که شامل ضربات بلند بالایی و چرخشی و چکشی و کوشی پرشی و حرکات انفجاری دست و نقاط حساس بدن از خصوصیات این سبک است که مبارزه اساس این ورزش را تشکیل میدهد. عبدالناصر به دنبال سخنان خوبش به این نکات نیز اشاره کرد: تکواندوی پیوسته و ورزش اصول کوریا پیوسته که سابقه چندین هزار ساله دارد و در کشور جهانی آن در کشور کوریا پیوسته در شهری به نام "کوکی وین" است و این سبک کاملاً مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کمتر به چشم میخورد مگر سبک تکواندوی هوانگ که در کشور چین و در کشور کرنا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسیک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن بیشتر از کاراته الهام گرفته است درجه موج تکواندو درجهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرگز صرفاً از کیمته ملی المپیک متقاضی است تا بخاطر منجم ساختن کامل

حای مثل آپیرین

گروهی از دانشمندان در اثبات این ادعا مستدک نوشته چای در سلاست انسان اثر مثبت دارد. چای معده دار و مازان چایان به دنبال آزمایشاتی اعلام کرده اند انواع چای تنبلی ترههویت در خون را تحت فشار قرار می دهد. تجمع ترههویت یکی از مراحل اولیه انسداد رگ انتقال خون از قلب است. تاثیر چای به دلیل وجود مواد مختلف رنگی در آن است. این مواد مانند اسپرین برای جلوگیری از لخته شدن خون مؤثر است.

اصول کوریا پیوسته که سابقه چندین هزار ساله دارد و در کشور جهانی آن در کشور کوریا پیوسته در شهری به نام "کوکی وین" است و این سبک کاملاً مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کمتر به چشم میخورد مگر سبک تکواندوی هوانگ که در کشور چین و در کشور کرنا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسیک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن بیشتر از کاراته الهام گرفته است درجه موج تکواندو درجهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرگز صرفاً از کیمته ملی المپیک متقاضی است تا بخاطر منجم ساختن کامل

گلور در وی رانسارد و کیمپریک

بادرمان صحیح کلودرد (تیز) رقی یک پنی سولین (مضامع بروز عارضه قلبی) آرزوی استی تو کوکی یکی از بیماری های نسبتاً شایع اطفال در سنین ۱۰ الی ۱۵ سالگی است که شروع این بیماری در فصول پاییز و زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر از فصول دیگر است. عامل این بیماری "استرپتوکوک بتاهمو لیتیک" گروه A می باشد که به راحتی بر اثر تماس نزدیک و توسط ذرات معلق در هوا، از راه دستگاه تنفسی به فرد مستعد منتقل می شود. یک تا پنج روز پس از ورود میکروب به بدن، علامت بیماری به صورت تب ناگهانی، گلودرد دل درد، استفراغ و گاهی لکه های جلدی شبهه مضمک ظاهر میشود که پس از مراجعه به طبیب در معاینه حلق و رهران این رشته که حده و عفناد کلس همین اکنون ترین این ورزش را میگویند قد را سبکی را ایجاد نماید زیرا زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در روانیت امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود. لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کیمته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهاد داد و ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کیمته ملی المپیک یعنی چی؟ را بخاطر آورده نمیتواند.

پیرویزم (۲۳)

انسان بر صورتنا خود آگاه شخص حاکمیت دارد و آنرا تحت کنترل قرار میدهد در حالی که خواب مغناطیسی ضمیر ناخود آگاه را بیدار ساخته حالت کیمته میدهد و از آن طریق هر چه خواسته باشد به شخص تلقین میشود به شرط اینکه با کیمته "معمول" این تلقین موافق باشد. "معمول" در حالت خواب مغناطیسی میتواند برای خود و دیگران پیشنهادهای کند. در حالیکه همین شخص در حالت بیداری در باره آن موضوع چیزی نمیداند و حتی چیزی را بخاطر آورده نمیتواند.

به پنی سولین از تزریق آن خود داری کنند زیرا بر اثر عدم تزریق پنی سولین تجویز شده توسط دکتر فرزند آنها ممکن است مبتلا به تب روماتیسمی شده و دچار عارضه قلبی - روماتیسمی گردد که تا آخر عمر طفل را گرفتار و احتمالاً زمینگیر می کند که در آن صورت دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت. در همین جالزم به تذکر است. چنانچه اگر کودک مبتلا به تب روماتیسمی باشد به تب روماتیسمی ناشی از آن مبتلا گردد. برای پیشگیری از تب روماتیسمی از تزریق ماهانه پنی سولین طبق تجویز دکتر به هیچ وجه نباید خود داری شود زیرا با هر بار خود تب روماتیسمی اگر عارضه قلبی وجود نداشته باشد ظاهر خواهد شد و اگر همین بیماری وجود داشته باشد تشدید می گردد. از آنجاییکه در اطفال کمتر از پنجاه ساله حساسیت نسبت به پنی سولین بسیار کم است لذا میتوان به مشوره دکتر آنرا تزریق نمود در این صورت نیاز به تزریق جلدی نمیباشد.

آرزوی تان چیست؟ آرزو دایم عده برای اینکه یک ورزشکار یک تاز و متواضع در رشته کانگوا باشم اولیس دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا خورش را تدا وی نام لکجه همچنان عمدتاً از ریاست محترم صحتروانی تمنا دارم از کسانی که به هیئتیزم دست یافته اند در تدا وی میباشان شان طلب همکاری نمایند. آيا شما حاضر هستید در صورت تقاضای ریاست صحت روانی با آنها همکاری کنید؟ پلیس - آخرین گفتی تان چیست؟ - آخرین گفتی می اینست که: زنده کی خون من می خواهد فخر اقبال رایگانی نیست.

سند و اسناد

دانشمندان امیکانی و شوروی در نظر دارند تا یک گروه بین المللی زبانی بر روی کوه میخ ارسال دارند این برنامه قبلاً قرار بود توسط امیکانی ها صورت گیرد اما شوروی ها نیز حاضر شدند در این پروژه و همپوشانی هر دو شونده. هزینه این برنامه بر روی هشی بالغ بر ۱۰۰ هزار دلار است و مطالعه ای است که توسط چهار پرفیسور ۲۰۰ دانشجو صورت خواهد گرفت. طبق این بررسی اقرار است یک دستگاه مدار جلد بد ساخته شود که خرج آن معادل ۳۰ میلیارد دلار است. از زمان کشف لنوز در سال ۱۹۶۰ توسط (امپان) دان نشمند امیکانی این پدیده مراحل پیشرفت و تکامل را سرعت یافته و طی می سالی اخیر لنوز از اتاقهای ازنا پیشگاه ها وارد زندگی روزمره مردم شده است.

تخصصی ورزشکاران

فرجام عالی و پیشگام عالی

حالا پدرم یک دایم الحسب است و مادرم دیوانه و بیگانه است

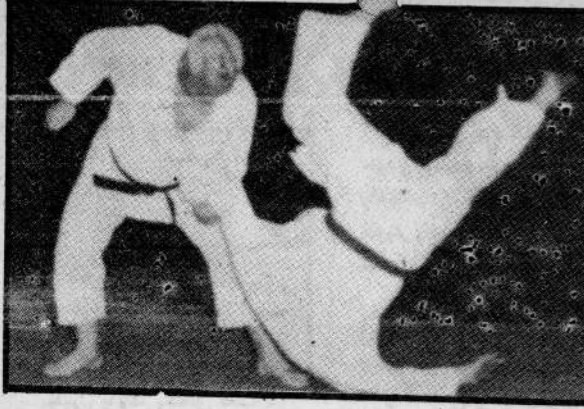
امروز کسی در من فریاد -
 میزند . یک نیروی جدا از من
 مرا به نوشتن وامیدارد .
 میخواهم در مورد سوزن
 و حشرات بی جاوی سو رد
 مادرم بنویسم . زیرا این مساله
 خانواده ما را به باد فتنه داد .
 آرامش زنده گی ما را بهر حال
 به هم زد . حالا شب و روز من
 در گریه يك كابوس است . از همه
 زنان و شوهران از همه
 مادران و پدران میخواهم تاقصه
 خانه ما را به دقت بخوانند زیرا
 در آن درس بزرگی نهفته است .
 مادر بزرگ حسودی نبود .
 همیشه بالای کپه کترین چپزی
 بهمانه میگرفت . همه وقت مرا -
 قب حرکات و رفتار پدرم بود
 اندک ترین تخمیری که در حرکات
 پدرم میدید بالای ایش ایستاد
 میگرفت همین که در مهمانی
 ها و موسی ها پدرم را میدید
 که باد و مستش و با خانم دوستش
 صحبت میکند فوراً عنکبوت -
 حشرات و سوزن در دلش
 تار می تنید . وقتی به خانه می
 آمدند سهل پرشها و پر خاش
 هانتار پدرم میشد . بیچاره -
 پدرم در چنین حالات خاموش
 میماند . زیرا مادر را زهاد
 دوست میداشت . اما مادر -

ندانسته توشه به ریشه سعادت
 خود و همه مامزد . در فرجام
 بهمانه صبر و حوصله پدرم تپس
 شد . روش غیر انسانی مادرم با -
 عت گردید که پدرم به مشروب -
 پناه ببرد . بیاد دارم آن شب
 هرد و از عروس برگشته بودند .
 پدرم نشاء بود . به مشکل
 تعادلش را حفظ میکرد . به -
 مجردی که داخل اتاق شدند
 باز مادرم شروع کرد : " بگو آن
 دختر کی بود که چند بار در چوکی
 مقابلش شستی و کتک کتک
 زدی و خنده کدی . پدرم که
 سرش را به پشتی چوکی تکیه
 داد بود چند لحظه سوی -
 مادرم دید و بعد از جایش
 برخاسته از الماری يك بوتل -
 مشروب برداشت . آنگاه مرا
 صدا زد او گلاس میخواست .
 من از ترس ماندم بود مهربانم
 گلاس را با قهر از دستم گرفت .
 آن را پر کرد . دوس و سوسو
 راهم با یک نفس سر کشید . من
 دوباره به اتاق آمدم در سننم
 افتادم خواب به چشمهایم نمی
 آمد رفتم چسبیده به کلکین
 ایستادم . باز صدای مادر بلند
 شد که میگفت : " او شرابی خود
 مهربانی و عشق دخترک ده -
 سرت زده ؟ " پدرم نتوانست

تحمل کند آن وقت بوتل را با -
 شدت تمام سوی مادرم پرتاب
 کرد . بوتل به دیوار اصابت کرد
 پارچه پارچه شد . چهره پدرم
 از قهر و غضب زیاد کبود شده بود
 بی حال روی چوکی افتاد .
 چشمهایش مانند دو کاسه خون
 بود . نمیدانم مادرم آهسته
 آهسته چه میگفت که يك بسا ر
 پدرم غضبناک روی چوکی نهم
 خیزید . و با شدت تمام بر مادرم
 فریاد زد : " اوزن روی خدا ره
 ببین . زنده گی ره سر خود و سه
 د وزخ نگیردان . " من عقیب
 شیشه کلکین گریه میکردم . آبی
 آنها من برادر را اصلاً به -
 حساب هم نمی آوردم . بمسد
 مادرم خیلی بی اعتنا از جایش
 برخاسته زهوراتش را بالای . موز
 آرایش گذاشت و با بی اعتنایی
 روی تخت خوابید . و من به امید
 آن که دیگر مشاجر آنها به پایان
 رسیده . به بستر رفتم . تانیه
 های شب خواب به چشمهایم
 نمی آمد . اشکها با لاشتم را -
 نرم میکردند .
 صبح به امید این که مشله
 چه آن ها خاتمه یافته از بستر
 خاستم . اما بعد از نوشتن
 چای بگو میگوی آنها دو بساره
 آغاز شد . مادرم میگفت
 وقت با آ خر چهره او را از
 لای کفن دیدم . يك چشم او
 نیمه باز بود . زنها میگفتند :

و در میان عشقش گریه
 می گفت : " اکه بوتل به سرم -
 می خورد ؟ " بعد مشاجر
 تند تر شد تا آن جا که یکبار پدرم
 فریاد زد : " بس اس دکه زن -
 هر چه حد و اندازه داره . " -
 مادرم بی اعتنا به فریادهای
 پدرم و چهره های رنگ پریده
 و تن لرزان من و برادرم گفت :
 " دکه نمیتوانم کت تو زنده گی
 کنم ، طلاقه بی . " این
 دو سه روز ادامه داشت ، گریه ما
 و مدخله قوم و خویش همیشگی
 نرفتاد . بعد آن دوباره محکم
 رفتند و خیلی آسان از هم جدا
 شدند . من برادرم با هم
 ماندم . مادرم نزد پدرم مادر
 خود رفت . برادرم ۸ سال
 داشت . از وقتی که مادر ما را
 ترک کرد ، در بدین درمانی بنه
 جان برادرم افتاد . همیشه در
 آنتر تب مسمومت مریض او
 ۴ ماه ادامه داشت و يك روز
 هیچ که لحاف را از رویش
 برداشتم دیدم که چشمهایش
 به سقف اتاق مانده اند . شاید
 او تاب جدایی مادرم را ندا -
 شت .
 او دیده به راه مادران .
 بیچاره طفلک دل انداخت
 وقتی جنازه را میبردند مادرم
 آمد . مانند دیوانه ها بود .
 خواست خود را بالای جنازه
 برادرم بیندازد مگر پدرم -
 برایش اجازه نداد . با خشونت
 او را از خانه کشید و نگذاشت
 که روی پسرش را ببیند . از آن
 حادثه یکسال میگذرد . و من -
 تک و تنها بدون هیچ خوشی
 ماندم يك سایه لرزان .
 بدون امید زنده گی میتم . در
 حالیکه دختری به سن و سال -
 من به محبت والدین چنان -
 ضرورت دارد ، مانند گل به -
 آب آمان از محبت هرد و
 محروم . همیشه با خود میگویم
 چنین است فرجام سعادت و -
 سوزن که کانون خانواده کی
 ما را بر باد ساخت ، ما آواره
 شدیم خندیدن و خوش بودن
 را فراموش کردیم .
 حالا پدرم يك دایم الحسب
 است و مادرم پشیمان و من بسا
 چنین پدری زنده گی میتم
 و با چنین زنده گی میازم و -
 مسوزم .

بقیه از صفحه (۶۱) مغلوب ساختنی بدون...



جودو و کاهلی را ازین برد .
 و لذت جودو و بهادر کنند .
 ای نیروی کار در نهاد
 ادبی است .
 باید متذکر شوم که در جودو
 اشخاص قوی و کم قوت شانس
 مساوی دارند . و برای
 خانها يك وسیله تدافعی
 بسیار خوبی است . این
 ورزش نخستین مرتبه از کشور
 چین نشأت نموده و در -
 جاپان انکشاف یافته است .
 مفهوم جودو اصلاً از کلمه
 "جو جو سو" مشتق گردید .
 و در پهلوی جودو و شعبات
 دیگری نیز از آن جدا شده
 است .
 قابل یادآوری میدانم
 اینکه :
 موفقیت در جو جو سو بهایه
 کار بردن زور ، قوت و خشونت
 ممکن نبوده ، بل با مهارت
 زهره گی هنرمند و ملاحظه
 میباشد که جودو بعد هابسه
 صفت يك ورزش بی خطر
 از جو جو و سو مجزا گردید .
 س : چه نانی که تعمیم شد ،
 جودو از جمله ورزشهای رزم
 به حساب میآید تکنیک و
 تخنیک آن با سایر ورزشهای
 رزمی چه تفاوتی به هم
 میسراند ؟
 ج : انگاهیکه جودو از
 جو جو سو جدا گردید به شکل
 يك سهورت مستقل سهورتگامیل
 خود را پیوسته از شعبات
 دیگری چون کاراته ، اکیدو و
 تکواندو و کیودو و کتدو و کاسا
 نودو و هایوسامی هاگیناتسا
 و کوزاری نانا که همه با تخنیک

های رزمی انکشاف یافتند
 و شامل بازهای المپایی
 گردیدند . مشکل میباشد .
 زیرا جودو و عاری از هرگونه
 ضربات و جراحت
 صدمه ها و خطرات بوده
 مانند کشتی چنگی سمیت
 شمال کشور يك بازی بی خطر
 و خوشایند میباشد .
 از انبیه گفته آمدیم احتیاط
 می گردید که جودو يك سهورت
 رزمی نبوده و تخنیک های آن
 شامل پرتاب ها ، محکم گرفتن
 خفه و تاب دادن مفاصل است
 که همه یکدام برای ورزشکاران
 در اجرای مسابقه خطری را
 دارانست . تخنیک های این
 سهورت به طور کلی در مسابقه
 عملی می شود اما از سایر
 شاخه های این ورزش که
 احتمال خطر در آن محسوس
 است بطور کامل عملی نمیشود .
 ویژه گهای عالی این
 سهورت در این است که زن و
 مرد در اجرا و بهیچر داند -
 سهیم شده میتوانند و تفاوتی
 به هم ندارند .
 س : چند نوع تخنیک در
 این سهورت وجود دارد تحت
 کدام نامها ؟
 ج : جودو در یک
 کودوگان که اولین استنوت
 تحصیلی جودو در جهان
 است و در توکو مرکز جاپان
 فعالیت دارد متشکل میباشد
 از :
 تخنیک پرتاب ها ، به زمین
 زدن و تخنیک محکم گرفتن
 و ضربه

این به تاب دادن مفاصل
 و تخنیک خفه که هر کدام
 از چالهای تمرینی تدافعی
 است .
 تخنیک های مختلف جودو
 و شش دوره امیخته شده
 و هر دوره با کمبندی به رنگ
 های مختلف تبار می کشد
 کسانیکه در ابتدا به این
 ورزش رو میاورند برایشان کم
 بند سهید توجیح می شود
 یا سهری نمودن هر دوره رنگ
 کمبند تیره میگردد به این
 مفهوم که رنگ های زرد و
 نارنجی و سبز و این وضواری
 را در دوران تعلیم و در -
 آخر کمبند سبزه کسه
 نمایانگر دسترس کامل به
 این سهورت میباشد برای
 ورزشکاران اعلا میگردد .
 يك دوره تعلیمی از شش
 تا يك سال ادامه یافته
 موفقیت در امتحان درجهت
 ارتقای کمبند حتمی است .
 محترم نگراند در آخر
 سخنان خوش میگوید :
 جودو در کشور ما از چند سال
 به اینسو رایج گردیده است
 با وصف آنکه این ورزش از مدت
 زیادی در جهان ظهور نموده
 بود و شامل بازیهای المپیک
 نیز گردید اما در کشور ما از
 هشت سال به اینسو به حیث
 يك سهورت رزمی شناخته شد
 است که اکنون حد و بند
 تن از جوانان را در این
 رشته تعلیم میدهد که هر



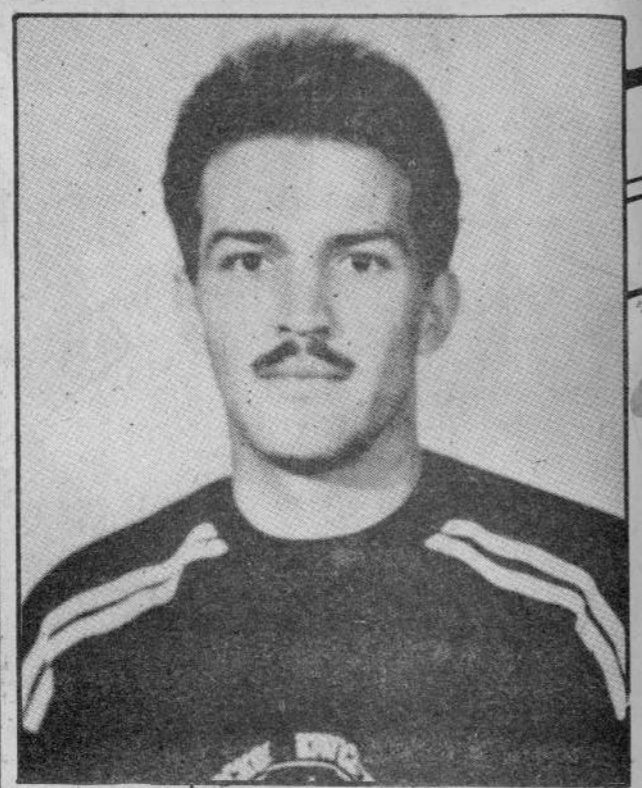
آرزو دارم همیشه قهرمان بمانم

چندین سال است که بود انهای ورزشی کشور میزبان ختران ورزشکار نبودند. است با وسد آینه سالها قبل تصهای دختران ورزشکار در سطح کشور غوغای رابریا نموده بودند و اما به یکباره گسی دامنه آن چنان پیده شد که نشانی از آن باقی نماند و خود شبخفته در راین روزها در کالبد بی روح ورزشی دختران روح دمدمه زنده گشته است. به هموسن منسو ر پای صحبت یی از قهرمانان بد منتون محترم میا میرو ورزشی در انستیتوت پولی تخنیت کابل غنوتیمهای ملی بد منتون و پیوسته پانک منشیهم میخوانمهم که در مورد خورد ورزشی چیسی گفتنی دارد.

مناجان اگر موافق باشوید پرسشهایم را طرح میونم.

باکامان مولی خیر آن پیزی را که در دستم دارم برای شما باز دو میونایم بعدا با شوخی عریغی میگویم: نشود که سوال غنای منش را از من صرح نمایید!

بقیه در صفحه (۸۲)



است اما در کشور خودمان آنطور یک میبایست در این عمره کار شود نشده است و نیز ند اشتن امکانات وسیع جهت ارتقای سطح این ورزش تا شهر ناگوار خود را در ساحه ورزشی جا میکند که مسن سعی نموده ام تا صرفا از اندرخته ها و تجارب ورزشکاران خارجی استفاده اعظمی نماع که میتوانم این دستاوردهای ورزشی ام را برای شما به شمارم هشت مدال طلا و د ن پیلوم ورزشی و لقب ماحتر سورت پو در سال ۱۳۶۶ به سفت بهترین گولزن از جانب فدراسیون فوتبال کشور به من داده شد.



فوتبال را دوست دارید؟

مجله با اعلام رسول رحیمی عضو تیم ملی فوتبال کشور

فوتبال ورزشی است که در ایران در مورد دستاورد های ورزشی تان به عزیز خواننده این صفحه معلومات بدهید؟

اگر د فین گفته باشم تقریبا هشت مرتبه به خارج از کشور سفرهای ورزشی داشته ام که نتایج همه یی آن ها بر ایسم قناعت بختر بوده است.

سطح ورزش کشور را با ورزش سایر کشورها چگونه یاقیتید؟

طبعا سطح ورزش سایر کشورها نسبت به کشور خودمان بلند تر است زیرا تجهیزات ورزشی و امکانات و زمینه های مساعد جهت تمرینات در اختیار آنها قرار دارد که فالت عملا به موقعیت و پیشگامی همین موسسات فوتبال ورزشیست متکی بر تخنیکها و تکنیکهای زیبای هجوس و حمله یی که این ویژه گیهایش موجب گردیده تا عدد و بشمار یی از جوانان خوش ذوق ورزشکار را در دامن خود بچرواند و از جمع جوانان ورزشکار و با فبالست ممتاز صمیمی و علاقه مند سر سخت فوتبال غلام رسول رحیمی مواجه شدم که مصاحبت را با من پذیرفته به سوالاتم چنین پاسخ ارایه کرد:

چرا از میان سایر ورزشها فوتبال را برگزیده اید؟

آوانی که فقط یک تماشاچی بودم در ذوق زده یی این ورزش شدم به مرور زمان در وجودم علاقه یی نهایت نسبت به این ورزش به وجود آمد. به همین سبب بعد از تمرین متواتر و پشت کار خودم از هفت سال به اینطرف به عضویت تیم ملی فوتبال کشور پذیرفته شدم همین اکنون در خط مهاجم تیم ملی مسروف بازی میباشم.

مشخصات یک فوتبالست خوب در جرمسان سابقه چیست؟

در گام نخست یک فوتبالست باید آراسته باد حیلین عالم

مغلوب نمودن بدون اسلحه

این نجیب زاده ها صنعت جود و را بعد ها به طرز بهتر و اصلا حتر به هموسن خویشر و جهانپان پیشکشر نمود.

جهت آشنایی بیشتر ارجمند خواننده یی این صفحه مصاحبه یی را با محترم نظرمحمد نیکزاد ترینر تیم ملی جود و انجام داده ام که دران میخوانم:

س: جود و به نوع ورزشی بوده و در جهان چه سابقه یی دارد؟

ج: جود و یکی از بهترین ورزشهای بدنی و یک واسطه انکشاف فکر و سرعت در عکس العمل و تمرین وجود و اخذ قدرت عالی جسمی بوده که سابقه در صفحه (۶۷)

بنابر روایت بعضی کتب در اوایل سال ۱۶۵۰ پکتفر تاجر چینیایی موسوم به "نصرت گمین" در یکی از نواحی توکیو بنام اکوزای صنعتی را به سه نفر از نجیب زاده های جاپان آموخت که با استفاده از آن می توانستند دیگران را بدون استفاده از اسلحه مغلوب سازند.

یوگورو کانویکی از شاگردان



د ان دو و ترینر تیم ملی توانندی پو سه کلب هدایت میباید. بهتر خواهد بود تا در مورد گفته های خود تر با بهم بخوانم:

از سال ۱۳۶۲ که مدت دو سال از تمریناتم در ورزش بوکس سپری شده بود نظریه محاسبه همه جانبه از استعداد و توانایی فیزیکی وجودم به نگو اند و رو آوردم و بعد از سپری شدن یکتیم سال موفق بعدر یافت کمربند سرخ شدم.

باید بگویم که این رشته را بطور مکن و منظم در کشور ایران فرا گرفته ام. ابتداء کاراته شو توکان که یک سبک جاپانی است و متعابا به کانفو تو و در آخرین مرحله به توانندی پوسه علاقمند شدم که همین اکنون این رشته را با علاقمندی دنبال میباشم. در جرمسان آموزش در کشور ایران مسابقات را با ورزشکاران ایرانی اجرا نموده ام نتایج همه یی آنها برایم قابل محاسبه میباشند زیرا در اثر موقعیت من در مسابقات کمربند سیاه و ان دو بقیه در صفحه (۶۵)

حمله ضد حمله

کلام شوایی دارد و بهان فصیح و او را از نزدیک دیدم. فنون تکواندو و آیین ورزش معاصر را به قدر توان واستعداد خویشر در ذهن متمرکز ساخته است.

این جوان آراسته پانوری و پراتین ورزشی و عبدالناصر هوشنگ دارند که کمربند سیاه

تواریخ پارس

صدای موزنم • آنان خروشیدند و گفتند :
 عالم ... حتی يك نام خوب برای او انتخاب نکرده ای زود باش به خاطر این اهانت بصری کب " صد افغانی " دیگر جرمش بده •
 صد افغانی دیگر هم از سن گرفتند • نفر سوس که معلوم میشد وتر تراست پرسود :
 غذای این حیوان را چطور به او میدهند ؟
 خودش میخورد •
 آه چی آدم بی بند و باری •••
 بهادارشه را نمانسته به او نهی با ترس گفت •
 - نخبر ••• چی خیال کورم •
 اید ••• رشقه را هر روز با پتاس پرفکتات می شوم •
 انهن ••• جای او خراب نیست؟
 نزدیک بود بگویم که در طولمه میخواهد اما از ترس جرمه گفتم :
 اتاقش پاک و عفاست • در رزمستان بخاری برقی و در تاسا -
 یستان برایش کولر میگذارم •
 - آبی که به او میدهند چگونه است ؟
 - همین آب معمولی آبیسی که خود ما هم می نوشیم • او بدید بطرفم دیده گفت :
 - ظالم ••• حتی آب را جوهر هم نمیدهی ؟ •••
 وارخطا شد چو گفتم :
 - بسیار معذرت میخواهم نمی فهمیدم که این حیوان چای هم میخورد •
 - جای لازم نیست •
 - طرف هایش چگونه است ؟
 - نزدیک بود بگویم گیسو است اما

مورا گفت :
 با شمشه •••
 اما فکر باغچه که حتما • نا •
 شکن باشد •
 - اتاق او چیزی کم ندارد ؟
 - از ترس جرمه شدن گفتم :
 - یک راد پوکست برایش گذاشته ام که موسیقی بشنود ولی اگر شما امر میکنید برایش يك تلو •
 یز یون هم میخرم •
 او سوش را تکان داد و گفت :
 - خوبست ••• برای انبساط روحی او بد نیست ••• منتوس فکر باشد که بعضی بر نامه های تلو یز یونی بسیار خسته کن و -
 تکراری است • گفتم : اگر تکرار میگوید فرض بوام کرده ویدیو میخرم • گفتند :
 - لازم نیست ••• دیدن زها د به طرف تلو یز یون چشمانش را ضعیف میکند • آنها با مهربانی به سرو روی مرمک دست میکشیدند •
 وترتر باز توصیه کرد :
 - وقتی که برایش رشقه میدهی باید دست هایت را با صابون بشویی گفتم :
 - اگر فکر میکنی دستهای مسرکتف است رشقه را بعد از این با قاشق و پنجه به دهنش • میدهم •
 فقیر جان اهی کشید و گفت :
 - دوستان عزیز در همین وقت من از خواب پریدم از عرق پهرانم ترشده بود بعد از آن عهد کردم دیگر در فکر چنین چیزها نباشم •

با درن خانه زن را رسانید
 میزند • نوریه ظهرا از آنکه
 محمد نسیم به بلای راسر
 سر آورد نواست • در یک کج
 دکان آرام میگرد • محمد کرم
 مالک دکان محمد نسیم را از -
 گوئی موسی و اف میسازد
 به اتفاق هم
 این زن گره را از دستش گشود
 بالاخره زن را صبح رها می
 سازند • نوریه بعد از پرسن
 و جویان • به رهنمایی پت زن
 راه خانه اش را در پیش میگرد اما
 به خانه شوهرش نمیرود پس به -
 منزل کاکا ر شوهرش پناه میبرد •
 بعد از جستجوی شوهر زن -
 دستگیر می شود اعتراض می
 کند • ونشک دینتریکه شوهرش
 ویراستم به سرفه هشتصد هزار
 افغانی نموده است که نوریه آن
 را در بریان تحویل خود رد
 کرد راست • اما اینکه اصل
 قضیه چه خواهد بود • به خوا
 هد شد ؟ به مسوولین میازره
 یا جرایم جنایی ولایت کابل
 ارتباط میگرد •

سر راه در آن پای پیوند مقدس
 از دواغ و پاشوازان طفلان کند
 شمره می آید پیوند مقدس میسا
 شد در میان است • زنی بنام -
 نوریه که یکسان جمل با نسیمی
 به نام نسیم در صفه مقدسی
 نشیند و سوخته پایداری را بر
 دستان میاورد نسیمه دایمل
 بر اساس و ویرا خوسیر دو بار
 مورد لیت و توب قرار داده •
 است راه فرار از منزل شوهر را
 راغب در قریه کلخانه ناخوسه
 نسیم در پی میگرد و به عرف
 شهر میباید • نوریه که حسنی
 عاشقه مادری این را زیر پانهاد
 و طفل بار ماهه را را در منزل
 رسان کرده مدت چار شبانه روز
 را در منزل اشخا مختلف و -
 ناشناس سپری میساید بالاخره
 در یکی از روزها باید سرساز
 به نام محمد کرم رو برو میشو د
 محمد کرم زمیتره • - دیده
 زن را به بهانه آنکه به منزل
 شوهرش در دوباره میسازد راه -
 تایمن را در میگرد و در -
 یک از دکانهای رنگر سز

اوراخواهر خواهد شد با او

هوس را بر خود کش ترجیح داد

کوه بارشانا کید براسن
 نقطه شده است تا شوهران
 نسبت به خانمهاشان راه -
 انعطاف را در پیش گیرند تا از این
 طریق بتوانند به رازها و اموال
 درونی زنان پی ببرند • اما
 میبایست تعدادی از مردان را که
 هیچ سیر معمولی به وجهه
 میروند و همواره منزن می آیند •
 بدون اندکترین توجه نسبت
 به زن و فرزند خویش که این امر
 باعث بروز فاکوارترین نواقص
 و مسرافاتند که بعضی شوهران
 نزد مردم می شود • یا م این
 قضیه را با مطالعه موسم قضیه

بهبانه آنکه زمینه خوب زندگی
 برای شقیقه موسر نیست و پرا پیسه
 منزل خود • در مکرور بیان میبرد
 دخترش روز به بهانه آنکه به
 دیدن مادرش میبرد از خانه
 کاکایر بیرون می شود به -
 رهنمایی خواهر خوانده از
 این سرویس به آن سرویس یا
 در پوران و نگرانان این های
 مختلف شهری معرفی می شوند
 به حدی که شب بخارا با دیو -
 ران و نگرانان سرویس های کلون

اقترا • مقومه شده و دیده
 اینکه در پوران پس های شهری
 با نصب دستکارت های رنگارنگ
 و پوشش ستاره های طلوع و شیندن
 کت های موسیقی از با م
 تا شام عده بین را مجذوب و -
 عده بی ران را راضی میسازند و -
 مجد و بین آنها همان جوانست
 های کوتاه اندیش میباشند •
 بهایید این قضیه را که دختر
 یازده ساله بی بنام شقیقه
 با شنیده ناخوسه یازدهم شهر -
 کابل مرتکب گردیده است با هم
 کاکایر به موسوع پی برده به

درد هلیزهای معاکم چی سیر است

بیوهی که بیوه نبود

زن طرف به این میز خود را زن
 بیوه وانمود میسازد بالاخره
 از هر کج تقاضا میکند تا با هم
 یکجا زندگی کند زیرا هیچ
 کمزوری ندارد آنها یک خویشی
 را به کوا میگویند و مدت شش
 ماه را در آنجا مشترک سپری
 میکند بالاخره بالای موسیقی
 بنا میسازد شان بر هم خورده و -
 کینه های میان شان به
 وجود می آید • در یکی از روزها
 سگینه با استفاده از غایت پر
 یکل دخترش آینه را که درازده
 سال دارد از خانه فراموشند
 و مدت یکسال سگینه از هلسان
 بنظره لا درت میشود به اشرف
 جستجوی مسوولین کشف جرایم
 جنایی سگینه دستگیر می شود
 اما از اختطاف دخترت -
 در رازده ساله خویش را بیسی
 خبر وانمود میسازد و موضوع
 خالب اینکه سگینه زن بیوه نشه
 بل زن شوهر دار است که شوهر
 هرگز در کوال متقاعد قوای -
 مسلح میباشند سگینه تا اکنون -
 به جرمش اعتراف نکرده است اما
 شواهد گواهی میدهد که جواز
 اختطاف کننده آینه دختر هر کج
 سگینه کسی دیگری نیست

چنانچه بر همه همد است
 عدس از زنان جوان مانعست
 به شهادت رسیدن شوهران
 شان بی سرپرست شده اند
 و آنها مجبور اند تا برای فرار
 هم آوری همیشه فرزند دان
 یتم شان در پی جستجوی کار
 بگردند • اما دیدم شده است
 که یکده از زنان با وصف آنکه
 شوهران شان حیات اند بخاطریه
 یک ترجم مردم را نسبت بیسیه
 خویش برانگیخته باشند خویش
 را بیوه بی کن معرفی میاورند
 با هم این چال و فریبک پت زن
 را میخوانم :
 دو سال قبل از امروز -
 هر کج زن بیوه بی که با خود
 چند طفل قدرتم داشت
 پلخمری را به قصد دریافت کار
 به طرف کابل ترک میکند و در -
 دستگاه ساختن هلسان به
 صفت کارگر اشغال وظیفه
 میسازد زنان بخورند چینه
 طفل یتم خود را از راه حلال
 به دست میاورد • در یکی از روز
 ها با زنی به نام سگینه رو برو
 می شود بعد از مباحثت و -
 گفتگو با هم معرفی می شوند

مصاحبه از نگین

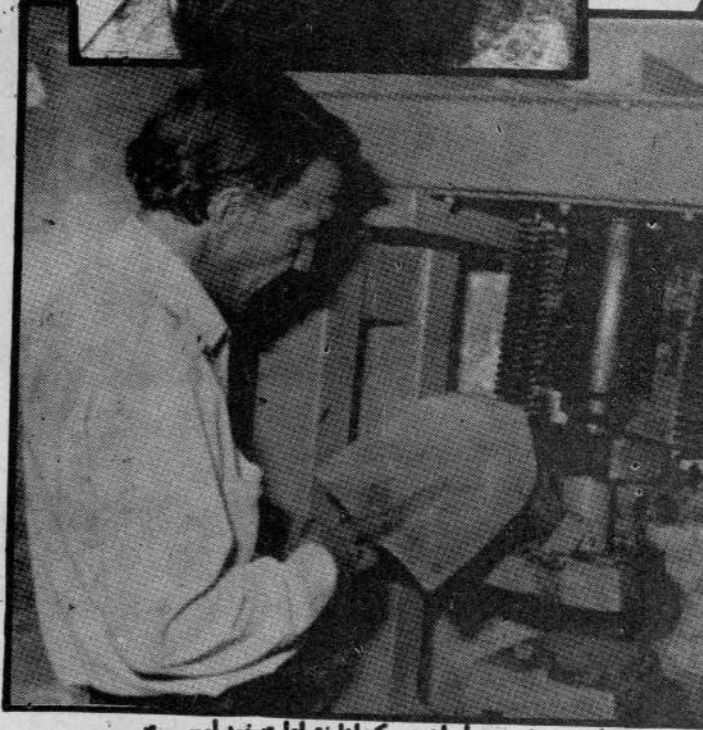
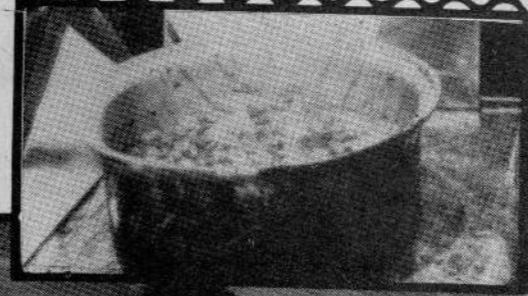


صدیق مخترع و اختر اعانت جدیدتی کتاب در چند ثانیه



صدیق مخترع در چند ثانیه گوشه را با زاویه مخصوص اتمه کتاب
کتاب میسازد

تیک مخصوص که صدیق با زاویه مخصوص کتاب در طرف
نیم ساعت در آن شهرها میزند



صدیق صرف بیساختن پیل توسط ماشینی که از اختراعات خود اوست

گفته می‌راند که صدیق از آن به
جای کوکورد با سکره لامپ استفاده
می‌سازد

چندی پیش صدیق مخترع به اداره مجله سیاهین آمده و خواست تا در مورد اختراعاتش چیزهایی را به نشر رسانم. اداره مجله سیاهین این که توانسته باشد با بی کفایتی رانجام دهد روزنامه آه جرد به واد بووتلوپوزون را درجهان گذاشت که اینت مصاحبه انرا با خبر نگار مجله سیاهین می خوانید:

باز هم غمگین است باز هم دلزانیاتش آنغضیاست باز هم میخواهد نهاد کند - صدیق مخترع که ساامان درای را با نهیدستی گذارنده است اما هنوز به اختراعاتش ادامه میدهد.

مرد عظیمیست چنان مادانه صحبت میکند که گوی سالهاست با او میشناسم مرد بیست متوسط قامت با چهره استخوانی و لاغر اندام این بار خودش به دفتر ما آمد بیست از سلام و علیک مختصر چو کفایت اختیار نمود و با همان تپ مخصوصش یا را بالای پا قرار داده نشست خیلی مظلومانه حرف میزد بعد از لختی درنگ پرسیدم حتما اختراعات جدیدی را انجام داده اید؟ در حالیکه دستهایش را با هم میمالید گفت همیشه آرزو دارم که برای وطن و مردم خدمت را انجام دهم که حلال بعضی معضله ها

باشد و هموطنان ما بتوانند برای سهولت کارشان از آن ها مستفید گردند. بعد با هم به طرف چاپخانه لوازمش را گذاشته بود راهی شدیم.

صدیق قبلا همه وسایل را مقابل آفتاب گذاشته بود تا آماده تجربه باشند نورناهیستان همه دورتر حلقه زدند.

بعد صدیق مخترع شروع نمود به کار.

ابتدا یک مقدار گوشتی را که برای کباب و پختن شورا آورده بود توتی نموده بعد در بسین دیگ گوشت را با مواد لازم انداخته و سر صندوق شیشه می راکه از هر چار طرف با آهن احاطه بود بست و برای یک ساعت به زاویه معین مقابل آفتاب گذاشت.

بعد ۹ خمیری را که خود آورده بود در دیگ نان پیزی قرار داد که برای پختن نان و دیگ خمیر را نیز در یک صندوق که بالای از شیشه و چهار اطرافش از آهن بود گذاشت. تا گفته نمایند که بالای هر دو صندوق یک یک آینه بقدنمانیز قرار داشت.

صدیق سخ پوز گوشت را بالای تشت آهنی که روی آن از زردیق پو شانیده شده بود به زاویه مخصوص در مقابل آفتاب قرار داد پس از لحظه کوتاهی

همه متوجه شدیم که از گوشه دود بلند میشود. تا ناگهان همه در حیرت فرورفته و لبخند میزدند زیرا در مدت پنج ساعت هفت دقیقه کباب پخت شد. اما این اختراعات را برای دیگران هم می آموزند؟

در حالیکه سرورهایش را از عرق پاک میکرد گفت بلی کورسی را برای علاقه مندان اختراعات و ابتکارانم که اگر علاقه به یاد گیری آن داشتند ایجاد نمودم ام که هشتاد نفر به آن مراجعه نموده اند.

دین کورس چه چیزهایی را شاکردان می آموزند؟

دین کورس اختراعاتی همچو گرم نمودن آب در حمامها پخت و پز غذا که گرم نمودن اتاقها با در نظر گرفتن زاویه آفتاب تولید آب از آفتاب. نوب نمودن هر نوع فلز به درجات مختلف با لونی که میتواند توسط آفتاب چند کیلوپتر فاصله را طی کند.

آیا حکومت برای ایجاد این کورس با شما مساعدت ها می راند؟

در حالیکه زهر خندگونی می از چهره او نمایان بود گفت بالاخره به خاطر پیشبرد این کورس همه مردم عالم و ده جلد کاپیچه برای تدریس این کورس در تمام مساعده گردید در حالیکه من همیشه خواستارم ام تا زمته خوبتر کار برآیم

ساعت کرد زیرا هدم خدمت برای اجتماعتته برای خودم چنانچه چندی قبل به منظور ایجاد یک ورکشاپ به یکی از مراجع ذمه صلاح رو بردم در آن جا نه تنها حرفهایم شنیده نشد بلکه توهین هم کردیم. پرسیدم آیا این گوشه برخوردارها شمارا دلسرد از کار نمی نماید؟

در حالیکه چشمانش از حده برآمده بود گفت باور کنید در مقابل چنین برخورد ها ان قدر دلسرد نشدم که دلم میخواهد فرهاد بترم و ان چه راک اختراع نموده ام ازین بهر و نوب تمام باری صدیق اتقان گفته بود: (آنچه راک تاکنون اوست که ام از برکت نام صدیق است اختراع است یعنی زمانیکه تا او جوانی به شرف بودم و نام صدیق مخترع را شنیدم همیشه ذهنم مشغول اختراعات او میبود آرزو میکردم روزی من هم بتوانم از همین طریق خدمات شایسته ای برای هموطنانم انجام دهم که همانطور شد.

آز ۳۰ سالگی شما کارهای او ارتباط داره؟

خود را اختراع ساخته



داوینکو سمندر

داوینکو به خیو کی من دردونه بیادوم
 داخیل خمیری گهوان ته سیلابونه بیادوم
 برحال من هیس خاندی زمانه او کسه تقدیر
 چی وئی برهمن نیاسی میونسه بیادوم
 بیلتو ته ستاله لاسه دا جهان واره تورم شو
 به تورو نیوکی هیس شه الو نه بیجا نوم
 داوینکو سمندره ای و داستاستو خپو کسه
 دغم د یاسه غم کی طوفانو لسه بیادوم
 و هیس مستو نیکی خیار ساتی بیه زاری
 ((ژوس)) ستادنی گونی پر هرونه بیادوم

دعمونو نو پوه چیو کی

زبه سپاه دنجونیه په لسه
 کی هغه بیخله ده چی لسه
 خلیرو و کلو نورایه دیکخوا
 کس لکی اوله دورو کلسو
 راهیسی شمروایس
 زبه وایس چی پوره دولس
 کاله دناروی په بستر کس
 پوره و او خلیرو واری دمرگ
 شربولی تللی ده - هسی
 دپوی پو بشتی په خواب کی
 داسی وویلی:
 ((لکه دنورو نچو نویسه
 شان تری پره وخته پوری لسه
 کوره نی سمانتو نو سوه مخا-
 من ویم زهیز د کوره نی لپاره
 شمرویل نه کار نه ووه خو
 ماد لیکو او شمرویلو لمن
 پری نه بوده او دای او د
 غه کاره هخول کهنه
 دینشو شمرا نو په لسه
 کی د حافظ او ددی شعره-
 نوخه دتعارفاسی له اشعارو
 سوه خامه بیه لر
 زبه سیا غواری چی هپوته
 ورتخو ته دشعریه زبه لسه
 نیلی کوکل غصه زاوایس .

دراکبر اولاک

عبدالاکبر از سیمها و تانیاک
 شعر امروز جوانان است که
 تقریبا در راه و رسم ویژه هسی
 شعر میسراید و دارای نقطه
 نظرهای بسیار تازه نسبت به
 هنر میباشد - او سه سال
 بیشتر به شاعری پرداخته
 و اینک چهار مجلد «اماده
 ولی چاپ نشده دارد»
 آگاهی یافتیم که عبدالاکبر
 از مدت یک سال به انتظار
 به خاطر شعر دست به قلم
 نبرد است و وقتی درین مورد
 او او پرسیدیم در پاسخ گفت:
 هنوز هم در ایستاد ایمن
 سکوت خایوشم
 در شعرهای وی که ظاهرا
 به وزن شاملی می باشد دیدیم
 وافق تازه و شگفتی نسبت به
 اشیا و پدیده ها و روشهای
 جاری هستی به مشاهده میر-
 سد
 او میگوید در باره شعرهای
 چیزی گفته نمیتواند اما به
 الهام ناگهانی باور دارد - بدون
 الهام یک مصراع نیز سروده -
 نمیتوانم
 شعری از عبدالاکبر به نام ماور-
 کج را با هم میخوانیم:

من در خانه بی چشم کشودم
 که کلید در انتراد در دهان مار زهر ناکسی
 گذارد و بودند
 وان مار
 در دست وسط خانه به دور خود پیچید و بود
 و من از کنار خانه
 فریاد میزدیم

 با هم جنگیدیم
 مار



دعوتبران - دعوتبران

با آنکه مسجد جامع بزرگ شهر هرات جایگاه مقدس مذ هب است، مگر از چندین نگاه طرف توجه علاقه مندان علم و هنر قرار میگیرد. زیرا در این جایگاه مذ هب هنر و صناعت و مهندسی و سنگتراشی و میناتور - کاشیکاری خوش نویسی و گچیزی و ... در بخشهای بهمانند یافته اند.

آنچه بر عظمت و شکوه بیشتر آن مینافذ اینست که علاقه مندان علم و هنر هر کدام شیکارها و طرافت های آنرا به رفته و به خود وابسته میدانند و حق بجانب هم استند.

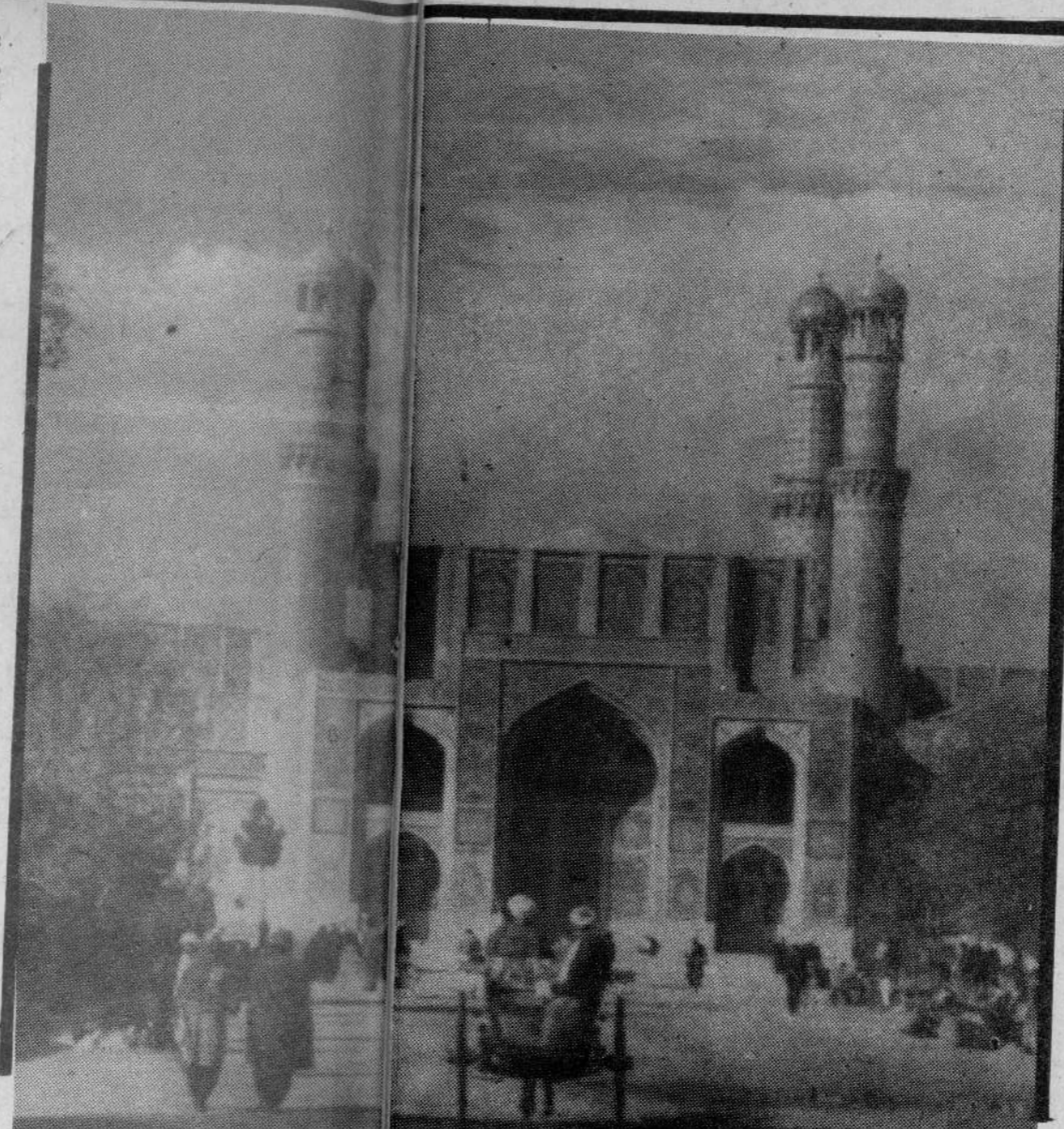
با اینکه نخست جدا از مذ هب بودن این جایگاه - مسجد جامع یک طرح و اثر بزرگ مهندسی و معماری است با بهره کبهای سبک مهندسی اسلامی (Islamic Architecture) این طرح به نظریه ساخته شده است که در آن Fundation کانی و لایه داشته و در آن و در آینه نیز خواهد داشت دور ناهای نیا های دوری و به روشی زیبا و برجسته کس و به روشی دارد چنانکه دور نای شهر هرات با میناتور مسجد جامع آراسته و دلپذیر گفته است و سهای شمیری مخصوص به آن داده است.

از سلیقه و بهره کبهای دیگر منحصر به فردان اینست که هنر ها و صنایع میناتور و کاشیکاری و سنگتراشی و نقاشی گچیزی و آلا خوره جلوه های هنر و ادب پنجم خوب و خوش با طرح مهندسی آموزش یافته اند و با یکدیگر که همه اینها در میناتور با یکدیگر طرح مینند - سی را به نهایت بهار ساخته اند. اینها همه با رنگهای یک به است بکار میناتور از تناسب خوب - هماهنگی کانی و تکرار معین کانتراست (تفرق نمایان) لازم و تضاد مؤثره که لازمه هراتر خوب هنری میباشد به خوردار اند.

یکی دیگر از برجسته گی های آن موفقیت صنعت سا - ختمانی بحیث یک شیکار دیگر است که ظالبا با در نظر داشت مواد ساختمانی کار شده (سنگ خشت پخته و سارو) آن زمان و از نگاه محاسبات ستاتیکسی و امکانات موجود امار چنین واحه های بزرگ با ارتفاع بسیار (۲۰ متر = ۱۵۸ م = ۵۱ م) عرض (برای عملا) بسیار دشوار بنظر میرسد با آنکه گمان نمیرود که محاسبات ستاتیکسی به روشی معادل به امروز صورت گرفته باشد. در حالیکه مهارت و عظمت ساختمانی آن با این شیوه و مواد شگفتی انگیز هم است.

آنچه درین نوشته مطرح میشود اینست که آیا انکشاف و با انکشافات تاریخی و مهندسی این مسجد او صاف و خصوصیات اصول وابسته بخودش را دنبال میکند یا به به راهگی میگذرد؟ پیدا است که سهای کوشی آن - در گذشته های دور و نزدیک - چنین نبوده است اما این نکته در تحقیق اینست که بعد هم پیش از امروز انکشافات معماری و با سازی این بنای تاریخی و مهندسی با الهام از سبک مهندسی بهین هماهنگی و متوازن با آن صورت میگرفته است. هر چند اندک - بیگانگی هائی از اثر در کارها رخ میداده مگر هرگز به بیابان دهه اخیر نبوده است که در بعضی تاکنین نیز داده دارد. اگرچه طرح های جدید و انکشافی باید متناسب با طرح گذشته و بهرین آن داده دهند. بهر کبهای آن نیز باشد و از زمان پدید آید خود هم حکایتی داشته باشند.

این گوناگونی با طرز و طرح های بیگانه در آثار تاریخی به تنهایی را می توانی کار میناتور بهتر نشانازند بلکه از اهمیت تاریخی و هنری و کاربرد آن بقدر کانی کاسته و آن را از لحاظ هنری و مهندسی در یک سبب قیمت نامساعد پراکنده و نا آشنا قرار میدهند.



این طرح های انکشافی بیگانه در دو بخش درونی و بیرونی مسجد جامع بدینگونه بکار رفته اند:

۱- بخش درونی:

الف: - سنگتراشی جدید و نیمه کاره صحن و مسجد درونی مسجد بجای فرش خشتن قدیمی سا آنکه به تناسب صف و مشون و مساحت لازمه هر نماز گذار - تقسیم بندی شده اما از رنگارنگی و تون سنگتراشی (سبک و سبک) اثر بخشی و هماهنگی لازم را با عناصر اصلی مسجد دارا بوده نمیتواند. شاید استفاده و بکار برد نوع کاشی با رنگهای یکدگر در تزئین دیوارها و کف کاشی ها - (صافی ها) بکار رفته در تزیین کعبه آن مؤثر تر میباشد و از سری بعمود پنداشته میشود که تقابل و تفرق (Contrast) بتواند جای بهتری داشته باشد.

اگر از فراز نام مسجد جامع - در زمینه ژرف نگریسته شود این انگاره نادرست جلوه می کند که تقابل و تفرق پدید آید و زیبا و سبزه بین شده باشد و باز با بودن دستگه مجبوزک - شی سازی در مسجد جامع - مورد نیاز نمیتوانست به آماسی در دسترس قرار بگیرد و به تزیین از همه این صحن بزرگ که دو تا بهستان بیشتر مورد استفاده

قرار میگیرد. داغ شدن - سنگتراشی کاربرد هم آن را مورد بهر شی جدی قرار میدهد.

ب: - وضو خانه دارای دو قسمت درونی و بیرونی است بخش درونی از نور کانی طبیعی برخوردار نبوده و امکانات نور رسانی دیگر هم فعلا - مسو بالای آن یک طرح بیگانه از مسجد است. بخش بیرونی حوضی دارد که در بیگانگی - مطلقا محیط خود قیاز - دارد. آب سرد و بخش زینر پوشش فضایی نیمه باز قرار دارد و در واقع کشتزار چمنک ها و نباتات آبی اند. این مسئله عدم لزوم چنین شیوه بکار گیری وضو خانه های بهیژه از لحاظ صحن میان میدارد. در شرایط معاصر اینگونه مسایل با استفاده از امکانات جدید آبرسانی بهتر حل شده سنی تواند.

۲- بخش بیرونی:

الف: - پارک در واقع باغ مسجد بوده با بهرین شهر وندان و رهگذران در اوقات فرازادی نماز و دیگر مراسم و ارتباطات - چه رهگذران چاده های اطراف آن همواره به مشاهده اثر میگیرند. - بحیث تفریحگاه نیز از آن استفاده شده و از لند سبک (Landscape) با تزیین ساحه ضعیف برخوردار.

دار است. چون این جایگاه را عامه مردم احترام زیاد میکند از سبب بهرین بنیاد بوده که انکشاف و آبادی های جدید آن در محراق توجه و علاقه مندی مقامات قرار داشته و از همین سبب ساخته ها و انکشافات آن (از هر چمن ستن) اخت. بجان اینکه دارای یک چشمه آبی و انکشافی مهندسی باشد. چون انکشاف این بخش هم در بیگانگی مطلق از سبک مهندسی مسجد صورت نموده است بنا به بنده نا آشنا این قسمت را ملحق و متعلق به مسجد فکر نخواهد کرد. در چند دهه اخیر در این پارک کارهای تزیینی انجام شده است.

الف: - احاطه در دوره حمله در مرحله اخیر کتاره و ادخال های فیزی ناموافق که احاطه یک مسجد و بهیژه این مسجد بوده سنی تواند بالای احاطه خشکی - بهین کار شده است.

ب: - حوض های وضو گیری دارای نل های بد شکل چمنی و بزرگتر ساختمانی بیگانه و دارند چمنک ها.

ج: - اتاق واتی هم دارای بزرگتر صنعتی نیا.

بقیه در صفحه (۸۴)

مسجد جامع هرات

نما و دورنما

هدف عمده :

مفاصل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفید ساخته و موجب تقویت شکم میگردد .

تبصره :

توجه کنید که پای دراز شده باید تا که میتواند - استوار نگه داشته شود . تا جاییکه توان دارید این پوز را برای مدت طولانی نگه دارید .

تمرین پایه کمک دیوار

هدایات :

- ۱- طوری ایستاده شوید که پشتتان به سوی دیوار باشد .
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانیده و فشار دهید .
- ۳- نفس بکشید و ساق پای راست را تا سطح لگن خالصه بلند کنید . پای تان باید نرمش و ارتجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد . این حالت را برای مدت (۱۰) ثانیه نگهدارید . عمیقاً تنفس کنید .
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید . استراحت کنید و پارا عوض نمایید .

فوتوی شماره (۴۰)



هدف عمده :

ماهیچه های چار سرولگن خاصه را سخت میسازد .

تبصره :

در موقع بلند کردن پا میتوانید با چسباندن دستها به دیوار توازن خود را حفظ کنید .

تمرین سطح

هدایات :

۱- شکم را روی فرش بچسبانید و دراز بکشید طوری که دستهای تان در کنار تان قرار داشته باشد و هوله رانزیر لگن خاصه هموار کنید .



فوتوی شماره (۳۸)



38

هدف عمده :

بطن را خرد و ثابت نگه میدارد .

تبصره :

موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید .

سرین بلند کردن پا

هدایات :

- ۱- روی پاها وزانوها تکیه کنید .
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید . پای تان باید ارتجاعیت و نرمش خودی را داشته باشد . ولی پای دیگر تان باید روی فرش - محکم و استوار باشد . نوک انگشتان تان باید موازی با شانه های تان باشد .
- ۳- کمر به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید . عمیقاً تنفس کنید و همین حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید .
- ۴- آهسته آهسته پا را پایین کرده و استراحت کنید . پارا عوض کنید .

فوتوی شماره (۳۹)

یوگا

- ۲- تنفس کنید و در همین زمان قسمت علیا و سفلی تنه را بلند نمایید. کمر را قات کنید و به بالا بنگرید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید. عمیقاً تنفس کنید.
- ۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید. یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید.

فوتوی شماره (۴۱)

هدف عمده:

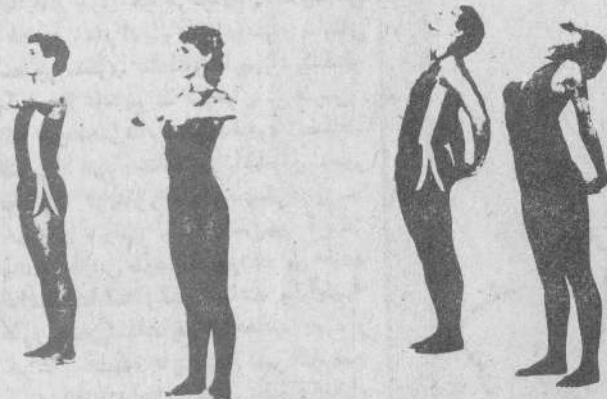
سینه، کمر، ران ها، لگن خاصره و شکم را تقویت میکنند.

تبصره:

این بزرگترین تمرین تقویت کننده عمومی بدن است.

تمرین فشار و هم آشنگی

هدایات:



- ۱- با راحتی ایستاده شوید.
- ۲- کف دستها را به هم محکم بگیرید و بازوها را تا سینه بلند کنید. آرنج های تان را قات نگه دارید.
- ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشید و کف دستها را بهم بفشارید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- خود را آزاد سازید و تا شمارش چهار استراحت کنید. تمرین را بار دیگر اجرا کنید.

فوتوی شماره (۴۲)

هدف عمده:

سینه و بازوها را سفت و متناسب میسازد. این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است.

تبصره:

موقعیکه کف دستها را بهم میفشارید سعی کنید عضلات سینه نیز فشرده شوند.

تمرین های درانت

هدایات:



42

- ۱- روی دستها وزانوها اتکاء کنید.
- ۲- زانوی راست تان را به یک جناح به طرف بوسرون تا که میتوانید بلند نمایید. توازن و کنترل را حفظ کنید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۳- ساق پارا تا حدود شش انچ پایین کنید و این حالت را مجدداً برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورده تا بحالت اول برگردد.

استراحت کنید و بعد تمرین را با پای دیگر مجدداً آغاز نمایید.

جنگی اصفهان

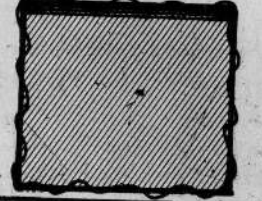
نوشته بود من اگر عطار را بلبه فروش هم بودم
برای تو آلبومی فارسی را که یگانه داروی —
بیماری تو می باشد منی فرستادم تا از آن
مرهی بیماری و نواده چنگیز در جهان وجود
نداشته باشد .
و صول نامه مژ بور مرا خشمگین کرد و
دانستم که سلطان منصور مظفری پادشاه
فارس مدتی است مغرور و خود پند و
نادان چون اگر نادان نبود در جواب —

من راجع باصفهان که می گفتند قدیم
ترین شهر عراق است بیزها شنیده بودم
و میل داشتم که بروم و آن شهر را ببینم یکی از
علل حرکت من از خراسان در فصل
زمستان بسوی ماوراءالنهر این بود که
در بهار سال ۷۸۰ هجری برای عزیمت
بطرف عراق آباد میباشم و بتوانم خود را به
اصفهان برسانم من نمیدانستم بعد از —
اینکه باصفهان رسیدم چه خواهد کرد و
آیا عازم فارس خواهم گردید یا نه ولی
اطلاع داشتم که باید روزی سزای سلطان
منصور مظفری سلطان فارس را در کف
بگذارم (توضیح — در تواریخ فارسی
نام این شخص شاه منصور مظفری است
مترجم) شرح اختلاف من با سلطان منصور
مظفری از این قرار است : در سفر دوم —
خراسان و وقتی وارد آن سرزمین گرد —
یدم حال من خوب نبود و پزشک من عقیده
داشت که کسالت از گرس می باشد و اگر آلبومی
فارس بخورم کسالت رفع خواهد گردید در
خراسان آلبومی فارس پیدا نمی شد من
گفتم که تو از سلطان منصور مظفری بخواه
که با کاروان — ریح السه را با ما برای تو
مقداری آلبومی بفرستد .



بینی

بیتها گمشده



من آن نامه را ننوشتم در همان روز که نامه
مژبور من رسید تصمیم گرفتم که روزی دماغ
سلطان منصور مظفری را بخاک بمالم ولی
تا وقتی عراق را نمی گزفتم نمیتوانستم خود
را بفارس برسانم زیرا بطوری که گفتم یک
قشون بزرگ نمیتوانست از راه کوه ایسران
عبور کند و در راه جنوب عراق یعنی نزد
کسریان و فارس برساند .
وقتی بهار سال ۷۸۰ هجری فرارسید
باید قشون یکصد و بیست هزار نفری از ماوراء
النهر براه افتاد و وارد خراسان شد
من قشون خود را به واحدهای چهل هزار
نفری تقسیم کردم و فرماندهی د و واحد
را بدو سپرد خود را گذاشتم فرماندهی واحد
دیگر را خود برعهده گرفتم از طوس به
راهی عزم بسوی ری نمودم و من آن راه را
پیش گرفته بودم و اینکه بمقامتی برخورد

جاری نمی گردید آن شهر را مشروب می کرد
ولی دو سال قبل از این که من به ری بروم
در زمستان زلزله ای مهیب شد هر بار زلزله در
آورد و آن شهر بزرگ پس از چند دقیقه
ویران گردید و آرزوی غیر از ویرانه ای باقی
نماند عده ای از مردان و زنان که توانسته
بودند هنگام زلزله از شهر خارج
شدند و در قریه های اطراف پناهنده شدند
از آن پس چون باصفهان نزدیکی می
کرد بدم قشون کسی من وضع جنگی پیدا
کرد و دو طایفه بجلو فرستادم و من اول
و دوم پنج فرسنگ و بین طایفه دوم و قشون
من پنج فرسنگ فاصله وجود داشت طایفه
ها و همچنین عقب د اران موظف بودند
طرفین را راهم تحت نظر بگیرند تا ما
از جناحین غافلگیر نشویم از روزی که من

وارد ری شد راه اصفهان را بستند و
شتم هیچ کس بسوی اصفهان نبرد تا کسی
خبر حرکت قشون مرا بسوی اصفهان بان —
شهر نرساند من میخواستم اصفهان را غافل
گیر کنم تا اینکه مجبور به رفتن و دور نشویم
اگر اصفهان بدون مقاومت از پای در میس
آمد من میتوانستم راه فارس را پیش بگیرم
و سزای سلطان منصور مظفری را در کنار
بگذارم اما اگر اصفهان مقاومت میکرد
و جنگ طولانی میشد ممکن بود موقع قشون
نشی بفارس بگذرد گوا اینکه شنیده بودم —
که هوای فارس گرم تر از هوای عراق است
پس از اینکه اصفهان را محاصره کردم
میدانستم که شهر مزبور از تنگی از یاد رنمی
آید زیرا علاوه بر (زاینده رود) که از —
وسط شهر میگذرد اصفهان در بطوری که می

فمن تابستان را با نیز خریه داری می نمایند
بدین ترتیب که در اقل راد رفس تابستان
ابتیاع میکنند و خیزم راد رفس پانزده خنظام
قطع درخت های خشک یا اشجار زائد خریدار
ری می نمایند لذا توانستارند استعمار که
اصفهانها به بزودی از گرسنگی از یاد آیند
ولی از ایام تابستان قصص در شهر آغاز
خواهد شد .
من نمی توانستم بدم و بیست هزار سرباز
خود را تا ایام تابستان پشت حصار اصفهان
معرض کنم و علاوه بر هزینه قشون از شمال هم
خیلی مضمّن نبودم من میدانستم که در —
خوزستان دشمنان سر سخت دارم که اگر —
بمن دسترسی پیدا کنند مرا با سخت ترین
شکنجه ها بقتل خواهند رسانند و نیز اطلاع
داشتم که در آن ریاچان پادشاه نوریستند

کردن و بعد نبود که بوسیله نبیره از
بلاد دیگر کتب بخواهند عادت کبوتر
این است که هر جا باند بسوی اصفهان
پر از می نماید و اثر کبوتر را در اصفهان
آسیان دارد در فاصله پنجاه فرسنگی —
اصفهان رها نمایند بسوی شهر پرواز می
کند و وارد آسیان خود می شود گاهی فکر
میکردم که محاصره اصفهان خاتمه بدهم
وراه فارس را پیش بگیرم و بیست پادشاه فارس
بروم ولی من فهمیدم که قرار دادن شهری
مستحکم چون اصفهان را در عقب خود —
ورفتن بسوی فارس دیوانگی است چون شاید
راه مراجعت مرا قطع نمایند .
گاهی هم با خود می گفتم بما ورا ان شهر
برگردم و سال دیگر عزم اصفهان کنم ولی غرور
من مانع از این بود که بدین کشور شهر
اصفهان مراجعت نامم .
در بهار ماه روزی از نزد هم جمادی الاولی
در سال ۷۸۰ هجری قبل از اینکه آفتاب —
طلوع کند و اندکی بعد از اینکه فجر دمید
صله بزرگ علما اصفهان شروع شد .
گفتم حصار اصفهان سخت فرسنگ و نیم
طول داشت و درای سصد برج بود و از —
پشت حصار را به عبور میکردم و هیچکس
نمیدانست آن حصار چه موقع ساخته
شده ولی بدفعات آنرا درست کرده
بودند .
پیشتر نماز قصبه (سده) برای نقل —
کرد که حصار اصفهان از طرف نوح پیغمبر
ساخته شده و آنقدر حصار مزبور محکم است
که طوفان نتوانست آنرا ویران نماید و حتی
گفت که نوح پیغمبر قبل از طوفان —
کشتی خود را در اصفهان ساخت و از آنجا براه
افتاد و ویران کردن آن حصار حتی به
وسیله احتراق باورت کاری بود مشکل برای
اینکه خیلی غصابت داشت . معذرا برای
اینکه بتوانم زودتر شهر را تصرف نمایم —
مجبور بودم که حصار را ویران کنم و وقتی
از سربازان خود را وارد شهر نمایم وقتی
سربازان من وارد اصفهان شدند در تمام
آن شهر یک شب و یک قاطر و الاغ و یک
سکه وجود نداشت و سکه اصفهان تمام
جانوران را از فرط گرسنگی خورد بودند .
در آنروز گرسنگی سکنه شهر خیلی با
کمک کرد و اگر اصفهانها گرسنه نبودند —
بسهولت از یاد رنمی آمدند چون در —
مدت محاصره طولانی شهر اصفهان نشان
دادند که میتوانند مقاومت نمایند . با مداد
آنروز آفتاب در دهن و حد آزان هواستور
از ابر گردید و با نظیره اولین باران —
پانجمی باریدن گرفت و پیش باران مارا
از بیت میگرد لکن بیگانه ادامه می دادیم
ادامه دارد

هست و هرگاه امیر خراسان و امیر شمال
و پادشاه آن ریاچان با هم متحد شوند می
توانند بی قشون نوریستند علیه من هجوم
نمایند . این بود من میباید هر چه زودتر
کار اصفهان را بپرستم و ولی صدای کلنگ
زدن ما توجه اصفهانها را جلب میکرد و طول
نمیگذاشت که از بالای حصار مشعل هایی که
بطناب آورخته بودند نمایان میگردد و در سای
حصار را روشن می نمود و صد کلنگ
های گران سربازان ما فرود می آمد
من از جنگ اصفهان بی آزمایش دیگر
تصمیم کردم و آن ضرورت تر بود
شاهین بود و بقیه من وارد اصفهان
شدند و همه گرسنگی که روزها دست
های از کبوتران در آستان شهر پرواز
میکند .
اهالی سده میکنند که اصفهانها
خیلی به نبیره علاقه دارند و از کودکی کبوتر
انرا تربیت و اهلی میکنند ولی نمی دانستم
که کبوتران مزبور سوله انتقال خبر از نقطه
ای به نقطه دیگر هستند . اصفهانها
بوسیله کبوتران زودتر شنیدن من بشهر —
مطلع شدند و خود را برای دفاع آماده

بردم شهرهای است بر آب و در هر نقطه که
زمین را حفر نمایند آب می رسند ولی امضا
وار بودم که گرسنگی سکنه شهر را از یاد
آورد لکن اثری از قشون محسوس نمی شد
از سکنه قصبه (سده) پرسیدم مگر —
اصفهانها چقدر آذوقه دارند که دو چار
کمبود خواهد داشت . سکنه قصبه مزبور
بمن گفتند که سرب اصفهانها این است که هر
سال در موقع خرم کوبیدن آذوقه یکسال
خود را باند یا با قساط خریداری می نمایند
و در خانه جامه دهند و خیال آنها تا موقع
خرم کوبیدن سال بعد از حیث آذوقه
آ سوده می باشند آنها نه فقط غله یکسال را
یکجا ابتیاع میکنند بلکه در مواقع عادی
اگر کسی در بازار شهر قدری خوبها
غله یا روغن خریه داری نماید معلوم میشود
که اصفهانها نیست زیرا اصفهانها خوبها
خانواده خود را بطور جزئی خریداری
نمی نمایند چون میدانند که برای آنها گران
تمام میشود . بنابراین اینک در تمام خانه
های اصفهان غله و حبوب و روغن هست
و حتی مواد سوخت آنها هم تا سده رسوا
اصفهانها ذغال و خیزم یکسال راهم در —

احیای کتید

هند اصلاً تا عهد اردبیل چسرا که میگویند بخاطر ایزان بودن قیمت آن تا حیران ادویه به کپنی ها فرمایش میدهند که مثلاً امپلین ۵ ایتالیایی و کوئو امکا نول ۸ ایتالیایی تهیه کرده بفرستد اینک مواد آنرا از چی می سازد مهم نیست در همین رابطه است که نزدیک است ادویه های تولید شرکت هونست فارمی ساخت وطن که خیلی موثر و مفید است ایزان را بیافند بجای چهل

تابلیت ویتامین یا مسکن هندی ده تابلیت از همین نوع ساخت وطن موثریت بیشتر دارد در حالیکه قیمت آن نیز می تواند اقتصادی تر باشد اما متأسفانه در شرایط فعلی بنابر بلند بودن قیمت آن مردم ترجیح میدهند ادویه ایزان اما غیر مفید و آخر پداری نمایند اغلباً هشتاد پان بیسواد مردم مانی که از اطراف می آیند ادویه تاریخ تهر شده را بدست میآورند که حتی سبب

مسجد جامع کرا

۱- مناره یادگاری (مونسو - منت) دارند و وجود غیر ضروری
۲- تانک بزرگ فلزی برای ذخیره آب بالای دیوارهای سنگی بلند و کلفت
۳- تشناب های عامه و چاه همیق جدید (دوراز خصوصیات ماحه)
۴- حوض های تزئینی با ارتفاع بلند دیوارها و دارای دید دشوار که هیچگاه زیست بخش و ظریف بوده نمیتواند و نام هیچ سبک مهندسی را روی آن نمیتوان گذاشت

خدمات و عناصر بسیار شده بالای شده که در خارج احاطه متعلق به مسجد باشد استفاده از امکانات تکنیکی و یا تفاوت ارتفاع (تفاوت بهشرا از ۲ متر در سطح) در زیر زمین بکار گرفته شوند تا هم سمای مهندسی این بخش زیبا بهم نپیوندد و هم ناموس ترازان بدست میآید
همه و همه اینها اهدای خوب و شریفانه می بوده اند که جهت فراهم آوری تسهیلات بیشتر و بهتر برای مردم و آراسته و پیراسته ساختن این شاهکار جاودانی، از نگاه اهمیت تاری

مرگ بیمارشان میکردند
روپ بادنجان رومسی
که از دستها به اینسو ماجرای
دورود را از سرگذشتانده
است هنوز در انواع قلبی
خود وجود دارد به فروش میرسد
در اکثر منازل بخاری
ها و اشتوب ها و در اکثر جاهها
حاشین مؤنزه خراب شده
اند چو که در تیل آب مخلوط
میکردند و این آب آفت
مانین آلات است که چقدر
ضرر دارد خدا میداند؟
روغن های که با کچالو پر می
شوند همزکم
نیست اگر بخواهی برای ساعت
باراد بوی پاکدام و نسکه دیگر
بگری بخری حافظت نمیشد
بیوفانی بخری امیل پیدا کنی
و این امر انواع آن نقلی است
و بهتر از چند روز کار میدهد
و سرگام باین
تقلب چه باید کرد؟
بدرست ساختن
مردم را از طریق اعلانات و تبلیغات

بلند پسر • شاروالی کابل
از تادرنست نر راکترو
کند باید جلو تقلب را بگیرد
ترازی که بی انصاف است
و دست وزن نمیکند ترازی
تصابی که پشراز کوشند انصاف
شده چرو دارد باید مجازات
شود • اجناس فروشنده گان
باید در بازار چت شود آنچه
تا این گذشته و غیر صحت است
باید از بازار جمع آوری شود
و نظمه هر مشعری ماست
که هنگام خریداری نیاز مندان
انسان را در انتخاب اشیا
و اجناس مورد ضرورت شان از
دست درستی بودن و صحت بودن
کمت کنند از چو ندهند که بدی
فروشنده های بی انصاف
خان به چشم خریدار ساد
بخورن باید پیا شد
لطفاً به دوستان و نزدیکان
همکاران و مسایان خود
بگویند که در خرید و در هر
خرید محتاط باشند چرا که
این بازار قلب جقدر رنگا
رنگ شده

یخی، مذهبی، هنری و -
مهندسی مسجد درست و چها
بکار بسته نشده اند و حتی
از ارج و بهای مهندسی و -
هنری آن کاسته اند هر کاه
کسی به این بخش چشم بد و زد
سمای یک مو سه ساختمانسی
فرا روی او سبز میشود تا -
الحاقیه یک مسجد نگرستن به
این واقعیت آشکار می سازد که
یا مهندسی مین مراجعه نشده
و یا مهندسی روی بعضی عوا -
مل مجال و امکانی برای طرح
های موافق و موثرند استسه
اند
این گونه برخورد های -
شتابزده در برابر بنا ها و سا -
ختمانهای دارای اهمیت تاری -
خی فرهنگی و مهندسی و بیوژنه
در بارانکشاف مسجد جامع بزرگ
هرات فردایی نخواهد داشت
چنین مسایل از چند نگاه مزایه
برپاد شده مای بالا زمان -
های اقتصادی زیاد رانیزه
بار میآورد:
۱- اعمار طرح های نا -

موافق
۲- تخریب همین طرح
های ناموافق در آینده روشن
فرهنگی
۳- پیاده نمودن طرح
های موافق دوباره در آینده -
روشن فرهنگی
بمنظور جلوگیری از برهم
زدن سهام فرهنگی و مهندسی
آثار تاریخی که در واقع بیانگر
تاریخ و فرهنگ هر جامعه بگونه
مادی آن اند و جلوگیری از زیان
های فراوان اقتصادی ناشی
از بیگانه بر خوزدها و ضروری
و حتی است تا صلاحیت -
طرح و دیزاین و عمارانکشاف
مهندسی آثار دارای ارزش
های باستانی و هنری به اهل
فن و مهندسی که به تاریخ
و اثر آشنایی و علاقه دارند داده
شود • و باید هر اثر قابل ترمیم
و انکشاف دارای جنرال پلان
ویا دورنمای انکشافی باشد
و این مسئله ای است که اندک
توجه و دستوری به آن نبوده
است

بیار و جتنجیالهای

خانواده شناسایی شده است، از نظر سایکو لوژیکی نیز استقرار حزب کانگریس که شخصیتها ی چون جواهر لال نهرو و اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن قرار داشته کار بزرگی است و ضرورت به آن دارد تا به راه هنوز هم بهتر و خویتر رهبری شود.

شرح مختصر زنده گی ناراسیمهاراؤ :

پامو لائوری و ینکاتانارا سیماراهو پی سیار مردی از جنوب هند است. او زیاده شناس هدا نشینند، ژورنالوست و حقوق دان، معلم و اداره چی برجسته است. آقای راو که به تاریخ ۲۸ جون سال ۱۹۰۷ روان هفتاد ساله شد چندی قبل مسوول لیت بزرگی را عهده دار گردید. او به تعقیب قتل راجیو گاندی به حیث رئیس حزب کانگریس اندرا را انتخاب شد. آقای راو زاده یک اداره چی یا تجریه است از روی مهربانی پی. وی صدا میزنند. همیشه کارهای کلیدی را چون مستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلیم و ترمه هم در مرکز هم در زادگاهش ایالت اندرا پرادیش از سال ۱۹۶۲ به این طرف به عهده داشته است. همچنان او را اعظم ایالتی اندرا پرادیش نیز بوده

است.

موصوف در سال ۱۹۲۱ در یک خانوادۀ دهقان در محله کربننگرایانست اندرا پرادیش دید. به جهان گشود. او با معنویت بزرگ شده و طبیعت شاعری نیز دارد. آقای راو درسه پوهنتون درس خوانده که عبارت اند از: پوهنتون های عثمانیه، بیثی و هنگکون و درجه لیسانس در علوم طبیعی را به حقوق یکجا کرده است.

پس شهرت و اعتبار او به ثابۀ انسانی که بنفدین زبان را میدانند سایبر استفاده ها و دستاورد هایش را تحت تاثیر قرار داده است. مهارتش در حرف زدن به دلسانهای انگلیسی و هندی سانگریت و تیلوگو، کانادا، امرای قاره سی مغربی و هسپانیوی و فرانسوی او را یکی از مؤثرترین وزرای خارجه هند و ستان نشانی کرده است. در پهلوی آن کارهای ادبی اثر نیز قابل ملاحظه است و جلایزه اول ساهیتیا اکادمی را به خاطر ترجمه اثر "ویشواناتاستهاناراینا" به زبان هندی به دست آورده است. او همچنان نا ولی را از زبان مراتی به تیلوگو ترجمه کرده است. ناول مذکور را نوشته

پسندۀ معروف هری نارایان اپتی نوشته بود و مورد تحسین فراوان نیز قرار گرفته بود. آقای راو برای شش سال در راس کمیته انتخاب جایزه جان پت قرار داشت. آقای راو هنوز در مکتب بوده که به سیاست رو آورد و در اعتراض علیه حکومت نظام که سرودن و آندی ماترام راجع قرار داده بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فعالانه سهم گرفت. به همین گونه او در

جنبش آزادی هند در سال ۱۹۴۲ سهم فعال داشت.

مگر آقای راو بعد از آزادی هند چهارم شناخته شده سیاسی شد. از ۱۹۵۲ برای بیست سال تمام عضو اسمبله اندرا پرادیش بود. در ضمن مدت برای ده سال سمت وزارت و سه سال هم صدراعظم ایالتی اندرا پرادیش بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ از کربننگر خود راه اسامبلهکانند پذیرد و چندین بار بازم از اسامبله نجا وارد اسامبله شد. همچنان او برای نخستین بار بعد از انتخابات سال ۱۹۶۲ در کابینه سنجواریدی به حیث وزیر مقرر شد و خانم اندرا گاندی او را در سطح ملی راه داد. به حیث سکرتیر جنرال حزب در زمان حاله اضطرار مقررش کرد. هم چنان در سال ۱۹۸۰ او را وزیر خارجه ساخت.

راجیو گاندی نه تنها از سبب کبریا و بزرگی بلکه از سبب استعداد شریه ناراسیمهاراؤ احترام داشت. راجیو گاندی بعد از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۸۴ مقام وزارت دفاع را به آقای راو سپرد و بعد او را به وزارت انکشاف منابع انسانی تبدیل کرد.

به این ترتیب جای تعجب نبود که چندی قبل به حیث رئیس حزب کانگریس اندرا تعیین گردید. راجیو گاندی و دیگران او را به حیث فرد دم حزب موشناخته حتی احزاب سیاسی رقیب در انتخاب او و به حیث رئیس حزب کانگریس مکن العمل مثبت نشان داد.

آقای راو سه پسر و پنج دختر دارد و خانمش در گذشته است.

کیا بی طرف ...

گفت: راه مدین افغان جدا و راه مدین مخرع جداست. کارهای ما بی ارتباطی با هم ندارند. اثر مدین افغان مرا همکاری بر منهایی کند همکاران را من پذیرم آن هم به خاطر خدمت به مردم و ملی رفته های ما از هم جداست. کسی که کسانی شمارا در دست کارهای تان مساعدت نموده اند؟

— من هرگز یک های استیفاء دان پوهنتون کابل را فراموش نخواهم کرد مخصوصاً کمیت استاد مانی را نمیتوانم بدست فراموشی سپارم و در کار آن ها دوتا ریه نامهای طاهر و حاسی جمعه آن در دست من و دیزاین به مانی به سبب مساعدت برای کرده اند از این همنه مشور با هم بود.

— آهای زینه آری بهتر از خارج

از کدیر و پیشبرد کارهای تان ایجا در دیده است؟
— چندین سال قبل که امریکایی ها به وریا بودند به سبب تان این خواستند تا با امریکاییان توافق استخراج را در امریکا انجام دهند. من چنانچه آن را رد نمودم.
— آسمه در مساحیه های تان تان خوانده ایم شما بیست مانی بیل سازی نیز استخراج نموده بودید که روزانه صد ها بیل تولید می نمودند در این مورد لایحه رویشی بنده اند؟
— زمانیکه مانی بیل را استخراج نمودم فکر کردم که توانسته ام تسهیلات را برای دهاتین و دیگر هموطنان مهیا نموده ام

اما یانا ست هیچ عکس العمل و تشویق را در مقابل ندیدم و آن ماشین را برای کسانیکه خواست خریداری آن را داشتند فروختیم.
بعد از ختم کلام متوجه شد که باید دیگها را از زمین دایر بگردن آورد قبل ازین که به بیخ بزنند. دیگها هرود گت مسن چیزهایی را بیجان که مردم هموطنانم به آن ضرورت دارند.
یا تان من تان به طرف دیگها رفت زمانیکه روی دیگ را برداشت و اتعا جانب بسود دیگ شوریا محو میزد و بیجان دین ریخته شده بود که همه را متحد ساخت.

بسیاری از اطفال ها اطفال
 نثارا قبل از این که به کوچه
 کستان بیاورند عادت داده
 اند تا به کوچه ریشو بر ساری
 شان از بازار مکتوب خوردنی
 بخرند تا طفل شان بارها به
 به طرف کود کستان بیایند
 اما اگر روزی همان کار صورت
 نگردد کودک یا طفل با راهی
 شدن به طرف کود کستان
 به گریه می افتد دیگر این که
 بسیاری از کودکان در روزهای
 اول که به کود کستان میایند
 نابلد میباشند از همان سبب
 با آمدن به طرف کود کستان
 ناراضی می شوند میشوند اطفال
 به نشان داده است که این
 گونه اطفال پس از مدتی بسیار
 کود کستان چنان انزیم میگردند
 که حتی با آمدن به این طرف
 دیگر خدا حافظی را با والدین
 خود فراموش نمیکنند در لغیر
 از اطفال نورستانی همان
 کود کستان دوستی در صورت
 آن چه که اطفال در کود کستان
 میآورند پرسیدیم

تشرف برده بود و دیگری نیز
 برای مدتی رخصت گرفته است
 با ظاهره ظاهر مساوی
 کود کستان ستاره بعد از یک
 صحبت کوتاه به طرف منسوب
 کود کستان راهی شدیم
 معلم میشد که
 معلمان همه با چندی بلندی
 اطفال سوگرت اند و غویایی
 آن دادگر برای شان خسته
 گشته نیست با بدین مایگی
 از معلم ها آمد از خاموش
 باشد ، برای معلمان سلام
 نهدید ؟ بعد همه اطفال باد
 یک صدای داد زدند سلام و مهر
 کدام آمده است دوست در سارو
 به جاهای شان نشستند من
 با ستاره از وضع پرسیدیم
 راباز کردید و این دیوان در سخن

بالای تریه اطفال چه نقشی
 را داراست ؟
 - ما خانه باید گفت که استند
 بسیاری از نواهران ما کسه
 ظاهر آراسته و تحصیل خوب
 دارند ولی در برابر کودک شان
 برعکس عمل میکنند بعضی
 لباس طفل اتوباشند و کتیف
 میباشند و به شکل ستوان قبول
 کرد که طفل از او استرس از
 ماله دوست معلم دیگر
 کود کستان ستاره پرسیدیم که
 هدف عمده کود کستان چیست
 آیا صرفاً غذا دادن به اطفال ؟
 نخر گذا یا ضرورت است
 اما در کود کستان التین بر سر
 نندزه و نگهداری اطفال تشویق
 نمودن اطفال به خواب ، سا-
 مت تیری ، بازیهای حقلایه

نداشتند و اگر چند شاگردی
 هم گماستند همه در خواب اند
 مامم سخنان او را گوش داده
 روز دیگر مراجعه نمودیم
 با داخل شدن به صحن
 کود کستان مگر میشد کسه
 کود کستان روز قبل نمیشد
 معلم ها و شاگردان با جدیت
 و نظم صرف کار بودند بسیار
 استفاده از وضع در صنف های
 این کود کستان قدم گذاشتیم
 در صنفی که داخل شدیم معلمی
 به اسم حضرت نیاز معروف
 صحبت با شاگردان بود بعد
 از معرفی بوالاثنی را با او مطرح
 نمودم که سخن ماله بسیار
 پاسخ ما را ارائه نمود
 مثلا از حضرت نیاز خواهیم
 تا در مورد بازیهای شان
 در کود کستان چیزهای بگویند
 او هنوز لب ننگزوده بود که ماله
 چنان پاسخ داد : نداشتن
 سامان بازی و مواد درسی یکی
 از بازیهای عمده است
 بعد پرسیدیم چگونه اطفال را جذب
 ب کود کستان می نمایند ؟

معلم، مادر و ...

بقیه از صفحه (۲۱)

با پلا تیدی پاسخ داد :
 در کود کستان اطفال موسا
 یکبارهای مدتی و همیشه
 سازی و سرور کاری خواندن
 سرودن شعر ، ترانه ، کتاب
 گرا گوی روش ادبیات با اطفال
 و بعضی مملو با آهنگی بسیار
 در نظر داشت من شان آشنا
 میشوند و با ناطق که توانستیم
 ام این امکانات را برای شان
 فراهم ساخته ایم
 بعد از ختم سخنان محترم
 ناطق نورستانی از پی تشکر
 نموده و پس از این ساعت
 کوتاه وارد کود کستان ستاره
 گردیدیم
 این کود کستان گریه
 نداشتند و با شکر ترنم به
 کود کستان دوستی به نظر میآمد
 اما سلبه و نظارت درین جا هم
 کاملا برقرار شده به چشم
 میخورد ، با پیروان در بازیهای
 دور و دراز عقب در مساوی
 رسیده با تا تک باید گفت که
 در هر دو کود کستان آمین شان
 تشرف نداشتند یکی به خارج

و نشان درسی این ها همه
 پلان هایست که باید بالای اطفال
 ل تطبیق شوند
 رحمه مشخص معلم دیگر
 کود کستان ستاره برای مادران
 کم تجربه چنین گفت : زمانیکه
 یک دختر مادر میشود باید
 بیشتر از همه توجه صحت ، نظا-
 لت و تکوین در بازی طفل خود بها
 شد در ضمن آن طفل کیودهای
 راه در وجود خود احساس
 نمایند همه تا تیرا صورتی
 اند که آینده طفل راه خط
 میاندازد در غم حرفهای
 معلمان کود کستان ستاره
 ره مان را به طرف کود کستان
 شور و تمهین نمودیم ، ساعت
 دویم پس از اقامت بود و تکی
 به امین آنجا مراجعه نمودیم
 با ماله میاندیدیم آن کود کستان
 معرفی شد سخن ماله
 جان پس از معرفی و ختم
 سخنان ما از او است تا
 روز دیگر به آن جا برویم چه
 به گفت خود در از طرف
 بعین آن قدرها نهاد شاگرد

ز اندم از جمله معلم صاحب
 ها یکی مسرور هام را تا به
 نمود دیگری سرخورانند
 و آن دیگر تیسر میبود ناگه
 هفتم معلم شیر خوار گناه
 کود کستان ستاره در پاسخ
 یکن از پرسشها ام گفت : بعضی
 جار و جنجال های خانواده گن
 بر خاست مادر و پدر و از همین
 ثعل حالات تاثیر مستقیم
 بالای روان کودک دارد ، ما
 داشتیم ام از همین گونه
 اطفال که روح امین بوده اند
 همان حالت پزیرنده کی طفل
 هم اطفال دیگر را نیز تا تر
 میازد ، این وظیفه معلم
 ست تا چه گونه طفل را از تشویش
 های روانی ، خشکی و دلنگنی
 برهاند زیرا راجحان بسیار
 سازد که طفل همه تشویش
 درونی را فراموش نماید تا گتسه
 نماید گذاشت که سلامت نمودن
 خلی خوب زنده کی بسیاری
 طفل در قدم نند و وظیفه
 با تقویت اوست
 پرسیدیم تسلیل مادران

بقیه از صفحه (۶۱)

آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفتندم که در هر دو رشته قهرمان میباشم .
 - آیا به نظر شما ورزش بد منتون ثقیل نیست ؟
 - بلکنی میکند و با جسم میگوید به تصور من سوال شما از این نکته منشاء میگردد که من یک دختر استم .
 - نخیر ، های-چنین حرفی در میان نیست و صرفاً از نگاه ورزش طرح نمودم .
 - خوب ، بشنوید]
 ورزش بد منتون ، ورزش - اجتماعیت که به تعقیب و الهیال یگانه ورزش ثقیل میباشد و زیرا این ورزش هم به شکل دبل و - هم به شکل سنگل " انفرادی " اجرا میشود و پرورزشکاران تا حاکمیت عام تمام بالای مسدان داشته باشد ، البته در شکل

انفرادی آن با نام این ورزش - بکیت بد منتون ، پروجا ل میباشد .
 - به اثر معلوماتی که در مورد شما به دست آورد ، ام شما - همیشه قهرمان بوده اید . راز موفقیت تان چیست .
 - در مورد اینکه همیشه قهرمان بوده ام ، و فعلاً خودم را از این نمیتکم و اما در این زمینه از - تیرمان خوب خود محترم - محمد عظیم و محترم محمد رسول دشتی سپاسگزارم و در قدیم دهم پشت کار و حاضر بودن خودم به شکل منظم در تفریح - بنات میباشد . موصوف افزود چارصال قبل مسابقات فاینل جهت انتخابات اعضای تیم ملی

از طرف کمیته ملی المپیک در - انستیتوت پولی تخنیک کابل راه اندازی شده بود که با اخذ مدال طلا تقدیرنامه و یک کپ قهرمانی مقام قهرمانی را حایز شدم که - البته در رشته پینگ پانگ نیز دسترس کامل دارم و در این رشته یک مدال نقره و یک کپ قهرمانی و بی شما تقدیرنامه های ورزشی دارم .
 - چندی پیش سفری به کشور اتحاد شوروی داشتم در مورد نوعیت و نتایج مسابقات تان حکایتی شنیدم .
 - یکجا قبل که جهت اشتراک در مسابقات دوستانه عازم کشور اتحاد شوروی شده بودم با - تمسهای جوانان رشته بد منتون و پینگ پانگ مسابقات را اجرا نمودم که به اصطلاح همیچ " باخت " نداشتم و از آنجا با خود یک تابلوی ورزشی و یک پتنتون که تصویر ورزشی بروی آن حک شده بود از جانب -

فدرا حوسن آن کشور برام داده شد .
 - در اخیر اگر پرسشی راطرح نکنم خودتان چی خواهید گفت :
 اینکند آخرین لحظه رشته کلام رابه دست من سپردید با استفاده از فرصت میگویم که ورزش بد منتون از سالان د رازی درلست ورزشهای کشور ما درج گردیده و ورزشکاران بسیار - متعدد همین اکنون در این عرصه داریم و اما اندکترین توجهی بخاطر حضور ما - ورزشکاران این رشته در خارج از کشور نشده است .
 موضوع دیگر اینکه همیشه و - میخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ نمایم .
 - من هم موفقیت و قهرمانی همیشه کنی برایتان آرزو میکنم .

د (۳۳) خ پانی را خد بفرستی ...

((داهلك لوتى دى . نيه به داري چى كوك بل شونيسى تهى ولبزو))
 هلك وويل :
 - ((و لوتى ته يم . راصه چى دهنه شتن سري ماهى ته ورشو او كوتى س وگورو ته به حتما وويى چى دهنه د كوتو شاو خواز ناد پلار له غوتو جوشوي او ياشى چى دهنه دوه سترگى او پوزوه زوز د كوتو به تلى پوري نيشى وي))
 مدير وويل : ((و عقده لرم چى دا كوچنى لوتى دى...؟ محسن سواب وركر :
 ((دهنه لوتى ته دى . ما پخيله هم خو واري خپلى كوك نى دده پلار و پوري دى ، خو دوروستى بل لپاره كله چى وولم ، مانه سى وويل چى م شوي دى))
 دهنه خنگ م شوي دى ؟ يو وڼ دهنه فونشل چى به سوه كوتنه كى مخ وويى . كله سى

چى كار پاك و ته ورته و دى ليدل چى خپل كوتى س تو - كلې دى . تا سو وگوري ، دهنه داسى محكم سندان و هلس ووي چى نژوي و سندان سوري شى دهنه لاسره سندان پوري كلك نيشى و او تول دهنه خلك چى په لپاره تهيدل ، مرسته سى و سوره ونگره ، هوگي ، له ده سوه چى مرسته ونگره او دى په سندان پوري نيشى م شوه ...
 مدير محسن ته چى دكوك چنى تر خنگه ولاړ ووه ، وگل . دهنه دواړه داسى پويول نيشى ووه ، چى تا به ويل دوا - ره سوه بو دى او مدير خپل - سر خو واره سى له دى چى وواى ، وپوزاوه . بيا بېرته وگرديد او په خپل بڼه خوگي كيناست . دكافله پانى سى دسزه سوه واخيستى او خو شپى وروسته به سى دسترگو له كوتنه محسن او كوچنى هلك ته وگل .

بقیه از صفحه (۵)

مردم در ...

اتحاد ولدوله سردار احمد - القدوس خان صدر اعظم بوضاحت بمشاهده رسیده است . چنانچه همینکه سردار موصوف از کابل روزه عقد هار گردید در فزانه سران قبايل مختلف چون محمد آخان هزاره ، عباس خان هزاره ، محمد رحمد خان توری ، محمد الله خان قبايق ، نواب خان و سهند خان الکوزای ، نور محمد شاه خان قزلباشی ، محمد اسلم خان بلوچ ، حاجی محمد یعقوب خان توخسی و یک عده دیگر از خوانین هلمند و حانین تا شهر قندهار زير شمار های اتحاد و همبستگی در صفوف مبارزين پیوستند و با -

طرد هرگونه اختلافات فقهی قوس و منطقوی چون مفت واحد علمیه د ضمن همایزه پرداختند و به این ترتیب وحدت ملی مردم افغانستان که توسط رهبران ملی تبلیغ میدند تا - بانگر پیروزی تاریخی آنها علیه استعمارگران انگلیس بود . این اقدام پروسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کشور را تکمیل کرد . لذا دیده می - از همه پیش در امر استقلال کشور روی احساسات پاک و وطنپرستی مردم خطاب میگردد که این امر منجر به استرداد استقلال کشور ما گردید .

صورت کبره و پوست دقیقه قبل از آن محل را با خاکستر گرم و با داغ اما پاک و مانند خاکستر کاغذ پاک و خاکستر سکرته و خاکستر تکه های ظرف غیر سندی بمالد .

۶- مالش دادن یک توتبه مکعب شکل پنج پاک قبل و بعد از ببردن موی علاوه بر جلسه گیری از نفوذ انتانات و میکروب های عادی در درازنای کاهش می دهد .

ازموهائی که رنج...

بقیه از صفحه (۵۷)

در مراحل بعدی میتوان برای همیشه آنرا از بین برد . طریقی استعمال آن نیز زیاد سهولت دارد .

ورقه ضخیم موم داغ را بالای ناحیه هیوار نموده و اندکی انتظار بکشید تا سرد شود . سپس آنرا برخلاف جهت تایل روی بدن موبد داشته به طرف خود بکشید . در این صورت استعمال پارچه تکه و پلاستیک لازم نیست .

شوره دوم آنست که سوم گذاشته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هیوار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پاک و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا با داکتر جلدی تماس گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت -

معماری بفرماید . بوده و بیشتر اهدت معماری باعث تخشش سوزش و آفات پیشرفته میگردد . استعمال در اوری جلد در رساچه کزیده گی زخم ها لکه های جلدی ، نواحی - دارای خارش جلدی مطلقا - ممنوع است . در این شوره - رویدن موی تازه تا نوزده روز ناممکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

بهترین موی ترش شوره نجات از پرمی مخصوصا برای پاهای با زبان زهر باران - غلبه و اکسینک است . که - رویدن موراکم تا دو سه ناممکن ساخته میتواند . البته

جوانمردی موهای مخصوص برای پاهای با زبان زهر باران - غلبه و اکسینک است . که - رویدن موراکم تا دو سه ناممکن ساخته میتواند . البته

تل شود . نوبه آن تبخیر خواهد شد . جوهر لیمو را با آن یکجا ساخته تا وقتی که قوام موم برسد حرارت دهد . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق کلسیمین به آن علاوه نمایید . دیگر واکنش تهیه شده تا بیل استفاده می باشد . تست حساسیت مانند قبل - حتمست .

د: الکترولیز:

شوره مدون از بین بردن موی آنست که باید تحت نظارت متخصص و یا داکتر جلدی مجرب صورت پذیرد .

پارچه نازک و پاک و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا با داکتر جلدی تماس گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت -

معماری بفرماید . بوده و بیشتر اهدت معماری باعث تخشش سوزش و آفات پیشرفته میگردد . استعمال در اوری جلد در رساچه کزیده گی زخم ها لکه های جلدی ، نواحی - دارای خارش جلدی مطلقا - ممنوع است . در این شوره - رویدن موی تازه تا نوزده روز ناممکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

به خاطر بیاورید که از بین بردن موهای اضافی به این شوره برای صاحبان تکالیف قلبی دایم (موی شکر) و دختران کنتراز سن شانزده مطلقا ممنوع است .

پس از بردن موی با شوره - الکترولیز باید تمام بدن را - حقیقا کرم جلدی تطبیق نمود .

معمولا به خاطر پوها - ندن پرمی ساده از موهای زیاد استفاده میکنند که به د لایل ذیل باعث زیاد شدن موهای این ناحیه میشود :

- جملت تحمیک پذیرگی
- استعداد رشد موهای ساده در برابر تماس های مداوم با جورچا
- در سایه قرار گرفتن ناحیه - تصریق مداوم پوشش

مواجه شده . رفته رفته حلقه مخفی سیاسی به شکل علنی به فعالیت آغاز نمودند مشهور ترین این حلقات به گفته نویسنده افغانستان در مسیر تاریخ دو حلقه بود .

۱- حلقه که خود را "جوا - نان افغان" نامیده و سرام تند تر و دست چپی داشت و اعضای مهم آن عبدالرحمن - لودین ، تاج محمدخان - پغمانی ، فیض محمدخان بارت - ساز و میرغلام محمد غبار بود .

۲- حلقه سیاسی که از طرف میرمحمد قاسم خان رهبری میشد و در آن عبدالهادی - داوی و فقیر احمد خان ، مهد غلام محمد رخان ، پابای کتری غلام رضا خان و دیگران شامل بودند .

از جانب دیگر رکابنده اختلا - فات شده بدین مشروطه خواهان و مخالفین مشروطیت بروز کرد این اختلاف نظر هاجمه تار فضا بین محمد و طریزی و وزیر خارجه به عنوان مشروطه خواه و عبدالقدوس خان اعتماد الدوله صدراعظم به عنوان مخالف نظام مشروطه در میگرفت در ذهن شاه چنین القای شد که این اختلافات برای د وام شاه مفید میباشد ، محاله تا انجا بالا گرفت که عبدالقدوس

بقیه از صفحه (۷)

نهیضت

خان صدراعظم طی نامه از شمس المشایخ و نورالمشایخ مجددی برادرش خواهان اعلان جهاد علیه مشروطه خواهان شد و آنانرا واجب القتل قلمداد کرد .

چون اهداف برنامه مشروطه خواه با به قدرت رسیدن شاه امان الله پا در هوا ماند و اصلاحات سیاسی واجتماعی شاه نتوانست روشن فکران را مجاب سازد بنابراین مقاومت های ایمن روشنفکران در مقابل شاه آغاز یافت . شاه همیشه مقاومت روشنفکران را در مقابل خود احساس نمود یکایک آنان را از پهلوی کنار گذاشته در عرض افراد فرصت طلب و مقام پرست را به جای آنان گذاشت و در پیروفته اداره دولت شکل یک اداره مطلق العنان را به خود گرفت علاوه محمود بیگلرگن طریزی از وزارت خارجه معزول شد ، محمدولی خان وزیر خربه از پست فعال وزارت خربه

به وسیله تشریفات ، کیا ، شاه گناشته شد ، عبدالهادی - داوی وزیر تجارت از کابینه استعفا نمود و میرمحمد قاسم خان از امور مهم مملکت دور ساخته شد .

با این حال شاه در جرگه های روشنفکران رو برو میشد . غلام محی الدین خان آرتسی و کمال انتخابی کابل در لویه جرگه (۱۹۲۸) فریاد کشید :
مادامیکه این وزیری - مشهور با قضا دشا تا پای محاصره و دار برده نشده هیچ اصلاحات در مملکت ممکن نیست .

برای شاه موقعیت دشواری پیش آمد حکام و مأمورین فرصت طلب که به عرض مشروطه خواهان کرسی ها را اشغال کرده بودند بدون هیچگونه احساس مسرولیت به چور و چپاول و مکیدن خون مردم مصروف بودند که پیمان

تاریخیت مردم از شاه بود . شمارده ی غریب که شاه از اروپا با خود آورد ، بودیسا - واقمیت های زنده گی ، احصا سات مذہبی و عرفی و ادات سستی مرد . موافق نبود بنابراین تحریکات انگلیسها را خوتر توجیترده میتوانست .

قدر تحصیل کرده و قلمبسم ملت که با تندر شاه موافق نبودند و در سیاسی سواران اهداف برنامه مشروطیت را رو به فراموشی میدادند از انگار شاه دور ایستادند .

بنابر آن شاه مجبور شد با این شعار که :
مهر و تاتونشنوی نامم اگر از نامن ترانک است " وطن را ترک کنید ولی در پایان نهیضت امانی قفار موج معکوس فعالیت های تند روانه شاه را انانی متحمل شدنکمه اصلا با ت ت سد روی های امان الله خان موافق نبودند تعد اد زده این رو - شنفکران اعدام شدند ، و یاد ر غلو زنجیر زندان ها افتادند که ادا به شرح آن از حوصله این بحث خارج است .

بقیه از صفحه (۶۱)

ان...

میکردید به امضاء رسید . در متن پروتوکول آمده است : ماهر و نجابت نقرشوه گیرند مورثوه دهند ، را مخفیانه بازی نموده از تخلفات همدیگر زهر کانه گذشم منجم و تمهد مس - بندیم که به شکایات خورد و - بزرگ از طفل بی دندان گره - فته تا پهر مردی که آخسین دندان را حین بالاشدن به سرس از دست دادمانده و نفس نمیکد ارم .

به اثر سخی و تلاش منمو - بین آهت جمع آوری بیستکارت مدیهست مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصایر و - بیستکارت های مغایر اخلاق و کلتور از نزد " متن پروتولد - بزرگ دوست " شاکر دصنف ششم یکی از کتاکتب کشف چه دست آمد . بیستکارت تصا - و هر به دست آمده ضبط گردیده - شتم به چنگال بهره های - نهشدار صنفی هاسپرد شده و ضمه تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد .

از خواننده کان ارجشند صمیمانه تقاضا به عمل مایسد تا با خواندن این مطالب بر ما خنده که رعو که گری نکند .

گل

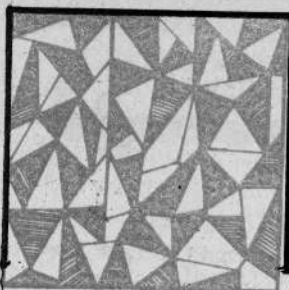
(۴) خ پاتی

زمان

به جورولو کی کارا خلی گلزمان به نایتمستوالو - نوکی گودن کری دی دغملستان به نیتوال کی بی افتخاری دیلوم ترلاسه کری - نمای به روسی دده دغه - هشی بی گبی نه دی هما - فسی چی دده دینه استعداد له برکه دده شعرت اوشجوبو بیت نهات دی نودده دکارله - برکه به دینتوموسیقیو له هم مکه هی .

ملاقات در مسکو

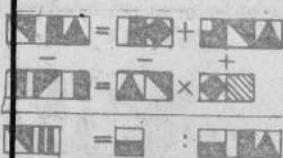
معدا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری منمود . دوکراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تمییرات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مخالفین گراچف پشتیبانی به عمل آرد . شاید از همین سبب بود که آقای بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و پشتیبانی اشرا بر بنیانی اصول وانمود کرده است . و بالاخره پشت نعل - لبتدای صلح جویانه ابرقدرتار اعلالی اینها می کند . اگرچه (ستارت) نگران انسانهارا از خطر های اسلحه های بی دوزنکره ؛ مکرمستان گت که سرفنازخوبی برای ایجاد جهان فارغ از جنگهای سه می خواهد بود .



در این مورد هیچ ستاره وجود دارد که نامش است -
! اما! اینرا پیدا کنید.



این به نشانی مرموز است
بآن دلیل که نام بی از ایالات
متحدہ امریکا در آن بیستم مس
خورد. این ایالت کدام است



اعداد مرموز

اعداد مرموز
در اینجادر هیچ نقش
عددی را بیاری میکند و شما این
اعداد را از روی علائمی که در -
اعضای آنها دیده میشود می
توانید پیدا کنید.

حل کنید و جایزه بگیرید

تهیه کننده لطیفه "سهدی"

افقی:

- ۱- عروس شهرها • دلبری
- ۲- مخفف کز • دنباله درختی بر سر
- ۳- از شهرهای عربستان •
- ۴- لکه کوچک حرف معمول به واسطه •
- ۵- از اسمای ارضی • فراغنه مصر •
- ۶- اگر چیزی از روزگار باشد آدم خالخورده • چشیده • است •
- ۷- حرف انتخاب جمله کتب • طلبی • از حالت دریا •
- ۸- کتاب جمع شده • در یکی از آثار جان اشتاین یک پنهان شده است • فلزی است •
- ۹- خوراکی با تخم مرغ • از هراهان دوت •
- ۱۰- رسن فلز گرانبها •
- ۱۱- هنریشه فلم بیک • نهک •

عمودی:

- ۱- مسردترین نفاثر جهان در حال حاضر
- ۲- از حروف الفبا • انگلیسی
- ۳- از سران آلمان نازی • خواننده گلستان •
- ۴- بخاطر سپردن • از انواع خواهر و برادر •
- ۵- از جشنهای باستانی • از کلمات پرستش تصدیق روس •
- ۶- واعظ در جمع •
- ۷- سنگ تازی • میزان کر • دن • عددی است •
- ۸- از ادارات تابع وزارت • کشور • از موجودات افسانه ای •
- ۹- تکراری از حروف • رویاه صحرا •
- ۱۰- نخس • از خاکهای • صنعتی • از حیوانات مزاحم •
- ۱۱- از مخترعین معروف • امریکایی •

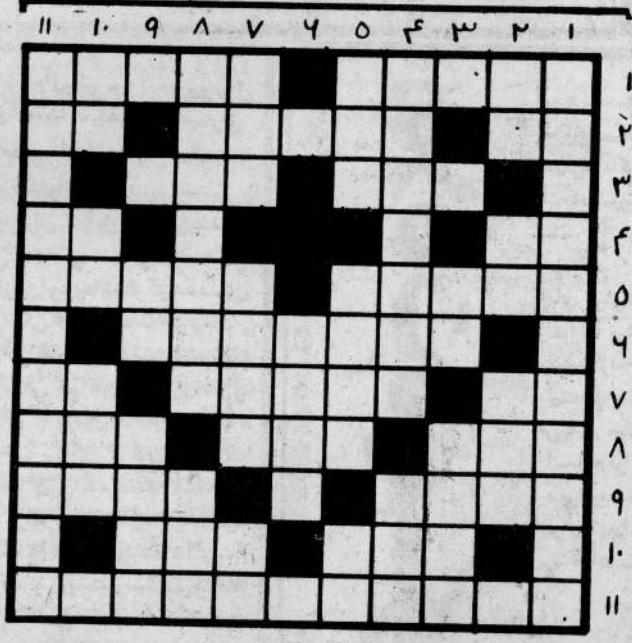
سوالها

۵۵



پرسش

ها



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱

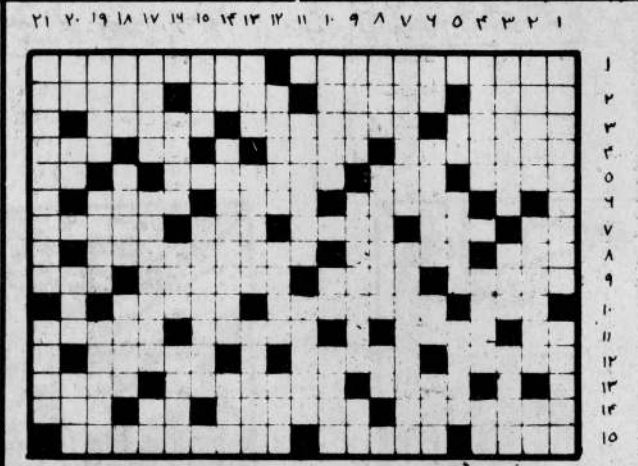
حل کنید و جایزه بگیرید

افغنی
 ۱- شاعر پارسی گو پاکستان
 شاعر جوان ماه مینو " در
 خط قلمه " ازوست.
 ۲- دوره زیبای درخشان -
 فخر امر رساندن ، از حیوات
 است فاره ایست .
 ۳- جانوریست - بویه جلیاسه
 که در آب و آتش زیست میتواند
 معلوم و دستم رسید و خدمت
 مقدسیست .
 ۴- شانی که ریا می کنند اما
 بر سر است - کسی را کشته
 از لقا خدا - سرور بر آغاز .
 ۵- رقم را جمع کنید - بد نیست
 از سهرهای مشهور امرینا من
 و سما .
 ۶- پایبر جردن است و منکن
 ستران - نورانی - رعیت
 واحد است .
 ۷- نم سداى حیوانیست .
 نهایت زمان عمر - حذرهما -
 هرنگ که گلها را می بوئند . در
 پشتو - پس از ارکان سورسورا
 نا از آسوی .
 ۸- اسم پر پا - آخری
 علم بد ستان .
 ۹- کشتزار - علم نو آموزان
 تشم القاح شده - سلم رستم .
 ۱۰- اسن نیست . پیشوا و -
 رغنمون - زیری و با هوشی .
 ۱۱- عدت نعن که در او کلمه
 میاید و معنی انرا تغییر میدهد

- ۱۲- در زمستان برای تسخیر
 می گذازند - سمن و سیاک
 کرد انیدن - سبب را جمع
 کنید .
- ۱۳- کلوله (رنه او.....)
 پرو براموست در تلویزیون - صفت
 و پشت سر هم .
- ۱۴- سرزمین ناویزان - برای
 عید می بزند - فرودگاه بوسه
 کلمه فازه .
- ۱۵- در روزه عبادت مشغول
 است - سوخ در روز یا چسراغ

- ۱- کتابی از حکیم نامرخصرو
 طلخی - معنی نامه آن معتاد
 است و گویند تا نکیرت در نندان
 است .
- ۲- هر سرخسرتوان دید - راز
 نهدار - نفس در رستو .
- ۳- شهر مهم تجارتی تا یلینند
 اسرار زاده اتلیسی - در -

- ۱- استماع احسن ایست نه مصا
 رف سرور را مقبوس شود .
- ۲- برای زیبای آن ورزشی -
 ایست - رنج در ورد مند - مایه
 زنده کانی .
- ۳- تکرار یاد رف - جنون را جمع
 شود - در امان و آسوده
 جاسر .
- ۴- آریاب لعن تسبیح کرده اند
 سرانند است و مفرد اناس بی
 مهره - مبرو غین .
- ۵- مرکب موش در مبروریان - امرود
 در آن زنده در مینانند .
- ۶- و در ویدیا - هشاهات وزیران
 در نور بدین و پیوند .
- ۷- به غذا غنسی می ورزید . علم
 به دست دارد - در ردیف دوم
 خودی - بی گوئید .
- ۸- بی میدان وزیران
 وزیرار - اثر از آنسرف بیوانند
 شراب است - حکمت راست .
- ۹- پدر مردگان - ستاره
 غنا و شنشاه آسمانی .
- ۱۰- تغییر در پشتو زارخانه
 را اداره میکنند - محمود - به
 آیس کریم میزنند .
- ۱۱- وسیله تا زنجار - نوعی
 بود کیمیاوی - خداوند کار .
- ۱۲- یکس از فنون - آیین دارل
 مارش بوده که اصول موسیالویم
 علمی را تسریح میکنند .
 (..... کارنها) کتا -
 بیست از لغون تولستوی .
- ۱۳- آواز کیوساست و از سنا هم
 شعری - و دیتی دارای اقلیم
 مد پترانه که پرومیس زیتون
 در آنجا صورت می گیرد .
- ۱۴- متحرک نیست . پست و فرود
 ماه - کدام غله جات .
- ۱۵- دختران هندو بدست
 براد را نترس می بندند - اولی -
 نوعی طیاره و دویس هفتشسین
 نجراب .
- ۱۶- فراموش در پشتو - پناه گاه
 است و کتابه از وطن - سمت چپ .
- ۱۷- مژده دهنده مرکز لایت
 نهمروز - اول و شروع است
 با پانزهنی حرف واو .
- ۱۸- تکرار حرف پهن در پشتو
 میگویند " بودم " از امراض خطر -
 ناک . روز مهرب .
- ۱۹- حاتم شاهی که الماس
 کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه
 داد . ناف آهوی مشت .



حل کنید و جایزه بگیرید

محترم عبدالمصهر نواز تر
 محترم صفیه نواز تر از مکروریان
 محترم بشیر احمد امری
 منزه محمود محصل حقوق
 محترم سها خورشید از لسه -
 زرغونه .
 این بور محصل سال جارم
 انستیتوت طب کابل .
 محترم حسنا غزال از پوهنتون -
 کابل .
 محترم نوره ناصر محصل طب کابل
 محترم محمد جاوید سرپاز
 زرغونه .

سپاوون کورکات

شیر سوه و عسل

ترجمه : حسام الدین برومند

۱- خرگوشی که در سوراخ همک درخت زنده گی میکرد ، متوجه شد که زنبور های عسل بسیاری شان خانه ساخته اند . خرگوش به فکر افتید که چگونه از سوراخ بیرون برآید ، از زنبور دوستش موش صحرایی رابه کمک صدا زد . آن وقت هر دو سبزه ها و علفهای خشکیده را از بالای درخت جمع کردند تا به اطراف زنبور ها در بدهند . با ایسن کار شان زنبور های عسل دسته جمعی پریدند آن گاه خرگوش و موش صحرایی ماندند و عسل ها .



۲-۳ : وقتی آن ها به عسل چسبیدند و مصروف خوردن شدند یکبار سر و کله شیر در آن جا پیدا شد و فرید :

تیز تر ، تیز تر از درخت پا- بین بیائید . خرگوش که متوجه شد فریاد کشید و خشن است لرزان لرزان گفت : موش

صحرایی مراد علف بیچکان وقتی این کار انجام یافت . خرگوش به شیر گفت : تو میتوانی به خاطر آسوده راحتم را بگیری و بروی ، من خود به خود پا- بین میروم . خرگوش بدین ترتیب پاره نجات خود را سنجیده و از درخت خیز زده و پتان پرید که نهی .

شکار که از پنک شیر فرار نموده بود ، ازین رو هیچ پشمش را از موش صحرایی دور نمیگرد



۴- لحظه یی بعد ، شیر با خشم زیاد بر موش صحرایی فرید : پایمین شو .

بدین ترتیب موش صحرایی مجبور شد که خود را تسلیم کرک نماید .

۵- شیر در حالی که موش صحرایی را بر زمین خوابانده و میخواست خفکش کند ، گفت : تو زور جرات تیری از جنگل من عسل بخوری ؟ موش صحرایی بازار زد و عذر گفت : بشیو جان خرگوش مرا وادار به این کار ساخت و فریم داد .



باد رنده خوبی تمام با پنجالش بر موش صحرایی حواله کرد اما موش صحرایی بدون آن که پنجال شیر بر وجودش برسد ، آن را در هوا محکم گرفت بعد از آن جستی زده و در میسان بته ها خود را ناپدید ساخت .

۷-۶ خرگوش را که غسل موزه
 داده بود اینبار با سنگ پشت
 قصد خوردن غسل نمودند باز
 هم سر و کله نشیو شده پیدا شد
 گرن بلا فاصله بر خرگوش غرید :
 بیا پایین شو ، چرا معطل
 استی ؟ اما خرگوش در مقابل
 گفت : اگر توبل میدهی مرا
 قورت نمیشی ، پایین میومم گوشت
 بسیار سختی دا دم و پسر علاوه
 کوبنک استم ، وقتی نرم شدم -
 طعمه خوبی برای تو میومم
 آن وقت مرا به دم خود بنشان
 چنچ بده ، بعد به زمین بز
 آن وقت پیش از آن که نفسم
 برآید مرا نوتر جان کن . نشیو

بلا فاصله خرگوش را بردمش
 نشاند ، دمتر را چنچ داد اما
 چون دم کوتاهی داشت هخر -
 گوش از دمش لغزید و ناپدید
 شد .



۹-۸ : اکنون تنها بیچاره سنگ
 پشت بر درخت مانده بود اما
 هر قدر که نشیو بزوی حمله کرد
 و حیوان را پنجال کند بر سنگ -
 پشت هیچ تا ، نهر ننمود . یکبار
 سنگ پشت سرش را از میان لاکش
 بیرون آورد ، نشیو خور شد و آن
 راه آب انداخت . سنگ پشت
 در آب شروع به آبیازی نمود نشیو
 به دنبال آن خود را به آب اندا -
 خت ، لیکن درین میان خودش
 نغر کرد .

۱۱-۱۰ : نشیو خشمگین به
 سرف جنتل خزید ، آن جا کلبه
 خرگوش را دید ، آرام داخل آن
 رفت ، لکن آن جا را خالی
 یافت ، خوب منتظر برگشت -
 صاحب خانه ندست ، خرگوش



به زودی آمد ، اما چی میدید
 پل پا های نشیو ، ۴۴۰ واقعا
 چا یکی و تیز هوش را از -
 دست نداد و با عجله گفت :
 صبح بخیر کلبه من .
 صبح بخیر .
 نشیو به دنبال خسر -
 گوش دوید ، اما شکار از چنگ
 رفته بود ، زیرا به همان اندا -
 زه که نشیو ساده بود هخر گوئی
 زرنک بود و با خود فیصله کرده
 بود که مخصر صا ، ننگدار ، نشیو
 غسل بخورد .



✳ محترم نظیفه احمدی از اکا-
دمی علوم ج ۱۰
طرح تان برای نزدیک بین
رسید. وی امیدوار است در
اینده طرح ادبی بفرستد.
از شما سپاس بگذارم.

✳ دوستدار سیده مهین مهدی
نزدیک بین در مورد کسی
که شما پرسیده اید که چرا بر-
نمیگردد از قول عوام مفرماید:
اگر ده بار کسی محکم گرفته
نمیواند. حوصله مند باشید.

✳ همکار خوب توریک اسدی
از لایحه مهم:
نه تنها شما بلکه تمام خوا-
نده گان عزیز سیده هرگاه
مخواستند بگویند (سبا وون
چطور باشد؟) باید همراه با
مظریات خویش یک قطعه نو-
توی خود را نیز ارسال بدارند
از شما تشکر.

- ساکت باش:

مگر که دوستم داری بگذار
این جمله بر لبهایت بلسزد
ولی به صدا نماند.
خواهم آن را از دور احساس
نمایم. از رویا بیدار مکن
و مگو که دوستم داری. آه
ساکت باش.

✳ همکار خوب فخریه جان
تنها صدیقی:
نامه شما را خواندم و از
خواندن آن احساس ناراحتی
کردم. مخصوصاً این که
نوشته بودید نامه تان را در
صفحه کشتزار سوخته نشر کنم
خواهر عزیز: امید را از-
دست ندهید شما چون
کشتزار سبز و شاداب هستید
زنده گی به غمهایش نماند.
از خداوند استعنا میگیرم تا
صحت تان را دوباره به دست
آرید. مطالعه بهترین مایه
در لحظات غم و تنهایی است
مشورده کتابهای به ذوق تان
را مطالعه نموده تا روحا از
درد رهایی یابید. صحت
مند باشید.

✳ محترم عبدالشمن شهزوی -
کارمند ریاست برق کابل
شما حتماً سده را هنگام
برجاری برق - العه مینمایید
که متوجه حساب بانکی سوله
که در خود سوله درج است
نشده اید. نزدیک بین برای
خود دید روشن و برای شما
برق روشن و توی شما مینماید.
✳ همکار همیشه حاضر سوله
حکمت الله ناظمی حکمتجو از
ناروالی کابل:
نزدیک بین نامه تان را خوا-
ند و گفت که شما از خصایص
نیک انسانی برخوردارید.
ای کار در دور بین هم چون شما
میبود. به هرحال از غیبت که

بگذرم باید بگویم که من هم
دعایم روزی شکر لاتی تان
اگر به جایزه یک هزار افغانکی
تمادت نمیکند به جایزه صد
افغانی تمادت کند. از شما
تشکر! امیدوارم در آینده
بفهمم سلام بچه ها را دقیق
خوانده بعداً حرفهای تان
را همراه با فوتی تان بر-
سند. نزدیک بین واسطه
خواهد شد تا بدون نوبت
چاپ شود. در لاتی برنده
باشید.
- آخرین چیزی که از دست
بمورد امید است.
- حیثیت را میتوان خم کرد
ولی آن را نمیتوان شکست.

از نزدیک

✳ همکار خوب مهم کمال از
لایحه اربانا.
ما بوس نشوید. نزدیک -
بین شما در طرح جدول -
تشویق خواهد کرد. چرانی!
ما از تمام همکاران خویش طرح
جدول میگیریم. مگر به شرط
آن که خودتان به اداره مجله
تشریف آورده طرح جدول -
تان را تسلیم نمایند. از شما
تشکر! جدولست باشید.
✳ محترم مسعوده مهجور از
اکادمی علوم.
نزدیک بین هر قدر شیشه
هنگام را پاک کرد تا نامه تان
را درست بخواند مؤفق نشد
بالاخره از دور بین کمک خوا-
ست او بعد از آن که حرف
را زهر داد و زهر داد و جنگ
انداخت، توانست بخواند
ولی توانست از آن مضمون

درست بگیرد. مشوره بنده به
شما این است که از خداوند
برای این دو نفر سواد عاجل
و دانش کامل آرزو کنید. ماهم
برای شما مطالب جالب آرزو
مندیم.
✳ همکار عزیز سید خالد حکمی
از لایحه دوستی.
چرانی! شما میتوانستید به
شعبه (اطلاعات و نامه ها)
اداره سباون تشریف بیاورید
و در مورد ذکر شده از نزدیک
بین کمک بخواهید. قابل
تشکر نیست!
✳ علاقه مند جواب به نامه ها
روشنه جان زین.
نزدیک بین از احساس نیک
تان نسبت به او تشکر میکند
ولی این که خوانسته اید تا یک
قطعه فوتی را در این
صفحه سنجاق نماید. -

وی مفرماید: همکار گل بدین
منفذ معمولاً عکسهای علاقه-
مندان ما چاپ میشود. اگر
این جانب نیز عکس خوشتر
سیناق نمایم، همکار دور بین
ساحب بالایم نمیگردد که
گویا من خودم علاقه مند خود-
هستم لذا معذرتم را بپذیرا
شوید. وبگذارید ما این تقاضا
را از شما کنم. و در مورد -
نامه تان باید گفت که اگر
شما به جای نزدیک بین می
بودید باید نامه خشک نمی
میکردید؟ جز این که از تو-
بسنده اثر نامه های (ترا) آرزو
میکردید. از شما تشکر. بر
عکس نامه تان ترو تان باشد.
✳ محترم فوزه وردک.
برسیده اید که چرا هنرمند
محبوب نهراد در با در کشور
کم دیده میشود?
نزدیک بین میگوید: به
خاطری که در خارج از کشور
زیاد دیده میشود.
✳ همکار عزیز احمد حاوید
سمی:
نسبت از بهاد مطالب
نزدیک بین نمیتواند تمام نیک
های ارسال تان را نشر
نماید اما چون به این عقیده
است که ((اخلاق مهم است))
لذا دو نیکه از نیکه های
ارسالی تان را در مورد -
اخلاق انتخاب میکند.
خلق خوش چرافی است
که صفات خوب ما را روشن می
کند و بر صفات بد ما سایه
ماندازد.
خلق خوب پول رایجی است که
باهر نعمتی عوض نمیشود.
✳ همکار خوب مرضیه مرا-
دی از حصه سوم خیرخانه:
قابل تشکر نیست نزدیک
بین همیشه در خدمت شما
بوده و نامه های پر محتوای
هریک شما را بدون واسطه
میبواید، و در مورد مطلب
این نامه تان مفرماید که
ای کار جای اعتبار است تذکر
میدادید.

✳ شمار قدیم نور الرحمن
نوبین از شهر بلخمری.
برای کسانی که شما کانتینر
کانتینر سلام فرستاده بودید،
همه بالمقابل کانتینر - کانتینر
علیت مفرستند. و به جواب
کله تان دور بین مفرماید:
حالی که بی فایده است، بی رقم
همی که تخلص تان را دیدم،
خیال کردم که از همکاران شما
هستید، باز هم برای آن که
قهر نشوید، همانم نزدیک -
بین معذرت میخواهد. برای
آن که جبران نکرده باشیم، می
خواهیم عذر شما را در قطار هم
کاران دایمی بچاییم و لطفاً -
در نامه های آینده یک قطعه
فوتی تان را ارسال کنید، و اینک
مطلب زیبای طنزی تان را بخوا-
ند:

آمدن کارمندان به وسیله
- آمدن جناب رئیس به دفتر
شورفته خواست دلبر.
- از مدتی صاحب محترم وابسته
است به کش موتر مایکلتر.
- از ما مورعاً حب وابسته است
به پنجر شدن مایکلتر.
- و از ملازم بیچاره ساعت هفت
صبح و بدون درنگ در نشست
شکلر.

✳ محترم غم ریانی مرادی از
صحت عامه ولایت بلخ: از مرا-
ملات شما، صرف فوتی میا-
رک تان را چاپ میکنم و امید
واریم در آینده مطالب جالب
تان را نشر نمایم.
✳ محترم ریتا کوشی ایماق از -
شهر مزار شریف.
دور بین حیران است، چی
کند؟ بی شمار عزیز ما مفرماید
کهن دایمی هستیم، چرا -
نو خطاب کردید. ولی
بعضاً فرموده اید که همکاران ما
تشریف دارند. حال آنکه در
شماره های گذشته، نامه -
های فراوانی از شما را پاسخ
گفته ایم. به هر صورت در -
همین حال هم جای شکر است
مانندت مطالب جالب شما
هستیم.

خواب زیاد خطرناک است

خواب زیاد به قدری خطرناک
است که ممکن است منجر به
موت انسان شود. زیرا موقعی
که مایه خواب میروزیم آهسته تر
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچ
جذب میسراسر اساید. کاربن را
در خون نگه میداریم. جمع شدن
اکساید کاربن در خون برای
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت
بندگان ضرر ندارد ولی اگر
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت
از بلخ.

خواب زیاد به قدری خطرناک
است که ممکن است منجر به
موت انسان شود. زیرا موقعی
که مایه خواب میروزیم آهسته تر
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچ
جذب میسراسر اساید. کاربن را
در خون نگه میداریم. جمع شدن
اکساید کاربن در خون برای
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت
بندگان ضرر ندارد ولی اگر
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت
از بلخ.

از دور

چه وقت باید از دو واج کرد؟

تفاوت سن زن و مرد در موفج
از دو واج بستند سال باید باشد؟
یک روانشناس مشهور فرانسوی
مؤلف شد فورمولی برای خواب
دادن به این سوال پیدا کرد
که به عنوان یک کشف جالب -
مورد قبول عدد زیادی از
دانشمندان واقع شده است
فورمول ازین قرار است: اگر
سن شوهر را نصف کنیم عدد
هفتزایه آن افزون نماییم سن

مطلوب زن به دست مییابد.
مثلاً اگر سن مرد سی سال -
باشد، سن زن باید نصف سی
یعنی ۱۵ و عدد هفت یعنی ۲۲ -
سال باشد. البته این فورمول
برای تخمین حداکثر بوده و در
مورد همه صدق میکند.

ارسالی: رحمت الله رمزیار از -
بلخمری.

✳ همکار با استعداد عبد -
المجید فایز از ولایت بلخ.
دور بین از شما و دیگر
همکاران شاعر تها مینماید. تا
اشعار خودمیتان را بفرستید،
تا در یکی دو شماره بعد صفحه
بی ترتیبی و شمر جوانان را -
زینت بختر آن سازیم. از شما
تشکر، شاعر باشید.

در نزدیک مکتب

دختر اولی: از نو قد ولکه
میوشی که سگرت پف میوشد
او نموده دوست داره.
دختر دوم: کی، سو جیب
آبی ره میوشی.
دختر اولی: بیلی بیلی هموره.
دختر دوم: چپ با با حق
که اویدم این.

ارسالی: فرید احمد میهن
در خورتان.

افزودن

هر کس زبانش را نداند بگوید
در جای غیبتش چالان مینماید.
اگر ناخنهای پت دست گرفته
شود و از دست دیگران به سرو
سکه حمله میکند.
اگر ناخنهای گرفته شده به
زیر پا انداخته شود، فقر
می آید.
اگر در چشم، مهران می
آورد.
ارسالی: ریتا کوشی ایماق از -
بلخ.

۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

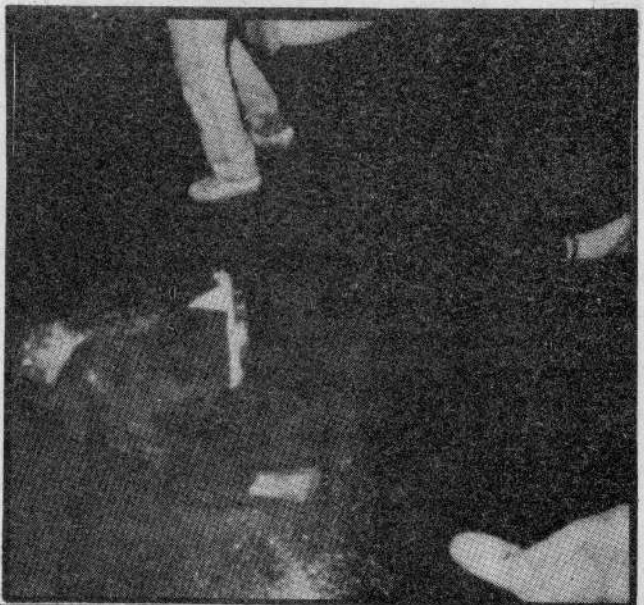
کودتاجهان مستقما دفاع کنند؟
- اقلی کار میچف، حزب کمونیست چه موضعی دارد؟
- پولیت بوری حزب تاجا حالا موضع خود را تعیین نکرده است. دیروز دفتر سیاسی جلسه داشت، اما حال اعلانیه می داده نشده. کمونیست ها منتظر اعلانیه هستند. بوداشت شما از این حوادث به شایه زورناهیست چیست؟

- ارزایی ها مختلف است، بعضی ها تغییرات اخیرا پشتیبانی می کنند و بعضی ها پشتیبانی نه نموده و آن را کودتای خوانند.
- مردم چه فکر می کنند؟
- مردم در تشریح هستند.
دیروز رئیس جمهور وجود داشت و صبح میخ شد. ما له بر سر قانونت و حفظ آن است. در ما سکو اکون، ارتش، تانکها و ماشین های محاروبی و سربازان وجود دارند. مردم می پرسند که اگر سربازان برای دفاع از ما سکو آمدند، این دفاع در برابر چیست؟ از سوی دیگر اگر رئیس جمهور بیمار است پس چرا واحد های ارتش را باید مستقر ساخت؟
- آینده کودتا را چگونه پیش بینی می کنید؟

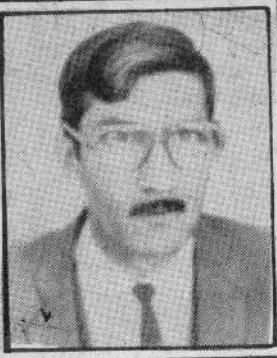
- حالا شاقشه اصلی در کشور تقابل میان رهبری جدید و جمهور روسیه است. من امیدوار هستم که حوادث به خونریزی نماند، هر چه دیشب با مرگ سه نفر خونریزی لغز شد. من نمی خواهم باور کنم که کمیته فوق العاده (ک) ج. ب. (خواستار خونریزی است!) - به نظر شما اکنون ابتکار به دست کیست؟
- طوری که پولندی ها می گویند ابتکار در دست کسی است که تانک ها در دست اوست.
نظر شما در مورد مقاومت بوریس یلتسن چیست؟
- در ماه شهریور یلتسن گفته بود که هیچ وقت به گریباچف باور نخواهد کرد و حالا او را زگر باچف دفاع می کند.
موضع معازن روزنامه پر اودا - بدینگونه بود. سخنان او نشان می داد که کودتاجیان بیخبرانه

پیشینیان حزب کمونیست حساب می کردند. اما آنها متوجه نشده بودند که این حزب و خاستگاه رهبری این باتن در دادن به نوسازی بشک مواج گذشته از مدت ها قبل با سپیدین به شعار حفظ قدرت و ایجاد مواج در برابر دموکراسی و کوشش برای کسب ساختن روند های نو، ابتکار سیاسی را از دست داد. موبه یک حزب بی امید ییال و مخالف جریان تاریخ تبدیل شده است. درست به همین دلیل آنها این ابتکار را بدست گرفتند. مقام پیش قراول مقاومت را بسرای حفظ دموکراسی بدست آوردند که نیاز تاریخ و زمان ما را درک نمودند. نیاز زمان ما اروپیکه تجربه، ارزیابی شرقی و اکنون روسیه نشان داد عبارتست از مبارزه به خاطر دموکراسی، مقابله با دیکتاتوری ها و تسو ایتر یانیزم و احترام به اراده آزاد مردم (در روز سوم کودتا یعنی روز چهارشنبه ۳۰ اسد (۲۱ اگست) مقاومت روسیه وارد مرحله مهم شد. پارلمان روسیه توانست اجلاس خود را آغاز کند. شب گذشته یلتسن با آقایان بوئر، میتران، جان مچجر خانم تاچره، هارن لهووالینسا و بعد

دیگراز رهبران جهان تا معارها تیلفونی داشت آنها با یلتسن هم نظر بودند. کودتا یسان فوراً قدرت قانونی را اعاده نموده و کاور را تر گرفتند! همزمان سنگر بنفشی ها ادامه داشت و - تا اهرات اوج میگرفت (۴۸ ساعت گذشته تا بهت بیخبر از بیخبر گرفت اجلاس پارلمان روسیه در روحیه هیبتگی کامل با بوریس یلتسن و با تایید در خواست همگانی برای برگشت رئیس جمهور قانونی میخائیل گریباچف و عقب رتن کودتاجیان توأم بود. کودتاجیان موفق نشدند رادیو و تلویزیون روسیه را که به مرکز عمده کار سیاسی، تبلیغی و وسیع افکار عامه مبدل شده بود، ببندند. حمایت غرب از موضع تا بهت پیوسته انتراین میبافت و این امر بار و روحیه جنگنده گان را ازادی را تقویت می کرد. این امر زیر پای کودتاجیان راست نمود. روحیه آنان را درهم شکست. کودتاجیان فعالیت پارلمان شوروی، فعالیت بوریس یلتسن و برآمدن پایان دهها هزار انسان را متوقف ساخته نتوانستند. حواسی ظهر روز سوم کودتاجیان از شایعات در باره شکست کودتا پر شد. تلویزیون سی. ان. ان که عمده گهبری از شهریان ماسکو آن را دیده می توانست این شایعات را به موقع به اطلاع عامه رساندند. در یک گزارشی گفته شد که یانایف و چگا در حال فرار در میدان هوایی دیده شدند. درست ساعت ۲ بعد از ظهر رادیوی روسیه از تواقی رهبری روسیه با نظامی ها در مورد خروج قطعات از شهر اطلاع داد. همزمان فعالیت ها برای فرستادن دیپت جمهور روسیه نزد رئیس جمهور گریباچف که در کرمیاد رجال ستراحت به سر می برد آغاز شد. در رأس هیأت صدراعظم جمهوری روسیه سیلا یف قرار داشت. و از تیم گریباچف بهره صرف در متن از اعضای شورای امنیت شوروی که یکی آن - بهره معروف پریاگوف بود در تلویزیون ظاهر گردید. آنها نیز نازم کرمیابودند.
کودتاجیان در برابر اراده مردم به زانو درآمدند و دموکراسی یکبار دیگر به پیروزی رسید.
قسمت دوم در شماره آینده



چراغی در راه روشنایی



شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کو جهان انوی ژوند رجا پ شده
- ۲- دگلو خولی دجلد اول چاپ شده
- ۳- دگلو خولی دجلد دوم چاپ وارجا پ
- ۴- دلدنو ویشته امید وارچا پ
- ۵- دلدنو داستانونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۶- دشعرنو وانشرونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۷- دنوی دنامتو لهکوالو دغوره اوژباړل شوېو داستانونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۸- ددختنسی - رمان عشقی حساس (چاپ شده)

وده ها زمان داستان آفریده است که شماری از آنها باهنوز - اقبال چاپ نمانده اند . چندین آفریده او جایزه های را کاپی برده اند . که از جمله رمان عشقی حساس (دختنسی) او جایزه اول انجمن نویسندگان افغان - نیستان رانصیب گردید .

جهاد در آفریده های ادبیتر با اندیشه و تخیل بلند به حیات عاقلی میردازد . از همین جهت است که خواننده حساس را در محدوده گرمی گهر میکند و تا پایان اثر بیدرد نمیگذارد .

و در رخ و دردی که این نرزانان قلمدار ، با هزاران درخ و همیها ، دامن عمر بر چید و دلی را که سالها از سوختن بردن به تنگ بود ، آرام و بین تیر با خود به خاک برد .

روانش شاد باد !

دانشگاه کابل راه یافت . به سال ۱۳۵۸ در روزنامه " میواد سمت مسمر اقتصادری راه دوش گرفت . و سپس به مجله " جرگه " از آن جا به مجله " سپاهن و آخرسن و ظیفه " رسمی اثر دست معاونهت خرید . هنر بود .

جهاد با آن که به درد خانگاه قلبی دچار بود ، اما شکیبایی و همت بلند ، چنان در راهش داشت که هرگز ، نزد هیچکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد ناگهین حالات خود نهنزدست از قلم و آفرینش بر نمیگرفت .

این شخصیت بلند همت و - خیر دراز منسای حیات آفرید . نشی فرهنگ خد مدعا مقاله " سیاس ، اجتماعی و اجتماعی به نشر سیرده است . به همین گنه صد هاشعر ، پارچه های ادبی ، در راه های رادیو سی

... و چنانی دیگر از جراتانان عمر نویی ملند . با زلم دیدار "انه" امید اناده بی فرو - سریزد و دلغای در تیر هجرت جاودانه " غزیری ، التهاب سون و ماتم میگردند " و خشت چندمی دیگر ، از حصاره فرهنگ مان بهله میزدانند ، نویی انند .

مصطفی جهاد ، نویسنده " اندیشه نده " شاعر شکیبای - نویی نالیست بر دیار کشور در ماه اسد همین سال ، دیده از فروغ هستی بر بست .

مصطفی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در قره تره خیل ولهالی ده سیزلاست کابل دیده به دیدار هستی آورد . دانشهای نخستین را در مکتب باغ علم بردان آقا زو سپس در - لویه " حبیبیه به انجام رسانید و از آن جا به دانشکده " حقوق

پایه از صفحه (۲۵)

اوجش در جان

کد شته فرو میفلتند . بعد میهرسد دیگر چیزی که نمانده ؟ میگویم سها سگد را از شما .

هنرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو مهین سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرا کسرت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آوردند . بودند . پس از اجرای یک سلسله کسرتها دوباره به کشورشان عودت نمودند .

اداره " مجله " سپاهن از - بصیر باسل مهمان دار اینس گروپ که در قسمت فراهم آوری زمینه مصاحبه با ما همکاری - نمودند ، قلبا تشکر مینماید .

به اتان تعلق دارد . پس از یک لحظه هتیمی به لب می آرد و میهرسد : آیا همین ، همین طور ادامه میدهد یا سوال های تان ختم خواهد شد .

میگویم فقط یک - سوال دیگرم را پاسخ دهید و پس :

« اسال کدام آهنگه افغانسی را باز خوانی نمودید و امید و چرا ؟ »

« آهنگهای " اوخدا جان - دلم تنگ است " و " بیچمجان لوگری " را برای مردم دستدا - شتنی افغانستان اجرا میکنم . آن همه به خاطری که از اینس گونه آهنگه ها مردم افغان خاطره های خوشی دارند و با شنیدن این آهنگها باری به

که در سال های قبل موا استقبال میکردند احساسات شان نسبت به آهنگهای بیشتر شده است و چنان برایم کف میزدند که خود را محبوب تر از گذشته احساس کردم .

« ایما از آواز خوانان تازما افغان - نی با آهنگهای تازه شان کسا - نی توجه شما را جلب کرد مانند ؟ »

بارضایت پاسخ میدهد : - همیشه شنونده آواز فرهاد دریا و وحید صابری اعضای ارکستر لاله ها و نواد را مسز خواهم بود . و فکر میکنم کسه آینده موسیقی کشور افغانستان

تنبور روحم را ارامش میبخشد این ساز یگانه همراز زنده گم است .

« پیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میکردید که در استان افغانی تان از شما چگونگی استقبال به عمل خواهند آورد ؟ »

با حالت از خود راضی این طور ادامه میدهد :

« پیش از آن که به افغانستان بیایم با خود می اندیشیدیم و هراس داشتم که میا دا بسرای علاقه مندان افغانی کم چه بهره خسته کنند و ششده باشم . اما آن طور نشد همان گونه

رستوران محبت



میزبان خوش طعم و شیرین غذاهای ویژه میزبانان محترم، روز در رستوران محبت برگزار
 نمایند. رستوران محبت با محبت و اخلاص در شرایط سخت و دشوار خود را خوب
 رستوران محبت در همه این شرایط نیز در راه می ماند.
 پنجشنبه رستوران محبت به روزه در ساعت ۲۰:۱۱-۲۱:۰۰ ظهر
 نماز عشاء با سه چاشنی در خدمت مشتریان عزیز است.
 آدرس: جاده یوسف محرابی، تقاطع پل چینی، مشهد، ۹۱۷۶۶

رهنمایی در خرید
 و فروش خانه
 زمین آپارتمان و موتور

رهنمایی مسابقات

روح الله تقیری



آدرس:

شهر نوح چارراهی حاجی یعقوب
 متصل مسجد جامع شیرپور
 تلفون ۳۲۵۲۹

آریانا مارکیت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و



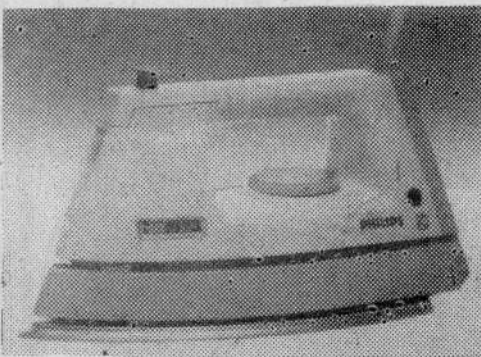
لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بکلی

تلویزیون و غیره اجناس را بطور عمده و پرچون برای مشتریان

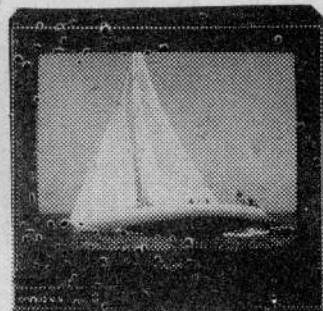
محترم عرضه می‌دارد.

آدرس: ایستگا و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلانی

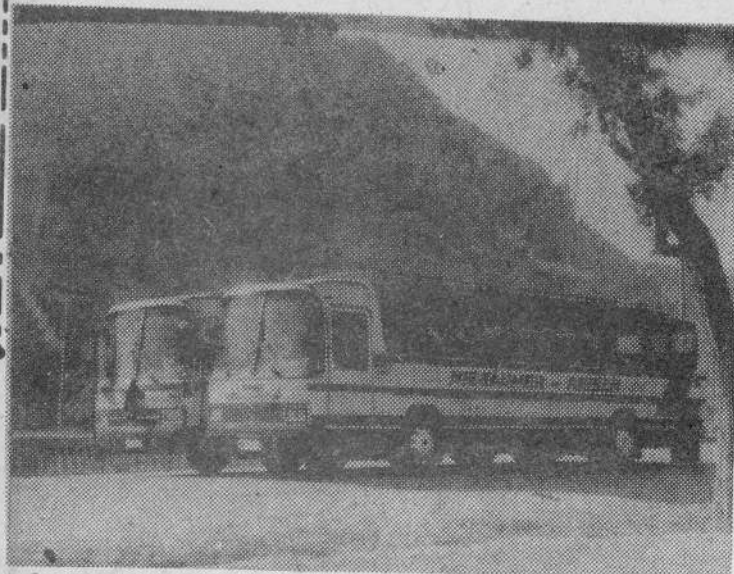
فروشگاه فلیس دیلایت



فروشگاه دیلایت شیک ترین اجناس
رلاز شهرترین کمپنی خارجی جهانگ تان ولرد
نموده و بلا شترتایم عرضه می‌دارد.



تلویزیون، رادیو، فلیس، اتوماتیک، ریپورت کنترل دلد، سایزهای مختلف، بایکال
گرتتر، ویدئو، شارپ، جاپان، مدل VC-M730E اتوماتیک دلد، ثبت کار، سیستم
ریپورت کنترل دلد، ارقام، رادیو، اتوماتیک، فلیس، باپک، سر، تلویزیون، تلویزیون، تلویزیون
۱۱۰۲۰ انچه سیاه سفید، سخت، اتحاد، محمد، آدرس، مقابل، شاه، الکی، کابل، محمد، جان، شاه



اگر قصد سفر دارید
در بسته‌های خمیده آرام
و مستریج ۳۰۳ سفر
کنید .

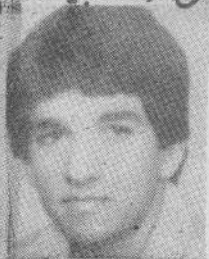
بازار کت پنج‌سیر بس شمارا
از کابل به پنج‌سیر بستمنگان
دعواتر عیض مع الخیر میرساند
آدرس :
کابل - ساحه د افغانستان پل خشتی

سفر
بازار کت
پنج‌سیر

تلفون ۲۱۷۸۴

فروشگاه چشمه

زیباترین مپردی مردانه ، بهترین لوازم آرایش و
عطریات ، مرغوب‌ترین پیراهن های زنانه و مردانه
شیک‌ترین سیلر ها و پلوتونهای مردانه و بچه گانه
مقبول‌ترین دیشی های اسپرتی و
کاوبای ، جاکت و دیشی های
پشمی را از مشهورترین کمپنی های



جهان تازه وارد نموده و به قیمت مناسب عرضه
نمیدارد .
آدرس : شهر نو چارراهی طره بازار خان تقبال
افغان کارت

دو سه موسم سال گلبنار
تازان و مهنه عمر بیت کرده
مطلوبه کنید
گلدست عروس و خنجر و گلپوشه
همه مطبوعه ذوق خوشما



آدرس : چارراهی طره بازار خان

گلفروشی سنبیل
گلفروشی سال

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

دقتر و منازل شما مشتری افزایش

اگر میخواهید اتاق های تان را زیبایی خاص بخشید آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پارتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنک وات منزل اول آریا پارک تیفون ۲۳۷۴۷



قرطاسیه فروشنده صنایع اقم کتاب و کتبی
انواع قلمهای خودکار و دستگیره و صنایع نساجی
مورد نیاز طلاب معارف ، مجوسه دولتی

اخبار هفته ، جوانان امروز و سایر نشریه ها را
بقیمت نازل عرضه میداریم .

آدرس : قرطاسیه فروش صنایع
ایستگاه موتورها گولانی پارس
حصه سوم خیرخانه واقع دماغانا

۱ میزان - روزیدیه
برای دختران و خانها که
در ماه حمل تولد کرده اند
برای ماه های گذشته شما
از این روزه بعد دوباره حاد
میکردن تلاش کنید که از هر گونه
ساقته دوری جوید .

۵ میزان - روز آرام و خوشی
برای انده ای خواهد
بود که در ماه های جوزا
سرطان و حوت تولد شده اند
روز خوب برای معاملات تجاری
نی خواهد بود . علاوه بر آن
برای کسانی که در ماه میزان تولد
نکرده اند روز خوبی برای
ازدواج خواهد بود .

۶ میزان - ناراحتی هایی
کسانی که در ماه توتول
شده اند در این روز شدت
پس باقی ای کس خواهد
کردد خانها و دخترانی که
در ماه سنبله تولد شده اند
امروز ، روز خوبی برایشان
نخواهد بود . در این
روزها د کوشش کرد تا جلو
احساساتی شدن خود را بگیرد
بعد بخصوص تولدین ماه
سنبله خیلی محتاط باشند
تا اکنون سعادتتان در این
روز از هم نپاشد .

۱۵ میزان - تولدین
ماه ای حمل ، جوزا ، دلو و
حوت در این روزهای ۱۶ میزان
به مسافرت اقدام نه ورزید
برای تولدین ماه نور این
روزیک روز خسته و بیسی
خواهد بود ، اگر تلاش کنید
دوست آزرده شده ، ثان در این
روزها شما آشتی خواهد
کرد . روز خوبی برای
انتخاب همسر زنده کسی
برای تولدین ماه نور خواهد
بود .

۱۶ میزان - برای تولدین
ماه ای جدی و حوت روزی
جنجال بوده در این روزها
زیاد میروند تا شمارا در کارتان
نهیب دهند و این کارونستی
می شوند . تولدین ماه
عقرب بیاد داشته باشند که
این روز برای حل و فصل نزاکت

برای شما فال دیده ایم

سرنوشت شما در ماه میزان



میزان و دلو روز خوبی خواهد
بود . خانها ای تولدین
ماه های عقرب و حوت در این
سیات خانوادگی تان در این
روز از حوصله مندی نه یاد
استفاده نماید . روز خوبی
برای ازدواج برای تولدین
ماه حمل خواهد بود ، اما
از انجام معاملات تجاری
در این روز صرف نظر کنید و
غیران بد شانس انتظار
شمارا می کشد .

۱۸ میزان - روز خوبی برای
مردان ، دگران و نظامیان
تولدین ماه میزان خواهد
بود . برعکس برای تولدین
ماه حوت و جوزا و سنبله
جنجالها فامیلی و بدعا
تجارتی و تحصیلی انتظار
تان را می کشد . جنجالهای
تولدین ماه عقرب از این روز
به طرف حل شدن پیش میروند

۲۶ میزان - تولدین ماه های
حمل ، سرطان ، قوس و حوت
منتظر شنیدن یک خبر
خوشی در این روزها باشید
کوشش کنید تا رسیدن آن
در این روزها از دست ندهید
تولدین ماه های جوزا ، اسد
دلو برعکس منتظر شنیدن یک
خبر ناگوار باشید ، اما
در مقابل انده کسانی که
به برابرم های اقتصادی دست
و گریبان هستند از این روز به
بعد وضع اقتصادی شان
بهبود می یابد .

۳۰ میزان - تولدین
ماه های جوزا ، اسد سنبله
میزان ، جدی در آخر ماه میزان
همه کارها به مراد دل شما
پیش خواهد رفت ، بخصوص
در مسائل عشقی و مسایع
شما با جانب مقابل . در این
روز شانس خوب برای تولدین
ماه جدی و دلو در امور رسمی
پیدا خواهد شد از آن استفا
ده . اعضای نماید ، تولدین
ماه حمل اگر میخواهد کدام
معامله ، تجارتی را در این
روز انجام دهد آنرا به
فردا بگذارد .

۱۸ میزان - روزها برزید . تولدین
ماه حوت اگر یک دام جنجال
مواجه شده باشند از این روز
به بعد کارها به مراد دل شما
پیش خواهد رفت ولی در هر
حال از احساساتی شدن
پس خودداری کنید . در هر
آن شانس خوبی را از دست
خواهید داد .

۲۵ میزان - برابرم های شخصی
تولدین ماه عقرب و قوس و حوت
در این روزها می گورد و این
کارالی آخر ماه میزان آداسه
خواهد یافت . تولدین
ماه حمل و سرطان محتاط با
شید که جراحت میدهد
در این روزها انتظار شمارا می کشد .
۲۷ میزان - برای مسافرت
تولدین ماه های جوزا ، اسد

های ایجاد شده فامیلی تان
نخواهد بود این کار را بگیرد -
۱۸ میزان .
۲۰ میزان - روز خوش شانس
برای تولدین ماه های سر-
طان ، اسد ، میزان و حوت
خواهد بود . از هر نگاه میتوان
نهد دست به اقدام بزنید
روز خوب برای معاملات تجاری
و کاری شما خواهد بود . تو
لدین ماه حمل کوشش کنید
تا در این روزها ازدواج نکنند
لدین ماه دلو متوجه باشند
که با هیچ کس در این روز طرح
اشفایی نه بزنید .

۱۱ میزان - تولدین ماه های
نور ، سرطان ، میزان و عقرب
منتظر حادثه غیر متوجه درزند
کی تان باشند اما از سفر در ا-

موتورهای انصاری وات

آه شما هم حفظ کنید، هر وقتیکه در موتور هستید.
 آیا تاکنون شرکت کر ونا جدید مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟
 و هر نوع بنزها را مدل جدید و موتورهای انصاری وات تازه
 ارائه نموده است.



شما از نمایشگاه این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید
 و موتورهای لخواه تانرا باریک مورد پسند انتخاب کنید • همچنان موتورهای
 انصاری موتوهای مدل جدید ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بنز توپو تا و سیکپ های
 مختلف النوع را بید ستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند •

که سرتیلا بار دیگر بخاطر داشته باشید
 تلفن ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ACKU
سلسل
DS
350
22 ص
v4 lms

یک چشم بزرگ در فروشگاه بزرگ

معافل خوشی تا نراد در سورا
فروشگاه بزرگ افغان بگلزار
نمایند تا خاطره آن همیشه شاه
بماند
وقت را بزرگ کنید

فروشگاه بزرگ افغان

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان خرید کنید
تجدید کرده ایم نموده اشپز این قدرت خود قیمت مناسب خرید کنید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**